

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سر دبیر:
فاطمه شیرمحمدی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد توسعه و برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبائی	خانم فهیمه حمایتی
معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه مفید	دکتر محمد خیری
استادیار دانشگاه فرهنگیان	دکتر رضا دادگر
مدرس، پژوهشگر و فعال تاریخ علوم و فناوری	خانم فاطمه شیرمحمدی
دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه قم:	محمدعلی نورمحمد
مدرس، پژوهشگر و فعال علوم اقتصادی	
کارشناس امور فرهنگی دانشگاه مفید	

* * * *

ویراستاران:

دکتر رضا دادگر و خانم فهیمه حمایتی

* * * *

دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات لزوماً منعکس کننده نظرات «دانش پژوهان» نمی باشد.

نشریه دانش پژوهان در ویرایش مقالات آزاد است.

* * * *

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، میدان مفید، دانشگاه مفید، معاونت دانشجویی و فرهنگی، نشریه دانش پژوهان

کد پستی: ۳۶۱۱-۳۷۱۸۵

نمابر: ۳۲۹۰۳۵۵۴ (۰۲۵)

تلفن: ۳۲۱۳۰۲۱۱ (۰۲۵)

پست الکترونیک: cao@mofidu.ac.ir

* نشریه دانشجویی دانش‌پژوهان از سال ۱۳۸۰ش منتشر می‌شود و در تمام حوزه‌های گسترده حقوقی، اقتصادی، علوم سیاسی، فلسفی، الهیات و فقه آماده پذیرش و بررسی مقالات است.

* مقالات دریافتی تنها در صورتی قابل بررسی هستند که دارای شرایط زیر باشند:

- مقاله ارسالی باید نتیجه مستقیم تحقیقات نویسنده و یا نویسندگان آن باشد و رعایت تمام ضوابط اخلاقی نگارش الزامی است.
- مقاله ارسالی در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ نشده باشد؛ همچنین هم‌زمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها فرستاده نشود.

- حجم مقاله به همراه تمام اجزاء آن نباید از ۷۵۰۰ کلمه تجاوز کند.

- مقاله باید دارای بخشهای زیر باشد:

الف. چکیده فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۵۰ کلمه؛

ب. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آنها (حداکثر پنج واژه)؛

پ. مقدمه، بیکره اصلی مقاله، بحث، نتیجه و همچنین فهرست منابع باید به‌صورت کامل و دقیق منعکس شود.

- مشخصات نویسنده/نویسندگان به همراه آدرس ایمیل هر یک از نویسندگان در فایل مقاله و در پاورقی صفحه اول آورده شود. ترتیب نوشتار طبق نمونه می‌باشد: دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه مفید، قم، ایران.

- نویسندگان مقالات جهت استانداردسازی و تنظیم شیوه ارجاعات و استنادات در مقاله، می‌بایست از شیوه APA استفاده کنند.

- تنها ارجاعات مستقیم باید در داخل متن و به این صورت نوشته شود: (طباطبایی، ۱۳۷۰) (Beaney, 1996)

- فهرست منابع در آخر مقاله به ترتیب حروف الفبا و به این صورت ذکر شود:

[کتاب:] فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۱) سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

Shotton, M. A. (1989). Computer addiction? A study of computer dependency. London, England: Taylor & Francis

[مقاله:] ختایی، محمود، و سیفی پور، رویا (۱۳۸۵). ابزارها و قواعد شناخته شده سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران. مطالعه موردی: برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی، مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۱(۷۳)، ۲۳۳-۲۶۷.

Black, J. (2010). Big government: Good and bad. The New Criterion, 28(5), 24-27.

* فصلنامه دانشجویی دانش‌پژوهان تمام مقالات دریافتی را با استفاده از سامانه‌های مشابهت‌یاب و بررسی اصالت، بررسی و تحلیل می‌کند. در صورت کشف و قطعیت نقض اصول اخلاقی و بروز سرقت علمی، مقاله مردود خواهد شد و نام نویسنده در لیست سیاه قرار خواهد گرفت.

سخن سردبیر

در عصر حاضر، علم اقتصاد به عنوان یکی از دانش‌های پایه در جامعه مورد توجه قرار گرفته است. با پیشرفت فناوری و تغییرهای جدید، دانشجویان با یادگیری اصول و مفاهیم اقتصادی، می‌توانند در برابر چالش‌های این عصر، با بهینه‌سازی اقدامات، گام‌هایی آگاهانه، کارا و اثربخش بردارند؛ در این راستا، نشریات علمی دانشجویی نقش مهمی در انتشار آگاهی، دانش و ترویج فرهنگ علمی دارند. امیدواریم که این شماره از نشریه به علاقه‌مندان به حوزه اقتصاد و دانشجویان علاقمند به این رشته کمک کند تا با آخرین دستاوردهای علمی دانشجویان نگارنده آشنا شوند و در کنار آن، به تحلیل و بررسی مسائل اقتصادی بپردازند. شایسته و بایسته است از زحمات آقای دکتر محمدخیری معاون محترم دانشجویی و فرهنگی، آقای محمدعلی نورمحمد کارشناس دفتر امور فرهنگی؛ آقای دکتر رضا دادگر، آقای دکتر روح الله عبادی، آقای مهدی پاشازاده و خانم فهیمه حمایتی، خانم ریحانه عسگری که در نگارش این شماره از همفکری، راهنمایی و دانش خود دریغ نکرده‌اند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

با سپاس و احترام
فاطمه شیرمحمدی^۱

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه قم؛ مدرس، پژوهش‌گر و فعال علوم اقتصادی؛
Email: f.shirmohammadi@stu.qom.ac.ir
درگاه رسمی اطلاع‌رسانی فعالیت‌های علمی پژوهشی: <https://shirmohammadifateme.blog.ir>

سياهه مقالات

- تأثير سوگيري هاي شناختي بر تصميم گيري هاي اقتصادي ۹
فهيمة حمايتي
- قواعد سياست پولي بانك مركزي در نظام بانكداري اسلامي ۲۱
مهسا سادات مجتبيوي
- فقر انرژي چند بعدي و توسعه سرمايه انساني: شواهد تجربي از هند ۵۱
محمد رفيع ، محمد نصيف ، سالو پراساد و ريحانه عسگري
- تحليل اثر بي ثباتي رشد اقتصادي بر عملکرد بانك هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۸۹
اميدعلي عادلبي، بيزدان گودرزي فراهاني و مونا ابوالحسني
- ضرورت آگاهي از جريان شناسي ديپلماسي اقتصادي در دوره سيزدهم دولت جمهوري اسلامي ايران با
تاكيد بر رفاه ۱۱۷
رضا دادگر و فاطمه شيرمحمدي
- چكيده مقالات به زبان انگليسي ۱۴۱

تأثیر سوگیری‌های شناختی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی

فهمیه حمایتی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸. تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

چکیده

سوگیری‌های شناختی از جمله موانع مهم تصمیم‌گیری عقلانی و بهینه‌اند که منجر به کاهش کارایی اقتصادی می‌شوند. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ۵ سوگیری شناختی شامل تمایل به حفظ وضع موجود، ترجیح حال به آینده، اجتناب از زیان، تأییدیه جویی و دسترسی پذیری بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی پرداخت. نتایج نشان داد این سوگیری‌ها به شکل‌های مختلف بر تصمیم‌های افراد و سیاست‌گذاران تأثیر می‌گذارند. آگاهی و مدیریت این سوگیری‌ها می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری و افزایش کارایی اقتصادی کمک کند.

واژگان کلیدی: اقتصاد رفتاری؛ اقتصاد عصب‌بنیان؛ سوگیری‌های رفتاری.

* دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل اقتصادی و درک رفتار انسانی هستند. این تصمیم‌گیری‌ها به‌طور معمول به‌عنوان فرآیندهایی منطقی و مبتنی بر تجزیه و تحلیل عقلانی شواهد و مدارک در نظر گرفته می‌شوند. اما مطالعات روان‌شناختی و رفتاری نشان می‌دهند که عوامل شناختی و سوگیری‌های رفتاری می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر این تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند.

این مقاله به بررسی تأثیر ۵ سوگیری شناختی پرکاربرد بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌پردازد. این سوگیری‌ها شامل سوگیری تمایل به حفظ وضع موجود، سوگیری ترجیح حال به آینده، سوگیری تمایل به اجتناب از زیان، سوگیری تأییدیه‌جویی و دسترسی پذیری می‌شوند. هدف اصلی مقاله، تجزیه و تحلیل اثرات مثبت و منفی هر سوگیری و نشان دادن اهمیت شناخت دقیق آنها برای طراحی سیاست‌های اقتصادی مؤثر است. در این مقاله به شیوه تحلیلی - توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه به بررسی سیاست پولی، قواعد آن و چگونگی بهره‌گیری از آن توسط بانک مرکزی پرداخته خواهد شد تا بتوان نشان داد که این سیاست‌ها و قواعد با استفاده از نظام بانکداری اسلامی به چه صورتی تعریف و شکل می‌گیرد.

۱- پیشینه پژوهش

محبوب و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مالی در دانشگاه تهران به شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مالی با رویکرد شناختی و اولویت‌بندی این عوامل پرداخته‌اند. روش تحقیق به‌کاررفته آمیخته (کیفی و کمی) بود. در مرحله نخست، برای ارائه الگو از روش کیفی استفاده شد و با ۱۶ نفر از خبرگان علمی و اجرایی این حوزه مصاحبه‌های اکتشافی انجام شد. آنها براساس تحلیل‌های کیفی نشان دادند، تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مالی در دانشگاه تهران تحت تأثیر «عوامل محیطی»، «عوامل سازمانی»، «ماهیت و شرایط تصمیم‌گیری» و

تأثیر سوگیری‌های شناختی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی / حمایتی ۱۱

«مؤلفه‌های فردی» هستند. در مرحله دوم پژوهش، الگوی ارائه شده در مرحله کیفی به صورت کمی آزمون نمودند.

دیانتی دیلمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان اثر سوگیری شناختی دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری بر دقت قضاوت آنها با توجه به رفتار هزینه و نحوه ارائه اطلاعات به بررسی میزان دقت دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری در شناخت و تخمین چسبندگی هزینه در شرایط نحوه ارائه‌های متفاوت اطلاعات و تأثیر سوگیری شناختی آنان بر قضاوت‌هاشان پرداخته‌اند. به این منظور اقدام به جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از طریق پرسش‌نامه از بین نمونه ۱۲۰ نفری از جامعه ۱۷۱ نفری دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های حسابداری، حسابرسی و حسابداری مدیریت ورودی ۱۳۹۵ نموده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد درجه تقارن هزینه و نحوه ارائه اطلاعات به حسابداران، روی دقت قضاوت آنان تأثیر می‌گذارد. بنابراین سوگیری شناختی ناشی از تفاوت درجه تقارن ارقام هزینه و نحوه ارائه اطلاعات (به صورت درصدی یا مقداری) روی شناخت و دقت قضاوت آنان در مورد چسبندگی هزینه تأثیر می‌گذارد.

سعادت‌زاده حصار و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان بررسی ارتباط سوگیری شناختی در رفتار سرمایه‌گذاران با واسطه نوسانات قیمت سهام به بررسی ارتباط سوگیری شناختی در رفتار سرمایه‌گذاران با واسطه نوسانات قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه سرمایه‌گذاران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در نظر گرفته شد که به روش نمونه‌گیری دردسترس - اتفاقی ۳۸۴ نفر انتخاب نموده بودند. براساس نتایج تحقیق سوگیری‌های شناختی تحت شرایط نوسان کم کاهش یافته و در نتیجه رفتار سرمایه‌گذاران کمتر تحت تأثیر سوگیری‌های شناختی قرار می‌گیرد. از طرفی سوگیری در شرایط نوسان زیاد نیز بر رفتار سرمایه‌گذاران تأثیر منفی داشته و اشتباهات را بالا می‌برد.

زیندل و همکاران (۲۰۱۴) مقاله‌ای تحت عنوان سوگیری شناختی و تأثیر آن بر بازار مالی نگاشته‌اند. در این پژوهش به طور کلی، هدف یادگیری در مورد سوگیری‌های شناختی و فرآیند تصمیم‌گیری، شناخت موقعیت‌هایی است که در آن، این خطاهای خاص می‌توانند خود را نشان دهند. به این ترتیب می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا از اشتباهات در فرآیند تخصیص دارایی جلوگیری کنند و در نتیجه عملکرد آتی را بهبود بخشند. و یک پایه تئوریک بهتری از رفتار سرمایه‌گذار ارائه می‌دهد، می‌توان پویایی بازارهای مالی را بهتر درک کرد و از اقدامات سرخوشانه و وحشت که می‌تواند عواقب اقتصادی جدی ایجاد کند، اجتناب کرد، همانطور که با بحران‌های مالی مکرر در تاریخ نشان داده می‌شود.

دین و همکاران (۲۰۱۷) مقاله‌ای با عنوان توجه محدود و سوگیری وضعیت موجود منتشر کرده‌اند. در پژوهش حاضر، مدلی از سوگیری تمایل به حفظ وضع موجود معرفی و مشخص شده است که در آن وضع موجود انتخاب‌ها را هم از طریق ایجاد محدودیت‌های روان‌شناختی و هم از طریق تمرکز توجه تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مدل می‌تواند توضیح دهد که چرا سوگیری تمایل به حفظ وضع موجود در مجموعه‌های انتخابی بزرگ‌تر بیشتر دیده می‌شود و همچنین چرا معرفی یک وضع موجود می‌تواند انتخاب بین گزینه‌های غیر، وضع موجود را تغییر دهد. تعامل این دو اثر پیامدهای اقتصادی مهمی دارد. نتایج آزمایش‌ها نشان می‌دهد که هم محدودیت‌های روان‌شناختی و هم تمرکز توجه برای توضیح اثر وضع موجود بر انتخاب ضروری هستند.

لاکومپ و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله خود تحت عنوان عقلانیت و سوگیری شناختی در تصمیم‌گیری اقتصادی گوریل‌ها و اورانگوتان‌های اسیر نشان داده‌اند که تصمیم‌گیری اقتصادی انسان‌ها و حیوانات گاهی غیرعقلانی به نظر می‌رسد. این امر تا حدودی ناشی از سوگیری‌های شناختی است که منجر به ترجیحات ریسک وابسته به متغیرهای بافتی می‌شود. سؤال مهم این است که آیا این سوگیری‌ها بخشی از تکامل هستند یا اکتسابی

تأثیر سوگیری‌های شناختی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی / حمایتی ۱۳

هستند. مطالعه حاضر با بررسی گوریل‌ها و اورانگوتان‌ها به این سؤال پرداخته و نشان داد که عوامل تکاملی و اکتسابی هر دو در تعامل با سوگیری‌های شناختی دخیل هستند.

۲- سوگیری شناختی در اقتصاد

سوگیری‌های شناختی از جمله موانع مهم تصمیم‌گیری عقلانی و بهینه هستند که منجر به کاهش کارایی اقتصادی می‌شوند.

سوگیری شناختی به عنوان اصطلاحی برای تمامی تحریف‌ها در ذهن انسان معرفی شده است که کنترل آنها به سختی امکان‌پذیر است. به گونه‌ای که فرد در هنگام تصمیم‌گیری دچار ادراک یا قضاوتی می‌شود که به طور سیستماتیک از واقعیت فاصله می‌گیرد. این سوگیری‌ها، «میان‌برهای ذهنی» یا «قواعد تکرارشونده» هستند که فرایندهای پیچیده را به عملیات قضاوتی ساده‌تری تبدیل می‌کنند و افراد را قادر می‌سازند تا در شرایط نبود اطلاعات کامل، قابل اتکا و پیش‌بینی‌کننده، به کمک داده‌های محدود و غیرقابل اتکایی که در اختیار دارند به پیش‌بینی و استنتاج بپردازند. (تیلور ۱۹۸۲)

سوگیری‌ها به طور معمول به طور ناخودآگاه و خودکار به کار گرفته می‌شوند و بدون آنکه افراد از تأثیر و وجود آنها آگاه باشند، رخ می‌دهند (مک کری و همکاران، ۲۰۰۲)؛ بر همین اساس، قضاوت‌های افراد در زندگی، اغلب به جای روش‌های مرسوم تجزیه و تحلیل، متکی بر سوگیری‌های شناختی آنها است. (گرینگ و زیباردو، ۲۰۰۸)

۲-۱. سوگیری تمایل به حفظ وضع موجود

یکی از سوگیری‌های شایع، تمایل افراد به حفظ وضع موجود است. افراد تمایل دارند وضعیت فعلی خود را حفظ کنند، حتی اگر گزینه‌های بهتری وجود داشته باشد. این سوگیری می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر بگذارد. برای مثال، سرمایه‌گذاران تمایل دارند سبد سهام فعلی خود را حفظ کنند. همچنین مصرف‌کنندگان تمایل به حفظ وضع موجود در انتخاب برند دارند. آگاهی از این سوگیری می‌تواند به تصمیم‌گیری بهینه‌تر منجر شود.

سوگیری تمایل به حفظ وضعیت موجود یکی از سوگیری‌های شناختی رایج است که در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند. این سوگیری به معنای ترجیح افراد برای حفظ وضع موجود به جای تغییر آن است، حتی اگر گزینه‌های بهتری موجود باشد. (ساموئلسون و زکهورر، ۱۹۸۸)

سوگیری تمایل به وضع موجود می‌تواند تصمیم‌های مالی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، سرمایه‌گذاران تمایل دارند سبد سهام فعلی خود را حفظ کنند تا اینکه آن را تغییر دهند و سود بیشتری کسب نمایند (هارتمن و همکاران، ۱۹۹۱) همچنین، مصرف‌کنندگان تمایل دارند ارائه‌دهنده خدمات مالی یا بانک فعلی خود را حفظ کنند. (کنتچ، ۱۹۹۵)

علاوه بر این، سوگیری تمایل به وضع موجود می‌تواند مانع از اتخاذ سیاست‌های اقتصادی جدیدتر و کارآمدتر شود، زیرا تصمیم‌گیرندگان تمایل دارند وضعیت فعلی را حفظ کنند. (تیکونیسکی و همکاران، ۱۹۹۵) در مجموع، آگاهی از این سوگیری و تلاش برای کنترل آن می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی بهینه‌تر شود.

۲-۲. سوگیری ترجیح حال به آینده

سوگیری دیگری که می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر بگذارد، ترجیح دادن پاداش‌ها و منافع کوتاه‌مدت به بلندمدت است. افراد تمایل دارند پاداش‌های کوچک فوری را به پاداش‌های بزرگ آتی ترجیح دهند. این سوگیری می‌تواند برای مثال منجر به کاهش انگیزه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شود. آگاهی از این سوگیری و تلاش برای مقابله با آن می‌تواند تصمیم‌گیری‌های بهینه‌تری را موجب شود.

سوگیری ترجیح حال به آینده یکی از سوگیری‌های شایع شناختی است که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی نقش دارد. این سوگیری به معنای تمایل افراد به دریافت پاداش‌های کوچک فوری به جای پاداش‌های بزرگتر آینده است. (فردریک و همکاران ۲۰۰۲)

تأثیر سوگیری‌های شناختی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی / حمایتی ۱۵

سوگیری ترجیح حال، تصمیم‌های مالی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه، مصرف‌کنندگان تمایل دارند هزینه‌های جاری خود را کاهش دهند تا پس‌انداز کنند و درآمد آینده بیشتری داشته باشند. (مریر و اسپنجر، ۲۰۱۰) همچنین، سرمایه‌گذاران دچار این سوگیری، سود فوری کمتر را به سود بلندمدت بیشتر ترجیح می‌دهند. (چاپریس و همکاران، ۲۰۰۸)

علاوه بر این، سوگیری ترجیح حال می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی شود، زیرا سیاست‌گذاران تمایل دارند نتایج فوری را به نتایج بلندمدت ترجیح دهند. (ارمینسکی و زابورمن، ۲۰۱۶) آگاهی از این سوگیری و کنترل آن می‌تواند به تصمیم‌گیری اقتصادی صحیح‌تر منتهی شود.

۲-۳. سوگیری تمایل به اجتناب از زیان

یکی دیگر از سوگیری‌ها، تمایل شدید افراد به اجتناب از زیان و بی‌تمایل به پذیرش ریسک است. افراد زیان‌ها را بزرگ‌تر از آنچه هست درک می‌کنند. این سوگیری می‌تواند باعث اجتناب بیش‌ازحد از ریسک و فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور شود. آگاهی و مدیریت این سوگیری در تصمیم‌گیرندگان اقتصادی حائز اهمیت است.

سوگیری تمایل به اجتناب از زیان یکی از سوگیری‌های شناختی است که در حوزه‌های مالی و اقتصادی کاربرد فراوان دارد. این سوگیری به معنای تمایل شدید افراد به اجتناب از زیان‌هاست، به طوری که زیان‌ها را نسبت به میزان واقعی بزرگ‌تر ادراک می‌کنند. (کهنمن و تورسکی، ۱۹۷۹)

سوگیری اجتناب از زیان بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و مالی افراد تأثیر می‌گذارد. برای مثال، سرمایه‌گذاران دچار این سوگیری تمایل دارند سهام زیان‌ده را نگه دارند و سهام سودده را بفروشند. (فرازینی، ۲۰۰۶) همچنین، مصرف‌کنندگان بیشتر نگران از دست دادن پول خود هستند تا این‌که به فکر سود کردن باشند. (تیلور و همکاران، ۱۹۷۷)

۲-۴. سوگیری تأییدیه جویی

یکی دیگر از سوگیری‌ها، تمایل به جستجو و تفسیر شواهد به نحوی که باورهای قبلی فرد را تأیید کند، است. این سوگیری می‌تواند باعث غفلت از شواهد و اطلاعاتی شود که با نظرات قبلی فرد مغایرت دارد. در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز این سوگیری می‌تواند اثرگذار باشد. آگاهی و کنترل این سوگیری برای جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های نادرست حائز اهمیت است. نقش دارد. این سوگیری به معنای تمایل افراد به جستجو و تفسیر شواهد به گونه‌ای که با باورهای قبلی آنها سازگار باشد، می‌باشد. (نیکرسون، ۱۹۹۸)

سوگیری تأییدیه جویی می‌تواند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاران تمایل دارند اطلاعاتی را که باورهای قبلی آنها در مورد یک سهام یا بازار را تأیید می‌کند، بیشتر مورد توجه قرار دهند. (کانینگهام، ۲۰۲۱)

همچنین، سوگیری تأییدیه جویی ممکن است باعث شود سیاست‌گذاران اقتصادی بیش از حد به شواهدی توجه کنند که سیاست‌های فعلی آنها را تأیید می‌کند و از شواهد مخالف غافل شوند. در مجموع، آگاهی از این سوگیری و تلاش برای کاهش آن می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری اقتصادی عقلانی‌تری شود.

۲-۵. سوگیری دسترسی پذیری

سوگیری دیگر، تمایل به تکیه بر اطلاعات و شواهدی است که به راحتی در ذهن آورده می‌شوند. افراد تمایل دارند بر اساس اطلاعات سطحی و در دسترس قضاوت کنند. این سوگیری می‌تواند منجر به غفلت از اطلاعات کامل‌تر شود. در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز توجه به اطلاعات عمیق‌تر حائز اهمیت است.

سوگیری دسترسی‌پذیری یکی از سوگیری‌های شناختی رایج است که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی نقش دارد. این سوگیری به معنای تمایل به قضاوت بر اساس اطلاعاتی است که به راحتی به ذهن می‌آیند. (تورسکی و کهنمن؛ ۱۹۷۳)

تأثیر سوگیری‌های شناختی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی / حمایتی ۱۷

سوگیری دسترسی پذیری می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد. برای مثال، سرمایه‌گذاران ممکن است بیش‌ازحد به اخبار و اطلاعات در دسترس توجه کنند و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود را بر اساس آنها اتخاذ کنند. (باربر و ادیان، ۲۰۰۸)

همچنین، مصرف‌کنندگان ممکن است به برندهایی که به راحتی به یاد می‌آورند، توجه بیشتری کنند. (جانسزوسکی، ۱۹۹۳)

سوگیری دسترسی پذیری می‌تواند باعث شود سیاست‌گذاران اقتصادی بیش‌ازحد بر رویدادهای اخیر تمرکز کنند. درک این سوگیری و مدیریت آن می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر مالی و اقتصادی منجر شود.

نتیجه‌گیری

در مجموع، سوگیری‌های شناختی نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارند. آگاهی از این سوگیری‌ها و تلاش برای مدیریت آنها می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک کند. پژوهش حاضر با بررسی ۵ سوگیری شناختی پرکاربرد، تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد که این سوگیری‌ها می‌توانند به شکل‌های مختلفی بر تصمیم‌های افراد و سیاست‌گذاران اقتصادی تأثیرگذار باشند. پژوهش‌های آتی می‌توانند با بررسی راهکارهای کاهش این سوگیری‌ها، گامی در جهت تصمیم‌گیری بهینه و عقلانی اقتصادی بردارند.

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

دیانتی دیلمی، زهرا؛ عبداللهی، محمدحسین؛ پاکزاد، عطیه (۱۳۹۷). اثر سوگیری شناختی دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری بر دقت قضاوت آنها با توجه به رفتار هزینه و نحوه ارائه اطلاعات، فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری، شماره ۳۲، ۲۴۷-۲۷۰.

سعادت زاده حصار، بهزاد؛ عبدی، رسول؛ محمدزاده سالطه، حیدر؛ نریمانی، محمد (۱۴۰۰). بررسی ارتباط سوگیری شناختی در رفتار سرمایه گذاران با واسطه نوسانات قیمت سهام، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۵۶، ۳۰۳-۳۲۰.

محبوب، حسن؛ نادری، ابوالقاسم؛ خرازی، کمال؛ انتظاری، یعقوب (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم گیری های استراتژیک مالی در دانشگاه تهران، آموزش عالی ایران، دوره ۸، شماره ۲، ۸۱-۱۱۱.

الف-۲: انگلیسی

Chabris, C. F., Laibson, D., Morris, C. L., Schuldt, J. P., & Taubinsky, D. (2008). Individual laboratory-measured discount rates predict field behavior. *Journal of risk and uncertainty*, 37(2), 237-269.

Cunningham, S. D. (2013). Biased asset allocation: The influence of confirmation bias on ownership of risky assets. *Journal of Economic Psychology*, 34, 205-213.

Dean, Mark & Kıbrıs, Özgür & Masatlioglu, Yusufcan, 2017. "Limited attention and status quo bias," *Journal of Economic Theory*, Elsevier, vol. 169(C), pages 93-127.

Frazzini, A. (2006). The disposition effect and underreaction to news. *The Journal of Finance*, 61(4), 2017-2046.

Frederick, S., Loewenstein, G., & O'Donoghue, T. (2002). Time discounting and time preference: A critical review. *Journal of economic literature*, 40(2), 351-401.

Gerrig, R. and Zimbardo, P. (2008). *Psychology and Life* (18th edition). Pearson Education: Boston.

Hartman, R. S., Doane, M. J., & Woo, C. K. (1991). Consumer rationality and the status quo. *The Quarterly Journal of Economics*, 106(1), 141-162.

Kahneman, D., & Tversky, A. (1979). Prospect theory: An analysis of decision under risk. *Econometrica*, 47(2), 263-292.

Kahneman, D., Knetsch, J. L., & Thaler, R. H. (1991). Anomalies: The endowment effect, loss aversion, and status quo bias. *Journal of Economic perspectives*, 5(1), 193-206.

Kaustia, M., & Knüpfer, S. (2008). Do investors overweight personal experience? Evidence from IPO subscriptions. *The Journal of Finance*, 63(6), 2679-2702. Tversky, A., & Kahneman, D. (1973). Availability: A heuristic for judging frequency and probability. *Cognitive psychology*, 5(2), 207-232

Lacombe, P., Brocard, S., Zuberbühler, K., & Dahl, C. D. (2022). Rationality and cognitive bias in captive gorillas' and orang-utans' economic decision-making. *Plos one*, 17(12), e0278150.

McCray, G. , Purvis, R. and McCray, C. (2002). Project Management under Uncertainty: The Impact of Heuristics and Biases. *Project Management Journal*, 33 (1) , 49-57.

Meier, S., & Sprenger, C. (2010). Present-biased preferences and credit card borrowing. *American Economic Journal: Applied Economics*, 2(1), 193-210.

Nickerson, R. S. (1998). Confirmation bias: A ubiquitous phenomenon in many guises. *Review of General Psychology*, 2(2), 175-220.

Samuelson, W., & Zeckhauser, R. (1988). Status quo bias in decision making. *Journal of risk and uncertainty*, 1(1), 7-59.

Taylor, S. (1982). The availability bias in social perception and interaction In Kahneman, D. , Slovic, P. and Tversky, A. (Eds.). *Judgment under Uncertainty: Heuristics and Biases* (Cambridge University Press. 190-200.

Thaler, R. H., Tversky, A., Kahneman, D., & Schwartz, A. (1997). The effect of myopia and loss aversion on risk taking: An experimental test. *The Quarterly Journal of Economics*, 112(2), 647-661.

Urminsky, O., & Zauberman, G. (2016). The psychology of intertemporal preferences. *The Blackwell Handbook of Judgment and Decision Making*, 141-181.

Zindel, M. L., Zindel, T., & Quirino, M. G. (2014). Cognitive bias and their implications on the financial market. *International Journal of Engineering and Technology*, 14(3), 11-17

قواعد سیاست پولی بانک مرکزی در نظام بانکداری اسلامی

مهسا سادات مجتبوی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸. تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۴/۰۹

چکیده

یک قاعده سیاستی بیان می‌کند که ابزارهای سیاستی چگونه باید به تغییرها در وضعیت اقتصاد واکنش نشان داد و استفاده از قاعده سیاست پولی بهینه بدون توجه به قاعده مالی بین سیاست‌گذاران مورد توجه بیشتر است. سیاست پولی در اقتصاد به مجموعه سیاست‌ها و تصمیم‌های ناظر به حجم پول و کیفیت آن گفته می‌شود که در صدد ایجاد ثبات و بستر مناسب و عادلانه برای فعالیت‌های واقعی در اقتصاد است. مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی اسلامی خلق پول و مدیریت عرضه پول و هدایت پول و اعتبار به سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی با هدف حداکثرسازی اقتصادی افزایش اشتغال و کمک به بهبودی عدالت اقتصادی است. با توجه به ارتباط میان مقامات پولی به ویژه تأثیرپذیری سیاست‌گذاران پولی از مقامات مالی در ایران بررسی سیاست‌های اقتصاد کلان در ظرف قواعد سیاست پولی و مالی در کنار هم

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد بانکداری اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

بسیار مهم است.

در این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای به بررسی قواعد سیاست پولی بانک مرکزی در نظام بانکداری اسلامی پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می دهد قواعد بانک مرکزی اسلامی در مقایسه با بانکداری مرکزی متعارف با توجه به نگرش متفاوت به ماهیت پول و بانک و طراحی بانک مرکزی اسلامی با ساختار وظایف مرتبط با خود متفاوت از بانکداری متعارف می باشد.

واژگان کلیدی: بانک مرکزی؛ سیاست پولی؛ بانکداری اسلامی؛ قواعد سیاست گذاری.

مقدمه

سیاست پولی در اقتصاد به مجموعه سیاست‌ها و تصمیم‌های ناظر به حجم پول و کیفیت آن گفته می‌شود که درصدد ایجاد ثبات و بستر مناسب و عادلانه برای فعالیت‌های واقعی در اقتصاد است. سیاست‌گذاری پولی جهت دهنده به همه سیاست‌ها مبتنی بر مبانی اقتصاد اسلامی و اصول عام و راهبردی است و در واقع سیاست‌گذاری پولی به تنظیم قواعدی می‌پردازد که تأمین‌کننده اهداف نظام اقتصادی است.

مهم‌ترین اهداف سیاست پولی، ایجاد اقتصاد متعارف جهت رشد سریع اقتصاد و ایجاد اشتغال کامل برای همه افراد جامعه و تثبیت قیمت‌ها برای کنترل تورم و ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها به منظور تعامل میان دریافت‌ها و پرداخت‌های خارجی و تثبیت ارزش و ثبات سطح قیمت‌ها برای تسهیل در مبادلات و کاهش هزینه‌های مبادله‌ای و ایجاد ثبات و تخصیص مطلوب پول و تأمین ثبات بخش حقیقی در اقتصاد اسلامی است. اقتصاد اسلامی بانک مرکزی را به عنوان سیاست‌گذار پولی موظف می‌داند که با رعایت عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت ابزارها و سیاست‌های مناسبی را به کار گیرد تا اقتصاد به اهداف رشد و توسعه اقتصاد دست یابد.

در این مقاله به شیوه تحلیلی-توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه به بررسی سیاست پولی، قواعد آن و چگونگی بهره‌گیری از آن توسط بانک مرکزی پرداخته خواهد شد تا بتوان نشان داد که این سیاست‌ها و قواعد با استفاده از نظام بانکداری اسلامی به چه صورتی تعریف و شکل می‌گیرد.

۱- پیشینه پژوهش

رفیعی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به سیاست پولی که برای اهدافی چون رشد و ثبات اقتصادی برای ایجاد اشتغال، تثبیت قیمت‌ها و رشد سریع اقتصادی است پرداخته‌اند.

دادگر و همکاران (۱۳۸۲)، به بررسی تدابیر بانک مرکزی برای تغییر در حجم پول و نقدینگی برای ثبات اوضاع اقتصادی در سیاست‌های پولی که به عنوان سیاست‌های مدیریت تقاضا یاد می‌شود پرداخته‌اند.

جلالی نائینی (۱۳۹۴)، در مقاله خود به تحولات شش دهه گذشته در سیاست پولی پدید آمده ناشی از توسعه نظریه‌های کلان و پولی و بعضی نتیجه یادگیری و نوآوری در رابطه با انجام ماموریت‌ها برای هدف‌گذاری تورم بوده پرداخته است.

آریا (۱۳۸۵)، به استراتژی سیاست پولی که توسط بانک مرکزی برای انجام وظایف و تعهدات مرتبط با حوزه وظایف برای رسیدن به اهداف اقتصادی پرداخته و بیان می‌کند که بانک مرکزی برای انجام این وظایف به استقلال و یک استراتژی پولی نیاز دارد تا بتواند از آنها برای جهت کنترل تورم بهتر و مناسب‌تر استفاده کند.

فراهانی فرد (۱۳۸۱)، به تفاوت مفهوم سیاست پولی در اقتصاد متعارف و اسلامی بیان می‌کند که انجام سیاست پولی از دو طریق پایه پولی و تغییر در ضریب فزاینده پولی انجام می‌شود که به لحاظ تحریم ربا با سیاست متداول در نظام‌های ربوی متفاوت است.

شهبازی غیاثی و همکاران (۱۳۹۷)، سه هدف نهایی سیاست‌های پولی در اقتصاد اسلامی را کنترل تورم و حفظ ارزش پول و تخصیص عادلانه منابع پولی در اقتصاد و تأمین ثبات بخش حقیقی معرفی می‌کنند.

مهدویان (۱۳۹۷)، ابزارهای سیاست پولی در اقتصاد متعارف را به دو گروه ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌کند. ابزارهای پولی مستقیم وظیفه کنترل میزان پول و سطح نرخ‌های بهره را بر عهده دارند و ابزارهای غیرمستقیم به کنترل نرخ‌های بهره و قدرت بانک‌ها در جذب سپرده‌ها و اعطای اعتبارات مربوط می‌شوند که از طریق بازار با اثرگذاری روی نقدینگی و نرخ‌های بهره صورت می‌گیرند بنابراین بانک مرکزی می‌تواند با تغییر نرخ بانک‌ها و پایه پولی تأثیر لازم را داشته باشد.

کیاوند (۱۳۹۰)، ابزارهای سیاست پولی را به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌کند. به نظر او ابزارهای کمی می‌توانند حجم پول در اقتصاد را تغییر دهند و مقامات پولی با استفاده از ابزارهای کیفی بر نحوه و چگونگی مصرف پول در اقتصاد تأثیر می‌گذارند.

محرابی (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به بیان سیاست‌های پولی در سیستم بانکداری اسلامی پرداخته که از طریق بانک مرکزی و با استفاده از ابزارهای پولی معین برای کنترل حجم پول و اعتبار قرار گرفته است و نیز در اقتصاد سرمایه‌ای از ابزارهایی مانند نرخ بهره، نرخ تنزیل و نرخ ذخیره قانونی و عملیات بازار باز استفاده می‌شود که در بانکداری بدون ربا به کار برده نمی‌شوند زیرا این ابزارها برپایه نرخ بهره عمل می‌کند و نرخ بهره در اسلام تحریم شده است.

ختایی، سیفی پور (۱۳۸۵)، به کارگیری ابزارهای پولی در اقتصاد متعارف و اسلامی را بررسی کرده‌اند که توسط بانک مرکزی بیشتر سیاست‌های انبساطی پولی بوده و سیاست انبساطی مالی نیز این روند را تشدید کرده است و نیز ابزارهای مورد استفاده بانک مرکزی محدود و سنتی می‌باشد در حالی که با گسترش بازارهای مالی ابزارهای پولی جدید معرفی شده است و همچنین بانک مرکزی شاخصی برای اندازه‌گیری وضعیت پولی ندارد تا با اطلاع از شرایط حاکم پولی به جهت کمبود بازار نقدینگی متوسل به سیاست پولی مناسب شود.

علی بیگی، دادخواه (۱۳۹۲)، در پژوهش خود نظام بانکداری متعارف را یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال سیاست پولی معرفی کرده که سیاستگذار پولی کشور می‌تواند با کاهش یا افزایش نرخ بهره بانکی نسبت به کاهش یا افزایش حجم پول در گردش اقدام و سهم آن را در نقدینگی تغییر دهد و در بانکداری ربوی بانک مرکزی سیاست‌های پولی خود را اعمال می‌کند اما در بانکداری اسلامی نرخ سود مورد انتظار جایگزین نرخ بهره می‌شود که برخلاف نرخ بهره تضمین شده نیست.

فرازمند و همکاران (۱۳۹۲)، بیان می‌کنند که استفاده از قواعد سیاستی به دلیل ویژگی و مزیت‌شان مورد استقبال گسترده سیاست‌گذاران پولی قرار گرفته است. قواعد سیاست پولی و مالی بهینه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که متغیرهای نرخ تورم، رشد قیمت نسبی انرژی، رشد شکاف تولید، رشد درآمدهای حقیقی نفت، نرخ سود حقیقی، ضریب جینی و مقادیر دوره قبل متغیر سیاستی از عوامل تعیین‌کننده قواعد بهینه به شمار می‌آیند.

سمسامی، محمدی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود عنوان می‌کنند که بانک مرکزی به عنوان یک نهاد پولی و مالی دارای سابقه تاریخی طولانی بوده است اما بانکداری مرکزی به عنوان یک مفهوم پولی و اقتصادی وارد ادبیات اقتصادی متعارف شده است که در آن سه نوع پول اسکناس، مسکوک و سپرده‌های بانکی وجود دارد و در سیستم بانکداری متعارف بانک‌های مرکزی در چارچوب سیاست پولی با استفاده از ابزارها به دنبال اثرگذاری و مدیریت عرضه پول و نرخ‌های بهره می‌باشند.

مومنی، حری (۱۳۸۸)، در مقاله خود بیان می‌کنند که در ایران ابزارهای سیاست پولی به دلیل شرایط فرهنگی و دینی و حاکم بودن بانکداری بدون ربا با بانکداری بین‌المللی متفاوت است که نقطه بارز آن در ممنوعیت استفاده از نرخ بهره در اجرای سیاست پولی در ایران است. در ایران سیاست پولی به دو نوع ابزار مستقیم و غیرتقسیم می‌شود و در اقتصاد ایران بیشتر سیاست پولی از طریق ابزارهای مستقیم کنترل سود بانکی و تعیین سقف اعتباری و ابزارهای غیرمستقیم نسبت سپرده قانونی، اوراق مشارکت بانک مرکزی و سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی اعمال می‌شود.

مشیکین (۱۹۹۵)، سیاست پولی را به دو نوع انبساطی و انقباضی تقسیم می‌کند که از طریق کانال‌های مختلف اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند و هدایت سیاست پولی در ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه به جای نرخ بهره بر عرضه و تقاضای پول و پایه پولی متمرکز است و بانک مرکزی در ایران برای هدایت سیاست پولی و ارزی از ابزار نرخ ارز استفاده کرده است.

موسویان و همکاران (۱۳۹۱)، بیان می‌کنند که در ایران قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسیده و تمامی موسسات بر اساس بانکداری اسلامی به فعالیت مشغول‌اند و بانکداری متعارف در آن جایی ندارند و نظارت شرعی وضعیت مناسبی ندارد و ضعیف‌ترین الگوی نظارت شرعی را در اختیار دارد.

محمودی‌نیا (۱۳۹۸)، در پژوهش خود اقتصاد ایران را با نوسانات زیادی در فعالیت‌های اقتصادی کلان بیان می‌کند و دلیل افزایش بدهی دولت به بانک‌ها در اقتصاد ایران را سبب رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و افزایش اضافه برداشت و خطوط اعتباری که منجر به افزایش پایه پولی و افزایش نقدینگی و مطالبات غیرجاری شبکه بانکی است.

۲- مفهوم سیاست پولی

سیاست پولی فرآیندی است که بانک مرکزی و یا مقام پولی کشور به کنترل عرضه پول و یا سایر متغیرهای پولی می‌پردازد و به عنوان یکی از انواع سیاست‌های اقتصادی نوساناتی را به اقتصاد تحمیل می‌نماید. این سیاست معمولاً برای دستیابی به مجموعه‌ای اهداف متمرکز بر رشد و ثبات اقتصادی که شامل مواردی چون، تسریع در رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و غیره می‌باشند به کار گرفته می‌شوند. (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۸)

به عبارت دیگر مجموعه تدابیری است که بانک مرکزی برای تغییر در حجم پول و نقدینگی در راستای تثبیت اوضاع اقتصادی اعمال می‌کند. اخذ تصمیم‌های سیاست پولی و اجرای آن بر عهده بانک مرکزی است. از سیاست‌های پولی به عنوان سیاست‌های مدیریت تقاضا یاد می‌شود به دلیل اینکه مدیریت و کنترل تقاضا در این سیاست‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. (دادگر و همکاران، ۱۳۸۲)

سیاست‌های اقتصادی یک کشور سیاست‌گذاری‌های مختلفی چون سیاست پولی، سیاست مالی، سیاست درآمدی، سیاست بازرگانی و سیاست ارزی است که هرکدام اهداف

خاص خود را دنبال می‌کنند تا جامعه بتواند با اهداف کلان اقتصادی یعنی رشد، توسعه و رفاه اجتماعی دست یابد. (آریا، ۱۳۸۵). از این رو مفهوم سیاست پولی اتخاذ تدابیری به منظور کنترل و تنظیم حجم پول در گردش است که بانک مرکزی با استفاده از ابزارهایی که در دست دارد به این امر اقدام می‌کند.

از نظر سنتی کنیز اثرگذاری سیاست پولی در اقتصاد به گونه‌ای است که در صورت اجرای سیاست پولی انقباضی و کاهش در مقدار حجم پول نرخ بهره واقعی افزایش یافته در نتیجه هزینه سرمایه نیز افزایش خواهد یافت و با افزایش هزینه سرمایه مقدار مخارج سرمایه‌گذاری در کشور کاهش می‌یابد و میزان ستاده کل اقتصاد کاهش می‌یابد. (مشیکین، ۱۹۹۵)

تغییرهای سیاست‌های پولی به سرعت و سیاست‌های مالی با وقفه بیشتری اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دو دغدغه بزرگی که بانک‌های مرکزی در ابتدای فعالیت با آن روبه‌رو بوده‌اند؛ اول مدیریت بر عرضه و چرخه اعتبارات برای جلوگیری از سقوط مالی و بحران بانکی و دوم تعیین لنگر اسمی برای آنکه مقیاس اسمی قیمت‌ها تعیین و ذخایر پولی تنظیم شود تا تبدیل پول بانکی به پول کالایی قابل دفع باشد. طی شش دهه گذشته تحولات قابل توجهی در نظریه‌های سیاست پولی پدید آمده است که برخی از آنها ناشی از توسعه نظریه‌های کلان و پولی و بعضی نتیجه یادگیری و نوآوری در رابطه با انجام ماموریت‌ها برای هدف‌گذاری تورم بوده است (جلالی نائینی، ۱۳۹۴). از این رو سیاست‌های اعتباری، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که با استفاده از ابزارهای کیفی سیاست پولی به منظور افزایش قدرت اعتباردهی و اعطای تسهیلات بانکی برای افزایش فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود. (نامی، ۱۳۹۴)

استراتژی سیاست پولی که توسط بانک مرکزی در انجام وظایف و تعهدات مرتبط با حوزه وظایف صورتی می‌گیرد سبب می‌شود که بانک مرکزی برای نیل به اهداف اقتصادی خود باید بتواند به طور مستقل تصمیم‌های پولی مدنظر خود را اتخاذ و اجرا کند. بانک

مرکزی برای انجام وظایف خود به استقلال و یک استراتژی پولی نیاز دارد تا بتواند در قالب آن از ابزارهای پولی خویش جهت کنترل تورم بهتر و مناسب‌تر استفاده کند. (آریا، ۱۳۸۵)

در تفاوت مفهوم سیاست پولی در اقتصاد متعارف و اسلامی می‌توان بیان کرد که انجام سیاست پولی از دو طریق پایه پولی و تغییر در ضریب فزاینده پولی انجام می‌شود و به لحاظ تحریم ربا با سیاست متداول در نظام‌های ربوی متفاوت است. مهم‌ترین ابزار سیاست پولی در نظام ربوی اوراق قرضه که براساس نرخ بهره و اوراق مشارکت که بر عقد شرکت مبتنی است و تنزیل مجدد در نظام بانکی غیرربوی تجویز نمی‌شود اما تغییر در ذخیره‌های قانونی اگرچه در هر دو نظام می‌تواند به کار گرفته شود اما به سبب داشتن ذخایر مازاد به وسیله بانک‌ها فاقد کارایی است. (فراهانی فرد، ۱۳۸۱).

۳- اهداف سیاست پولی

۳-۱. اقتصاد متعارف

عمده‌ترین اهداف سیاست پولی که در اقتصاد مطرح است عبارت است از:

الف. تسریع رشد اقتصاد: مقامات پولی و بانکی می‌توانند از طریق ایجاد تسهیلات لازم در زمینه افزایش حجم پول و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری اقداماتی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری به عمل آورده‌اند.

ب. ایجاد اشتغال کامل: ترکیبی از سیاست‌های پولی انبساطی و سیاست مالی انقباضی می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال کامل در اقتصاد سبب افزایش سهم سرمایه‌گذاری در هزینه ملی و در نتیجه تسریع رشد اقتصادی شود. (ابراهیمی مقدم و محسنی مهر، ۱۳۹۳)

ج. تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها: اگر تورم به واسطه عوامل پولی و ناشی از فشار تقاضا ایجاد شده باشد، کاهش حجم پول و کاهش تقاضا کل به کنترل سطح عمومی قیمت‌ها خواهد انجامید.

د. ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها: منظور از تعادل در تراز پرداخت‌ها ایجاد تعامل میان دریافت‌ها و پرداخت‌های خارجی و غیر از تثبیت ارز است. (نامی، ۱۳۹۴)

با توجه به آنچه بیان شد هدف سیاست‌های پولی و اعتباری تطبیق حجم وسایل پرداخت با نیازمندی‌های اقتصادی است. از این رو مقامات پولی عمل تنظیم‌کننده روی مجموع موجودی‌های پولی را انجام می‌دهند به طوری که مصرف موثر و ممکن از منابع اقتصادی مقدور گردد.

از نگاهی دیگر اهداف سیاست‌های پولی از نظر جان موریس به دو گروه مثبت و دفاعی طبقه‌بندی می‌شود:

• اهداف مثبت که به طور مستقیم مربوط به تأمین معاش و افزایش رفاه افراد جامعه می‌باشد مانند تأمین رشد اقتصادی، بهبود بخشیدن در توزیع درآمدها و ثروت‌ها، تأمین اشتغال کامل و تخصیص مطلوب منابع.

• اهداف دفاعی مربوط به دفاع از وضعیت فعلی و ممانعت از احتمالات و نوسانات مربوط به رفاه جامعه است مانند دفاع از قدرت خرید پولی.

پیکو افزایش حجم تولید درآمد جامعه و تنظیم و توزیع عادلانه آنها را هدف نهایی سیاست اقتصادی می‌داند اما تینبرگن تأمین اشتغال کامل توأم با تعادل پولی و تضمین حداکثر درآمد و مصرف سرانه هدف از سیاست‌های پولی می‌داند. (یوسفی‌زاده فر، ۱۳۹۱).

۲-۳. اقتصاد اسلامی

همان‌طور که اهداف سیاست پولی در اقتصاد متعارف طبقه‌بندی گردید در اقتصاد اسلامی نیز برای سیاست پولی اهدافی گزارش شده است که مهمترین آن عبارت است از:

الف. ثبات سطح قیمت‌ها: مهم‌ترین ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها است برای جلوگیری از ایجاد بی‌ثباتی و نااطمینانی در اقتصاد یعنی وسیله مبادله و مقیاس سنجش و ذخیره ارزش پول است که در صورت بروز بی‌ثباتی در سطح عمومی قیمت‌ها، رسالت پول که همان تسهیل در مبادلات، کاهش هزینه‌های مبادله و ایجاد ثبات در اقتصاد است.

ب. تخصیص مطلوب پول در اقتصاد: بدون توجه به قواعد، رویه‌ها و زیرساخت‌های تخصیص پول و اعتبار رویکرد و روش اصولی و مناسب برای تحقق این هدف طراحی درست و کارآمد قواعد بازی و هدف‌گذاری مکانیسم‌های اثرگذاری سیاست پولی بر بخش واقعی است که نیازمند به‌کارگیری مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و بسترهای ساختاری، نهادی، انگیزشی و نظارتی است که باید به تشخیص سیاست‌گذار پولی صورت گیرد.

ج. تأمین ثبات بخش حقیقی اقتصاد: بی‌ثباتی یا ایجاد شوک و نوسان در بخش‌های حقیقی ناشی از سیاست‌های پولی موجب افزایش هزینه‌های تصمیم‌گیری و تخصیص منابع شده و به دلیل اینکه بخش تولید نسبت به بخش مالی واکنش کندتری به شوک‌ها دارد انعطاف آن نیز کاهش پیدا کرده و آهسته به سمت تعادل حرکت خواهد کرد. سیاست‌های پولی نادرست علاوه بر هم زدن تعادل بخش پولی به بخش حقیقی آسیب زده و موجب نوسانات اقتصادی می‌گردد.

با توجه به نکاتی که در بالا ذکر شد؛ اهداف نهایی سیاست‌گذاری پولی در اقتصاد اسلامی به دلیل جهت دادن به کلیه اصول، قواعد و ابزارهای سیاست‌گذاری مهم‌ترین جز از نظریه سیاست پولی را تشکیل می‌دهد. سه هدف کنترل تورم و حفظ ارزش پول و تخصیص عادلانه منابع پولی در اقتصاد و تأمین ثبات بخش حقیقی به عنوان سه هدف نهایی سیاست‌های پولی در اقتصاد اسلامی معرفی می‌گردد. (شهبازی غیاثی و همکاران، ۱۳۹۷)

از نگاه برخی از اندیشمندان اقتصاد اسلامی نظیر خان و میرآخور اهداف سیاست پولی در اقتصاد اسلامی ثبات اقتصاد کلان، ثبات قیمت‌ها و تعادل پایدار در تراز پرداخت‌ها بیان شده است و نتیجه مطالعه آنها بیان می‌کند که سیاست پولی در یک دولت اسلامی در چارچوبی است که ابزارهای مرسوم به کار گرفته شده در اقتصادهای مدرن به استثنای نرخ تنزیل و سایر ابزارهای مشتمل بر نرخ بهره استفاده می‌شود.

همچنین از نظر صدیقی چهار هدف ثبات قیمت‌ها، تعادل تراز پرداخت‌ها، رشد اقتصادی و عدالت توزیعی از اهداف مطلوب سیاست پولی در اقتصاد هستند که البته بیشترین تأکید بر ثبات و عدالت توزیعی است.

از سوی دیگر احمد در تحقیق خود بامحور قرار دادن عدالت توزیعی به عنوان هدف سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، بانک مرکزی را به عنوان نهاد سیاست‌گذار پولی موظف می‌داند تا به منظور دستیابی به اهداف رشد و توسعه اقتصادی متوازن با دو خصوصیت عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت، ابزارها و سیاست‌های متناسب را به کار گیرد (شهبازی غیائی و همکاران، ۱۳۹۷).

۴- ابزارهای سیاست پولی

۴-۱. اقتصاد متعارف

ابزارهای سیاست پولی در اقتصاد متعارف از قبیل نرخ‌های بهره، عملیات بازار باز و نسبت سپرده قانونی برای تأثیرگذاری روی متغیرهای پولی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ابزارهای سیاست پولی از جهت سهولت و سرعت در اجرا و میزان اثرگذاری بر متغیرهای کلان و قابلیت کاربرد و هزینه اجرا و ظرفیت تأثیر به دو گروه ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. ابزارهای پولی مستقیم وظیفه کنترل میزان پول و اعتبار یا سطح نرخ‌های بهره را بر عهده دارند. سقف‌های اعتباری جزء و کلان و نرخ‌های اداری تعیین شده سپرده‌ها و وام‌ها از جمله ابزارهای مستقیم هستند؛ ابزارهای غیرمستقیم به کنترل نرخ‌های بهره و قدرت بانک‌ها در جذب سپرده‌ها و اعطای اعتبارات مربوط می‌شوند که این امر از طریق بازار با اثرگذاری روی نقدینگی و نرخ‌های بهره صورت می‌گیرد. نسبت سپرده قانونی، تسهیلات تنزیل مجدد، تسهیلات اضافه برداشت، سپرده‌های بخش عمومی و عملیات بازار باز از جمله این ابزارها هستند.

یکی از ابزارهایی که با آن می‌توان حجم پول را در سطح جامعه تغییر داد، تغییر در نرخ است که بانک مرکزی با آن سفته‌های بانک‌های تجاری را تنزیل مجدد می‌کند.

هرگاه این نرخ پایین باشد، تقاضا بانک‌ها برای تنزیل سفته‌های خود نزد بانک مرکزی افزایش و در صورت بالابودن نرخ، تقاضا کاهش می‌یابد بنابراین بانک مرکزی می‌تواند با تغییر این نرخ بانک‌ها و پایه پولی تأثیر بگذارند. (مهدویان، ۱۳۹۷).

کسانی که خواسته‌اند از این ابزار در بانکداری بدون ربا استفاده کنند در مشروعیت آن گفته‌اند: بانک‌های تجاری، اسناد مشتریان خود را خریداری کرده سپس به مبلغ بیشتری به بانک مرکزی می‌فروشند و اساس بحث خود را بر مسئله بیع دین استوار کرده‌اند.

در ایران کنترل مستقیم اعتبارات در تسهیلات اعطایی به وسیله بانک‌ها است که از این ابزار هم در جهت کنترل حجم پول و هم در کیفیت توزیع آن در بخش‌های گوناگون اقتصاد بدست می‌آورد.

با تعیین مقدار اعتبار برای بانک‌ها یا تعیین نرخ سودهای گوناگون برای اعطای تسهیلات در بخش‌های گوناگون اقتصاد، به‌طور عمده از طریق تغییر ضریب فزاینده پولی در حجم پول موثر خواهد بود. در صورتی که بانک‌ها دولتی باشند اعمال این سیاست از ناحیه بانک مرکزی بدون اشکال است و در فرض بانک‌های خصوصی نیز بانک مرکزی می‌تواند در آیین‌نامه اولیه برای تأمین آنها این اختیارات را در صورتی که مصالح نظام در آنها رعایت شود درج کند. (فراهانی فرد، ۱۳۸۱)

باتوجه به نکاتی که ذکر شد، ابزارهای سیاست پولی به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شوند:

الف. ابزارهای کمی: به ابزارهایی گفته می‌شوند که می‌توانند حجم پول را در اقتصاد تغییر دهند. از جمله این ابزارها عملیات بازار باز، نرخ تنزیل، مجدد و نسبت سپرده‌های قانونی هستند.

ب. ابزارهای کیفی: به ابزارهایی گفته می‌شود که مقامات پولی با استفاده از آنها بر نحوه و چگونگی مصرف پول در اقتصاد تأثیر می‌گذارند که از جمله این ابزارها تعیین اولویت‌ها،

ارجحیت‌ها و سقف اعتباری در هر یک از این بخش‌های اقتصادی و تعیین شرایط وام‌های اقتصادی و رهنی هستند. کیاوند (۱۳۹۰) از سوی دیگر به گونه ای دیگر ابزارهای سیاست پولی در اقتصاد طبقه بندی شده است که عبارت است از:

۱. ابزارهای سنتی: در حالی که به سبب تحولات بازارها و ابداعات مالی، ابزارهای سنتی مورد استفاده بانک همچون نرخ ذخیره قانونی، نرخ تنزیل مجدد، اعتبارات بسیار کوتاه مدت بانک مرکزی به موسسات مالی، عملیات بازار باز به جهت محدودیت‌های خود و احتمال خنثی شدن کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند تا اهداف مورد نظر مانند تأمین نقدینگی در سطح لازم و نرخ بهره تحقق یابد. در حالی که مکانیزم بازار تأمین کننده نقدینگی و نرخ بهره است بانک مرکزی بدون دخالت‌های دستوری هدف مورد نظر خود را تأمین می‌کند.

۲. بازار شبانه: در بازار پول شبانه به وسیله ابزارهای خاص منابع مالی از یک نوع کوتاه‌ترین سررسید زیر نظر بانک مرکزی عرضه و تقاضا می‌شود. با توجه به اعمال سیاست پولی از طریق این بازار، دامنه تغییرهای نرخ بهره در این بازار به جهت سقف و کف آن معمولاً توسط بانک‌های مرکزی اعلام و اعمال می‌شود ممکن است بانک مرکزی نرخ بهره هدف برای این بازار اعلام کند که می‌تواند بانک مرکزی بر آن اعمال نفوذ بیشتری داشته باشد.

۳. اسناد خزانه: اسناد خزانه اوراق بهاداری است که مبین میزان معینی از بدهی دولت است و قیمت زمان انتشار آن از طریق حراج میان موسسات مالی مشخص می‌شود و برای آن نرخ بهره‌ای پیش‌بینی نشده است. این اوراق به قیمت تخفیفی یعنی کمتر از قیمت روی برگ فروخته می‌شوند که این تفاوت قیمت مبین بازده و نرخ بهره اسناد خزانه است. عمر این اوراق بین ۳۰ روز تا ۱ سال است. نوع معمول آن بیشتر ۹۰ روزه است. در اقتصاد ایران پیش از انقلاب این اسناد در سطح محدودی در جریان بوده است.

۴. موافقت نامه مخصوص خرید و فروش مجدد: بانک مرکزی اگر نتواند به صورت غیرمستقیم نرخ بهره شبانه را به سطح مورد نظر خود برساند می تواند با خرید و فروش مستقیم خود در بازار شبانه مداخله و نرخ بهره را به سطح مطلوب برساند. از آنجایی که موسسات مالی بزرگ در بازار شبانه حضور دارند نرخ بهره این بازار تعیین کننده نرخ بهره در مجموعه اقتصاد است و از طرفی حرکات آن تعیین کننده شرایط انبساطی یا انقباضی حاکم بر بازار مالی کشور است در نتیجه با بررسی این حرکات و روند آنها بانک مرکزی با آگاهی کافی می تواند از شرایط حاکم مالی سیاست مناسب اتخاذ کند.

۵. خط اعتباری بانک مرکزی: بانک های مرکزی آخرین منبع تأمین وجوه بای موسسات مالی بزرگ در هنگام دشواری های مالی هستند. این خط اعتباری چند روزه بوده و نرخ بهره آن نرخ بهره بانک مرکزی است به دلیل انعکاس نامطلوب مالی استفاده از این خط اعتباری یک یا دو بار در ماه است.

۶. جابه جایی وجوه دولت: چون بانک مرکزی بانکدار یا کارگزار مالی دولت است می تواند با جابه جایی سپرده های دولت از بانک مرکزی به موسسات مالی و برعکس حجم ذخایر را به ترتیب افزایش و کاهش دهد که به ترتیب موجب کاهش و افزایش نرخ های بهره می شود. در اقتصاد ایران سپرده قانونی و انتقال سپرده های دولتی به جهت امکان افزایش مانده اعتبارات اعطایی بانک ها و نه به منظور اثرگذاری بر نرخ بهره مورد استفاده قرار می گیرد.

۷. نظام انتقال مبالغ کلان: تسویه دریافت و پرداخت ها میان بانک ها از جمله تسویه چک ها، میزان سپرده های آنها را در بانک مرکزی تغییر داده و از این طریق بر امکانات وام دهی آنها اثر می گذارد. طولانی بودن زمان تسویه موجب راکد شدن منابع مالی می شود و از آنجایی که نهادهای مالی با فرض وصول مطالبات خود از موسسات مالی دیگر اقدام به فعالیت های مالی می کنند شکل ریسک سیستماتیک به وجود می آورد. فراهم نمودن منابع مالی توسط بانک مرکزی موجب می شود از یک طرف حجم منابع مالی و حجم پول در کل

اقتصاد افزایش یابد و از طرفی دیگر نرخ بهره شبانه که پایه نرخ‌های بهره دیگر است کاهش یابد. (ختایی، سیفی پور، ۱۳۸۵)

۲-۴. اقتصاد اسلامی

سیاست‌های پولی در سیستم بانکداری اسلامی به مجموعه تدبیرها و تصمیم‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق بانک مرکزی و با استفاده از ابزارهای پولی معین برای کنترل حجم پول و اعتبار گرفته می‌شود. در اقتصاد سرمایه‌ای از ابزارهایی مانند نرخ بهره، نرخ تنزیل، نرخ ذخیره قانونی و عملیات بازار باز استفاده می‌شود که آنها در بانکداری بدون ربا به کار برده نمی‌شوند زیرا این ابزارهای بر پایه نرخ بهره عمل می‌کند و نرخ بهره (ربا) در اسلام تحریم شده و مهم‌تر اینکه استفاده از این ابزارها موجب بروز ناکارآمدی در بانکداری بدون ربا می‌شود. در سه کشور ایران، پاکستان و سودان که نظام بانکی آنها اسلامی است از ابزارهای مرسوم نرخ تنزیل و نرخ تنزیل مجدد و در مورد ایران از عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی استفاده نمی‌شود در دو کشور امارات و لبنان از ابزار تعیین نرخ سود بانکی و کشورهای بحرین، ترکیه و عربستان از عملیات بازار باز استفاده نمی‌کنند و در کشورهای چون عمان، قطر، مالزی و یمن از کلیه ابزارهای پولی بانکداری متعارف استفاده می‌شود. بنابراین در قالب کشورهای اسلامی از ابزارهای مرسوم بانکداری متعارف مانند تعیین نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز، تعیین نرخ تنزیل و نرخ تنزیل مجدد استفاده می‌شود؛ در کشورهای چون اردن، امارات، قطر و بحرین سیاست تثبیت یا میخکوب کردن نرخ ارز در مقابل یک ارز و اغلب دلار آمریکا را برای کنترل پولی و تنظیم بخش پولی اقتصاد در مقابل بخش واقعی خود به کار می‌گیرند و در کشورهای اسلامی دیگر از ابزارهای خاص دیگری به عنوان ابزار پولی استفاده می‌شود که با وجود معرفی ابزارهای زیاد برای کنترل پولی کشورهای اسلامی هنوز نتوانسته‌اند به درستی از این ابزارهای استفاده و بر مشکلات کلان پولی کشور فایق آیند. (محرابی، ۱۳۹۲)

توجه به جایگاه و نقش پول در سیستم بانکداری اسلامی سبب شده است که ابزارهای پولی غیرمستقیم که در عملیات بانکی بدون ربا مورد استفاده قرار می‌گیرند به دسته‌های زیر طبقه‌بندی گردد:

الف. تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانک در عقود مشارکتی: بانک مرکزی به وسیله تعیین در نسبت سهم سود می‌تواند میزان تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش‌های متفاوت اقتصادی را کنترل نموده و به نفع بخش‌های اولویت‌دار عمل نماید. برای فعالیت‌های مختلف نسبت‌ها ممکن است متفاوت باشد.

ب. تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در محدوده چارچوب سیاست‌های اقتصادی جامعه و تعیین حداقل نرخ سود مورد انتظار برای طرح‌های مذکور. نرخ مذکور براساس تنوع فعالیت‌ها متفاوت و تعیین نرخ پایه برای انتخاب یا رد طرح‌های متقاضیان تسهیلات پس از تخمین سود مورد انتظار صورت می‌گیرد. افزایش نرخ از سوی بانک مرکزی به منزله اعمال سیاست پولی انقباضی و طرح‌های کمتری از تسهیلات بانک‌های بهره‌مند می‌شوند و کاهش نرخ نمایانگر سیاست اعتباری انبساطی است.

ج. تعیین حداقل و حداکثر نرخ سود در عقود غیرمشارکتی: تعیین نرخ مذکور ابزار موثری برای تعیین حجم تسهیلات اعطایی بانک‌ها محسوب و عقود مانند مضاربه، فروش اقساطی و سایر عقود غیرمشارکتی را در بر می‌گیرد. نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها هر ساله از سوی شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. بررسی این نرخ‌ها نشان می‌دهد که نرخ سود بانکی برای پس‌اندازها همواره در حدی معادل نصف نرخ تورم موجود کشور بوده است. اگرچه در نظام بانکداری متعارف نرخ بهره در نظام عرضه و تقاضا تعیین می‌گردد لیکن در بانکداری اسلامی نرخ سود بیشتر در شرایط عرضه و تقاضا تعیین نشده بلکه به عملکرد موسسه مالی یا متقاضی تسهیلات مربوط می‌شود و نیز در نظام بانکداری بدون ربا رابطه وکیل و موکل بین بانک و سپرده‌گذار حاکم بوده و بانک‌ها ضمن صیانت از منافع

سپرده گذاران منابع تودیع شده نزد خویش را باید در طرح‌هایی ارائه دهند که بازدهی مناسب اقتصادی داشته باشد. (مهدویان، ۱۳۹۷).

در سیستم بانکداری بدون ربا یکی از اجزا مهم تأثیرگذار بر حجم پول، پایه پولی تحت کنترل بانک مرکزی نمی‌باشد. بانک مرکزی در بانکداری اسلامی به جای پایه پولی، ضریب فزاینده پولی را به منظور کنترل حجم پولی مورد توجه قرار داده است. از آنجایی که بانک مرکزی در بانکداری اسلامی کنترلی بر پایه پولی ندارد و کنترل حجم پول از طریق فزاینده پولی بی‌اثر بوده است لذا ابزارهای کمی در کنترل حجم در بانکداری اسلامی از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشد به این دلیل بانک مرکزی در بانکداری اسلامی به منظور کنترل حجم پول استفاده از ابزارهای کیفی سیاست پولی که همان ایجاد محدودیت‌های اعتباری، اولویت در تخصیص اعتبارات بانکی و یا محدودیت در اعطای اعتبارات می‌باشد را مورد توجه قرار داده است. در بانکداری اسلامی به جای روش غیرمستقیم که در بانکداری متداول به کار می‌رود از روش مستقیم برای کنترل حجم پول استفاده می‌شود.

در روش مستقیم بانک مرکزی از طریق قدرت قانونی که دارد نرخ بهره و یا مقدار اعتبارات را تعیین می‌کند.

تنگناهای سیاست‌های پولی در ایران را این چنین می‌توان بیان کرد:

۱. نبود امکان استفاده از کلیه ابزارهای کمی سیاست پولی نظیر عملیات بازار باز و نرخ تنزیل مجدد به لحاظ محدودیت‌های شرعی
۲. نبود امکان کنترل پایه پولی توسط بانک مرکزی به لحاظ افزایش پی‌درپی بدهی‌های دولت و یا فروش ارز به بانک مرکزی
۳. نبود کارایی ابزار ذخیره قانونی به لحاظ وجود مازاد ذخایر در بانک‌های

تجاری کشور

۴. ناکارا بودن ابزارهای مستقیم سیاست پولی در ایران به لحاظ تخصیص نامناسب تسهیلات به بخش‌های اقتصادی و تجاوز از سقف‌های تعیین شده

۵. خنثی شدن و کم‌رنگ شدن سیاست پولی به وسیله سیاست‌های مالی. (فرجی، ۱۳۸۰)

بانک مرکزی برای اجرای سیاست پولی در نظام بانکداری اسلامی، فقط از ابزارهایی می‌تواند استفاده کند که با شریعت اسلام سازگار باشد. تحریم دریافت و پرداخت بهره مهم‌ترین اصلی است که باید مدنظر قرار گیرد. بیشتر ابزارهای مستقیم سنتی متکی بر نرخ بهره نیستند و با اصول اسلامی سازگار می‌باشند لیکن انعطاف پذیرترین ابزارهای غیرمستقیم پولی بر نرخ‌های ثابت بهره استوارند. قانون اسلام مفهوم نرخ بهره ثابت و از پیش تعیین شده را رد می‌کند و کسب بازده‌های متغیر در فعالیت‌های مختلف اقتصادی را مجاز می‌شمارد.

از سوی دیگر سیستم مالی اسلامی با حذف نرخ بهره ثابت از طریق مکانیزم بازار به تخصیص بهینه منابع مالی می‌پردازد. در نظام پولی اسلامی ابزارهای غیرمستقیم براساس سیستم مشارکت در سود و زیان با احکام اسلامی سازگار بوده و در جهت ایجاد انعطاف در کنترل پولی مبتنی بر نظام بازار به کار می‌رود. در نظام اسلامی نرخ تنزیل و عملیات شبه بازار باز که در آن از اوراق بهادار مبتنی بر نرخ‌های بهره ثابت استفاده می‌شود کاربردی ندارند ولی ابزارهای متعدد دیگری مانند نرخ سپرده قانونی، کنترل‌های کلی و انتخابی در عملیات، اجزا و عناصر پایه پولی از طریق مدیریت انتشار پول و ترغیب اخلاقی برای کنترل پولی و اعتباری در دسترس وجود دارند. عملیات شبه بازار باز نیز می‌تواند با اوراق بهاداری طراحی و تنظیم شود که مبتنی بر نرخ بازده ثابت نباشد مقامات پولی این امکان را دارند که با تغییر نسبت‌های سهم سود موردانتظار نرخ‌های بازده پس‌اندازها و وام‌ها را تغییر دهند.

توجه به این نکته لازم و ضروری است که یک بانک مرکزی اسلامی در بدو امر مسئولیت تنظیم و اجرای سیاست پولی را عهده‌دار می‌باشد و نیز کمک به سیستم بانکی در مرحله انتقال، گسترش بازار پول، حفاظت از سیستم تسویه و پرداخت و اجرای وظیفه

نظارت بر بانک‌ها را بر عهده دارد همچنین مانند یک موسسه مالی پیشرو از طریق سیستم مالی مسئول برقراری ارتباط بین سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران عمل می‌کند. توجه به این نکات باعث شده است که ابزارهای عمده مستقیم که در نظام بانکی اسلامی کاربرد داشته باشند به شرح زیر گزارش گردند:

۱. سقف‌های اعتباری بانک‌ها

۲. نسبت‌های نقدینگی قانونی

۳. اعتبارات هدایت شده. (مهدویان، ۱۳۹۷)

توجه به این مساله سبب شده است که ابزارهایی که در نظام بانکداری اسلامی و در راستای اهداف بانک مرکزی باید مورد استفاده قرار گیرد دارای آثار و فوایدی باشد که عبارت است از:

۱. این ابزارها جهت کنترل متغیرهای اعتباری یا تخصیص اعتبار و هزینه‌های آنها قابل اعتماد بوده و در بسیاری از کشورها برای مدتی به خوبی عمل کرده‌اند.
۲. کاربرد به نسبت آسانی دارند.
۳. هزینه مالی مستقیم آنها به نسبت پایین است.
۴. برای کمی کردن و مرتبط شدن به برنامه پولی در محدوده یک چارچوب سیاست اقتصادی به آسانی مورد استفاده قرار می‌گیرند.
۵. در کشورهایی که سیستم‌های مالی غیررقابتی و بازارهای پولی غیرپیشرفته دارند این ابزارها به صورت موثر قابلیت کاربرد دارند.
۶. در شرایط کمیابی اعتبارات، ابزار سقف‌های اعتباری بدون توجه به نوع نظام نرخ ارز بهترین ابزار به شمار می‌روند.
۷. در هنگام وقوع بحران‌های شدید مالی که به شکست بازار منتهی می‌شود این ابزارها بسیار مفید هستند.

همین مساله سبب شده است که از ظرفیت و قابلیت هر ابزاری به صورت متفاوت استفاده شود، به عبارت دیگر با به کارگیری ابزارهای غیرمستقیم سیاست پولی می‌توان نوسانات نقدینگی در کوتاه مدت را مطابق با اهداف سیاست پولی کنترل نمود. تغییر در نسبت‌های سپرده قانونی و سپرده‌های بخش عمومی از طریق ایجاد تغییر در تخصیص سپرده بانک‌ها و سپرده‌های دولت میان بانک مرکزی و بانک‌های تجاری مستقیماً مانده ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی تحت تأثیر قرار می‌دهد. سوآپ ارزی با ابتکار بانک‌ها از طریق تغییر وضعیت میان‌داری‌های ارزی یا از طریق خرید و فروش توام، مانده ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ابزارهای عملیات شبه بازار در مقایسه با ابزارهای مستقیم کنترل پولی موثرتری را ارائه می‌دهند. (مهدویان، ۱۳۹۷)

۵- روند به کارگیری ابزارهای پولی در اقتصاد متعارف و اسلامی

۱. سیاست‌های پولی اعمال شده توسط بانک مرکزی بیشتر سیاست‌های انبساطی پولی بوده که با به کارگیری ابزار نرخ بهره، سقف اعتباری و نرخ ذخیره قانونی سیاست پولی انبساطی اعمال شده است. سیاست انبساطی مالی از طریق افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی این روند را تشدید کرده است. بانک مرکزی از طریق انتشار اوراق مشارکت متعلق به خود و با تحمیل هزینه‌های بهره‌ای آن تا اندازه‌ای اقدام به کنترل سیاست پولی انبساطی کرده است.

۲. ابزارهای مورد استفاده بانک مرکزی محدود و سنتی می‌باشد در حالی که با گسترش بازارهای مالی ابزارهای پولی جدید معرفی شده مانند بازارشبان، اسناد خزانه، موافقت‌نامه مخصوص خرید و فروش مجدد، نقل و انتقالات اقلام بزرگ، مجموعه این سیاست‌ها در حالی که غیرمستقیم عمل می‌کنند اثر قطعی، آنی و دقیق به جهت اهداف سیاست‌های پولی بر اقتصاد دارد.

۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شاخصی برای اندازه‌گیری وضعیت پولی ندارد تا با اطلاع از شرایط حاکم پولی به جهت کمبود بازار نقدینگی متوسل به سیاست پولی مناسب

شود. نبود آگاهی از شرایط پولی حاکم می‌تواند در دوره‌های خیلی کوتاه که اقتصاد به جهت افزایش تقاضا معاملاتی پول و یا عملیات سوداگرانه نیاز پول بیشتری دارد با تأمین نبودن آن موجبات رکود و استفاده ناکامل از عوامل تولید را فراهم کند و برعکس جذب نکردن منابع مالی اضافی موجب تورم و فشارهای انبساطی خواهد شد. (ختایی، سیفی پور، ۱۳۸۵)

در نظام بانکداری متعارف یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال سیاست پولی نرخ بهره است و سیاست‌گذار پولی کشور می‌تواند با کاهش یا افزایش نرخ بهره بانکی نسبت به کاهش یا افزایش حجم پول در گردش اقدام و سهم آن را در نقدینگی تغییر دهد. در بانکداری ربوی بانک مرکزی از سیاست‌های پولی مانند کنترل عرضه پول و نرخ بهره یا قیمت اوراق بهادار سیاست‌های پولی خود را اعمال می‌کند اما در بانکداری اسلامی نرخ سود مورد انتظار جایگزین نرخ بهره می‌شود که برخلاف نرخ بهره تضمین شده نیست. (علی بیگی، دادخواه، ۱۳۹۲)

۶. قواعد سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی در بانکداری اسلامی

استفاده از قواعد سیاستی به دلیل ویژگی و مزیت شان مورد استقبال گسترده سیاست‌گذاران پولی قرار گرفته است. یک قاعده سیاستی بیان می‌کند که ابزارهای سیاستی چگونه باید به تغییرها در وضعیت اقتصاد واکنش نشان داد و استفاده از قاعده سیاست پولی بهینه بدون توجه به قاعده مالی بین سیاست‌گذاران مورد توجه بیشتر است. با توجه به ارتباط میان مقامات پولی به ویژه تأثیرپذیری سیاست‌گذاران پولی از مقامات مالی در ایران بررسی سیاست‌های اقتصاد کلان در ظرف قواعد سیاست پولی و مالی در کنار هم بسیار مهم است. قواعد سیاست پولی و مالی بهینه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که متغیرهای نرخ تورم، رشد قیمت نسبی انرژی، رشد شکاف تولید، رشد درآمدهای حقیقی نفت، نرخ سود حقیقی، ضریب جینی و مقادیر دوره قبل متغیر سیاستی از عوامل تعیین‌کننده قواعد بهینه به شمار می‌آیند. (فرازمند و همکاران، ۱۳۹۲)

بانک مرکزی اسلامی در مقایسه با بانکداری مرکزی متعارف نگرش متفاوت به ماهیت پول و بانک و طراحی بانک مرکزی اسلامی با ساختار وظایف متفاوت است. مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی اسلامی حق پول و مدیریت عرضه پول و هدایت پول و اعتبار به سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی با هدف حداکثرسازی اقتصادی افزایش اشتغال و کمک به بهبودی عدالت اقتصادی است.

بانک مرکزی به عنوان یک نهاد پولی و مالی دارای سابقه تاریخی طولانی بوده است. اما بانکداری مرکزی به عنوان یک مفهوم پولی و اقتصادی وارد ادبیات اقتصادی متعارف شده است.

در بانکداری متعارف سه نوع پول اسکناس، مسکوک و سپرده‌های بانکی وجود دارد. بانک مرکزی اسکناس و مسکوک را از طریق بانک‌ها به اقتصاد تزریق می‌کند و بانک‌ها از طریق وام دهی پول را به سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان انتقال می‌دهند. هرگاه بانک‌ها وام دهی خود را افزایش دهند سرمایه‌گذاری و تولید افزایش می‌یابد و تسهیلات دهی بانک‌ها در عمل موجب افزایش سپرده‌های بانکی شده و نوع دیگری از پول را در اقتصاد به وجود می‌آورد که خالق آن بانک‌ها هستند و نه بانک مرکزی. در سیستم بانکداری متعارف بانک‌های مرکزی در چارچوب سیاست پولی با استفاده از ابزارها به دنبال اثرگذاری و مدیریت عرضه پول و نرخ‌های بهره می‌باشند. (صمصامی، محمدی، ۱۳۹۸)

سه دیدگاه نظری در خصوص بانکداری متعارف در دوره‌هایی از قرن بیستم:

۱. بانک‌ها تنها واسطه مالی می‌باشند که منابع را جمع می‌کنند و تخصیص می‌دهند یعنی بانک‌ها سپرده‌های اشخاص را جمع‌آوری کرده و به دیگری قرض می‌دهند که به این رویکرد نظریه واسطه‌گری مالی می‌گویند.

۲. بانک‌ها قسمتی از سپرده‌ها را نزد بانک مرکزی نگهداری و مابقی را می‌توانند اعتبار دهند که نظریه ذخیره جزئی یا همان ضریب فزاینده است.

۳. هر بانک می‌تواند به تنهایی همه وام‌ها را از هیچ خلق کند و نیازی به جذب سپرده بیش از آن وجود ندارد که نظریه خلق پول می‌نامند.
در بانکداری متعارف، در عمل بانک‌ها واسطه‌گر وجوه نیستند بلکه آنها منابع خود را از طریق وام دهی خلق می‌کنند و همزمان اقدام به ایجاد وام و سپرده می‌کنند.
(صمصامی، محمدی، ۱۳۹۸)

۷. سیاست پولی و بانک مرکزی در نظام بانکی ایران

در ایران ابزارهای سیاست پولی به دلیل شرایط فرهنگی و دینی و حاکم بودن بانکداری بدون ربا با بانکداری بین‌المللی متفاوت است که نقطه بارز آن در ممنوعیت استفاده از نرخ بهره در اجرای سیاست پولی در ایران است. در ایران سیاست پولی به دو نوع ابزار تقسیم می‌شود که عبارتند از: ابزارهای مستقیم (نداشتن اتکا به شرایط بازار) و غیرمستقیم (مبتنی بر شرایط بازار).
ابزارهای مستقیم: در ایران با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و معرفی عقود با مبادله‌ای و مشارکتی، ضوابط تعیین سود و یا نرخ بازده مورد انتظار ناشی از تسهیلات اعطایی بانک‌ها و حداقل و حداکثر سود و یا بازده مورد انتظار طبق ماده ۲ آیین‌نامه عملیات بانکی بدون ربا بر عهده شورای پول و اعتبار می‌باشد. همچنین طبق ماده ۳ آیین‌نامه بانک مرکزی می‌تواند در تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و یا مشارکت و نیز تعیین حداقل یا حداکثر نرخ سود مورد انتظار و یا نرخ بازده احتمال برای سایر انواع تسهیلات اعطایی بانکی دخالت نماید.

ابزارهای غیرمستقیم: بانک مرکزی از طریق افزایش نسبت سپرده قانونی حجم تسهیلات اعطایی بانک‌ها را منقبض و از طریق کاهش آن، اعتبارات بانک‌ها را منبسط می‌نماید.
طبق ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی نسبت سپرده قانونی از ۱۰ درصد کمتر و از ۳۰ درصد بیشتر نخواهد بود و بانک مرکزی ممکن است برحسب ترکیب و نوع فعالیت بانک‌ها نسبت‌های متفاوتی برای آن تعیین نماید.

قواعد سیاست پولی بانک مرکزی در نظام بانکداری اسلامی / مجتبیوی ۴۵

در اقتصاد ایران بیشتر سیاست پولی از طریق ابزارهای مستقیم کنترل سود بانکی و تعیین سقف اعتباری و ابزارهای غیرمستقیم، نسبت سپرده قانونی، اوراق مشارکت بانک مرکزی و سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی اعمال می‌شود. (مومنی و حری، ۱۳۸۸)

سیاست پولی بر دو نوع انبساطی و انقباضی تقسیم می‌شود که از طریق کانال‌های مختلف اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

سیاست‌های پولی که به منظور ایجاد ثبات در سطوح کلان اقتصادی در کشورهای درحال توسعه مانند ایران با چالش‌های متعددی مواجه است. هدایت سیاست پولی در ایران و اکثر کشورهای درحال توسعه به جای نرخ بهره بر عرضه و تقاضا پول و پایه پولی متمرکز است. در ایران بانک مرکزی در موارد متعددی برای هدایت سیاست پولی و ارزی از ابزار نرخ ارز استفاده کرده است. (مشیکین، ۱۹۹۵)

بهره‌گیری از نسبت‌های بلندمدت اقتصاد کلان در دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹ با بررسی نقش بانک‌ها و مکانیسم انتقال پول بر نوسانات اقتصادی عوامل تأثیرگذار سیاست‌های پولی بر سیستم بانکی مشخص می‌گردد.

سیاست پولی یکی از اصطلاحات اقتصادی است که توسط بانک مرکزی در جهت کنترل نقدینگی اعمال می‌شود و بانک از طریق اعمال این سیاست‌ها بر الگو مصرف خانوار و تولید بنگاه‌ها و تورم تأثیر می‌گذارد. سیاست پولی بر دو نوع انبساطی و انقباضی تقسیم می‌شود. عمده‌ترین هدف سیاست پولی در اقتصاد رشد سریع اقتصادی، ایجاد اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌های خارجی محدود است.

در ایران قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسیده و تمامی موسسات بر اساس بانکداری اسلامی به فعالیت مشغول‌اند و بانکداری متعارف در آن جایی ندارند و نظارت شرعی وضعیت مناسبی ندارد و ضعیف‌ترین الگوی نظارت شرعی را در اختیار دارد. (موسویان و همکاران، ۱۳۹۱)

مشکلات بانکداری بدون ربا در ایران:

۱. صوری بودن بخشی از عملیات بانکی به علت تبدیل شدن تمام عملیات بانکی به عقودهای معاملاتی
 ۲. پایین بودن میزان گرایش بانک ها به مشارکت واقعی در پروژه ها و گرایش بیشتر به عقودهای معاملاتی مثل فروش اقساطی به جای عقودهای مشارکتی مانند مضاربه و مشارکت
 ۳. نداشتن روش مناسب برای تمدید زمان بازپرداخت تسهیلات بانکی
 ۴. ضعف نظام نظارتی و بازرسی کارآمد
 ۵. فقدان اعتقاد جامعه به اسلامی بودن عملیات بانکی. (اکبریان، رفیعی، ۱۳۸۶)
- همواره اتخاذ سیاست های پولی نامطلوب توسط سیاست گذاران پولی یکی از علل وقوع بحران های بانکی است. بانک ها نقش اصلی مکانیسم انتقال پولی بانک مرکزی را بر عهده دارند و به عنوان مجری سیاست های پولی بانک مرکزی نقش آفرینی می کنند.
- سیاست های پولی بانک مرکزی در جهت تغییرهای نرخ بهره و افزایش اعتبار و خلق نقدینگی یکی از عوامل بروز بحران های بانکی و مالی در دنیا است و دخالت بانک مرکزی با ارائه کمک های نقدینگی گسترده به عنوان آخرین قرض دهنده بر سیستم مالی موجب ناآرامی های کلان و تشدید بی ثباتی مالی و بانکی شده است.
- اقتصاد ایران نیز با نوسانات زیادی در فعالیت های اقتصاد کلان مواجه شده است. افزایش بدهی دولت به بانک ها در اقتصاد ایران سبب رشد بدهی بانک ها به بانک مرکزی از طریق دریچه تنزیل بانک مرکزی و افزایش اضافه برداشت و خطوط اعتباری شده است که منجر به افزایش پایه پولی و افزایش نقدینگی و مطالبات غیرجاری شبکه بانکی شده است. (محمودی نیا، ۱۳۹۸)

نتیجه‌گیری

تفاوت سیستم بانکی متعارف و اسلامی، شرایط فرهنگی - دینی و حاکم بودن بانکداری بدون ربا با بانکداری بین‌المللی است. سیستم بانکی اسلامی حق پول و مدیریت عرضه و هدایت پول و اعتبار به سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی با هدف حداکثر سازی اقتصادی و افزایش اشتغال و کمک به بهبودی عدالت اقتصادی است اما بانکداری متعارف براساس سه نوع اسکناس، مسکوک، سپرده‌های بانکی و افزایش سرمایه‌گذاری و تولید به دنبال اثرگذاری و مدیریت عرضه پول و نرخ بهره می‌باشد.

مهم‌ترین اهداف سیاست پولی، ایجاد اقتصاد متعارف جهت رشد سریع اقتصاد و ایجاد اشتغال کامل برای همه افراد جامعه و تثبیت قیمت‌ها برای کنترل تورم و ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها به منظور تعامل میان دریافت‌ها و پرداخت‌های خارجی و تثبیت ارز و ثبات سطح قیمت‌ها برای تسهیل در مبادلات و کاهش هزینه‌های مبادله‌ای و ایجاد ثبات و تخصیص مطلوب پول و تأمین ثبات بخش حقیقی در اقتصاد اسلامی است.

در بانکداری متعارف بانک مرکزی از سیاست‌های پولی مانند کنترل پول و نرخ بهره سیاست‌های پولی را اعمال می‌کند اما در بانکداری اسلامی نرخ سود جایگزین نرخ بهره می‌شود که برخلاف نرخ بهره تضمین شده نیست. بانک مرکزی از طریق انتشار اوراق مشارکت متعلق به خود و تحمیل هزینه‌های بهره تا اندازه‌ای سیاست پولی را کنترل کرده است و از طریق قدرت قانونی که دارد نرخ بهره و مقدار اعتبارات را تعیین کرده است. بانک مرکزی در بانکداری اسلامی به جای پایه پولیف ضریب فزاینده پولی را به منظور کنترل حجم پول مورد توجه قرار داده است و از آنجایی که کنترل بر پایه پولی ندارد و کنترل حجم پول از طریق فزاینده پولی بی‌اثر است بنابراین از ابزارهای کمی که در کنترل حجم برخوردار است برای کنترل حجم پول با ایجاد محدودیت‌های اعتباری و اولویت در تخصیص اعتبارات بانکی و محدودیت در اعطای اعتبارات به جای روش غیرمستقیم از روش مستقیم برای کنترل حجم پول استفاده می‌کند.

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

- ابراهیمی مقدم، مهدی؛ محسنی مهر، کیومرث. (۱۳۹۳) پول، ارز، بانکداری، تهران: انتشارات فرانما.
- محرابی، لیلا (۱۳۹۲). سیاستگذاری پولی در کشورهای اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک جمهوری اسلامی ایران.
- اکبریان، رضا، و رفیعی، حمید (۱۳۸۶). بانکداری اسلامی، چالش‌های نظری - عملی و راهکارها. اقتصاد اسلامی، ۷(۲۶)، ۹۷-۱۱۸.
- آریا، کیومرث، (۱۳۸۵) سیاست‌های پولی و ارزی: گرایش‌ها و اولویت‌ها. تهران: کویر.
- جلالی نائینی، احمدرضا (۱۳۹۴). سیاست پولی مبانی نظری و ارزیابی عملکرد در ایران. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.
- ختایی، محمود، و سیفی پور، رویا (۱۳۸۵). ابزارها وقواعد شناخته شده سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران. مطالعه موردی: برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی، مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۱(۷۳)، ۲۶۷-۲۳۳.
- دادگر، یدالله، رحمانی، تیمور. (۱۳۸۲) مبانی و اصول علم اقتصاد. قم: بوستان کتاب.
- رفیعی، ثریا؛ امامی، کریم، و غفاری، فرهاد (۱۳۹۸). شناسایی عوامل تأثیرگذار سیاست‌های پول بر سیستم بانکی، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، شماره ۲، ۱-۲۳.
- شهبازی غیائی، موسی؛ نظرپور، محمدنقی و فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۷). اهداف نهایی سیاست‌های پولی و طراحی تابع هدف مقام پولی. رهیافت اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۸(۷۲)، ۲۴۵-۲۷۰.
- صمصامی، حسین، و محمدی، علیرضا. (۱۳۹۸). بانک مرکزی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی و ارائه راهکارهای ارتقای عملکرد بانک مرکزی در اقتصاد ایران. معرفت اقتصاد اسلامی،

قواعد سیاست پولی بانک مرکزی در نظام بانکداری اسلامی / مجتبیوی ۴۹

۱۰(۲) (پیاپی ۲۰)، ۶۷-۸۵.

علی بیگی، حمید، و دادخواه، هادی (۱۳۹۲). معرفی ابزارسیاست‌های پولی اسلامی در الگو حماسه اقتصادی. مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.

فرازمند، حسن؛ قربان نژاد، مجتبی، و پورجوان، عبدالله (۱۳۹۲). تعیین قواعد سیاست پولی و مالی بهینه در اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۸، ۶۷-۸۸.

فراهانی فرد، سعید. (۱۳۷۸) سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۱) سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

فرجی، یوسف. (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی کارایی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول، تهران: شرکت چاپ نشر.

کیاوند، مهران (۱۳۹۰) بررسی اثر شوک‌های سیاست پولی بر نوسانات شاخص قیمتی سهام در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و حسابداری گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد، تهران، ایران.

مجتهد، احمد، و حسن‌زاده، علی (۱۳۸۷). پول و بانکداری و نهادهای مالی. پژوهشکده پولی و بانکی، ۳۱۹-۳۲۴.

محمودی‌نیا، داود (۱۳۹۸). سیاست‌های پولی بانک مرکزی و نقش آن در بروز بحران‌های بانکی اقتصاد ایران در چارچوب شاخص تعدیل شده فشار بازار پول، فصلنامه پژوهش و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۸۹، ۶۱-۹۶.

موسویان، سیدعباس؛ عبدالهی، محسن؛ امرالهی، حامد و میسمی، حسین (۱۳۹۱). تحلیل و مقایسه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور، فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره دوم، ۵۳-۹۱.

مومنی، فرشاد و حری، حمیدرضا (۱۳۸۸). بانکداری مرکزی در نظام بانکداری اسلامی بدون ربا: شناسایی و ارزیابی ابزارهای پولی کارآمد، فصلنامه پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۶.

مهدویان، محمدهادی. (۱۳۹۷) ابزارهای سیاست پولی در نظام بانکداری اسلامی، سازمان بررسی های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نامی، روجا. (۱۳۹۴) نقش سیاست های پولی و اعتباری در رشد ظرفیت مالیاتی کشور با تاکید بر بخش صنعت (۱۳۹۱-۱۳۶۸)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه مفید، قم، ایران.

یوسفی زاده فر، حسین. (۱۳۹۱) بررسی کارایی ابزارهای سیاست پول و اعتباری در کنترل تورم و نقدینگی در اقتصاد ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۸) با استفاده از معادلات همزمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد فیروزکوه، مازندران، ایران.

الف-۲: انگلیسی

Mshkin, F. (1995). Monetary policy strategy, the MIT press, London

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند^۱

محمد رفیع*
محمد نصیف**
سالو پراساد***
ریحانه عسگری****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸. تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹

چکیده

اعتقاد بر این است که فقر انرژی تأثیرات اجتماعی-اقتصادی حیاتی بر زندگی مردم دارد و آن را به یکی از نگرانی‌های اصلی برنامه سیاست در بسیاری از کشورها، به ویژه در جنوب جهانی تبدیل می‌کند. استنباط‌های مبتنی بر شواهد در مورد سوابق و نتایج فقر انرژی به سیاست‌گذاران در تدوین تصمیم‌های سیاستی آگاهانه‌تر کمک می‌کند.

۱. برگرداننده شده از مقاله:

“Multidimensional energy poverty and human capital development: Empirical evidence from India”

* Muhammed Rafi, Email: mdrafi@uohyd.ac.in

** Mohemmad Naseef, Email: naseefp@uohyd.ac.in

*** Salu Prasad, Email: saluvprasad@uohyd.ac.in

**** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، دانشگاه یزد، یزد، ایران. «مترجم»

Email: Asgari.Reyhaneh@gmail.com

با این حال، اندازه گیری فقر انرژی در سطح خرد همیشه یک چالش به ویژه در کشورهای در حال توسعه بوده است. این مطالعه از داده های نظرسنجی در سطح خانوار از هند برای ایجاد یک اندازه گیری چند بعدی از فقر انرژی استفاده می کند، که بر کمیت سازی محرومیت انرژی تمرکز می کند، دسترسی و مقرون به صرفه بودن طیف وسیعی از اشکال انرژی را پوشش می دهد و تأثیر آن را بر شاخص های توسعه سرمایه انسانی بررسی می کند. برآوردهای مبتنی بر متغیرهای ابزاری ما نشان می دهد که فقر انرژی اثرات منفی قابل توجهی بر سلامت و دستاوردهای آموزشی کودکان دارد. نتایج ما برای روش های جایگزین برای اندازه گیری فقر انرژی، مجموعه ای از رویکردهای تخمینی و سایر بررسی های حساسیت قوی است.

واژگان کلیدی: فقر انرژی؛ توسعه سرمایه انسانی؛ سلامتی؛ تحصیلات؛ هند.

مقدمه

فقر انرژی به فقدان منابع انرژی کافی، قابل اعتماد، با کیفیت خوب و سازگار با محیط زیست برای مردم برای رفع نیازهای روزانه خود اشاره دارد (ردی و همکاران، ۲۰۰۰). این یک موضوع توسعه حیاتی در سراسر جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه باقی مانده است. تخمین زده می‌شود که بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان، یعنی ۳ میلیارد نفر، هنوز برای پخت و پز به سوخت‌های ناسالم وابسته هستند، که نگرانی‌های جدی بهداشتی و زیست محیطی را ایجاد می‌کند. انرژی هم پیامدهای کلان اقتصادی و هم در اقتصاد خرد دارد. برای بهره‌وری و ارائه خدمات ضروری مانند مراقبت‌های بهداشتی، اشتغال و آموزش در سطح کلان حیاتی است. در سطح خرد، انرژی و تعرفه‌های مربوط به انرژی با رفاه خانوار، درآمد و فقر مرتبط است (بریج و همکاران، ۲۰۱۶؛ کراوس، ۲۰۱۶). بنابراین، ناتوانی یا نداشتن دسترسی به انرژی مانعی جدی برای تحرک رو به بالا فرد در جامعه و تلاش او برای بهزیستی است. با توجه به این درک، اخیراً، علاقه قابل توجهی در میان دانشگاهیان و سیاست‌گذاران برای مطالعه سوابق و پیامدهای فقر انرژی وجود داشته است. محققان پیامدهای مختلف فقر انرژی را در دو دهه گذشته بررسی کرده‌اند. مشخص شده است که فقر انرژی به طور قابل توجهی رفاه انسان و رفاه خانواده را کاهش می‌دهد (آووری چرچیل و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین پیشنهاد می‌شود که تأثیر مخربی بر پیامدهای اجتماعی-اقتصادی، مانند تحصیل، سلامت، و دستیابی به شغل داشته باشد (گرین و گیلبرتسون، ۲۰۰۸؛ لیدل و گینی، ۲۰۱۵؛ مولد و بیکر، ۲۰۱۷؛ تاد و تامسون، ۲۰۱۷؛ ویلکینسون، ۲۰۱۷، ویلکینسون، ۲۰۰۷). می‌توان دریافت که این اثرات منفی فقر انرژی، تخطی از وضعیت توسعه یافته کشورها بوده و در زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کند. به عنوان مثال، در کشورهای اروپایی، ناتوانی در استفاده از امکانات تهویه مطبوع و گرمایش کافی منجر به خانه‌های سرد و مرطوب می‌شود که به عنوان

دلیل مهمی برای بیماری عمل می‌کند (هود، ۲۰۰۵). هیلی (۲۰۰۳) همچنین دریافت که خطر مرگ و میر در فصل زمستان در اروپا زیاد است و به جای هوای سرد بیرون با دمای داخل خانه مرتبط است. به همین ترتیب، در کشورهایی مانند هند، خانوارهای فقیر بیشتر به منابع انرژی ناپایدار مانند کیک سرگین گاو، نفت سفید و هیزم برای پخت و پز و سایر نیازهای انرژی خانوار متکی هستند که پیامدهای زیست محیطی و بهداشتی قابل توجهی دارند (WHO, 2018). چندین مورد از این مطالعات اشاره می‌کنند که چنین تأثیراتی در بین کودکان شدیدتر از بزرگسالان است (تامسون و همکاران، ۲۰۰۳).

مانند سلامت، تأثیر مخرب فقر انرژی بر پیشرفت تحصیلی کودکان نیز فراگیر است، اگرچه ممکن است به طرق مختلف بر کودکان با زمینه‌های مختلف تأثیر بگذارد. تأثیر فقر انرژی بر پیشرفت تحصیلی از نظر تئوری نامشخص است زیرا ممکن است مکانیسم‌های متعددی در کار باشد. در کشورهای توسعه یافته، که بخش قابل توجهی از ترتیبات آموزشی آنلاین است، ناتوانی در دسترسی به انرژی قابل اعتماد ممکن است شانس کودک را برای استفاده از منابع آموزشی مختل کند. در کشورهای در حال توسعه، ممکن است فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان را مختل کند، زیرا روشنایی شبانه قابل اعتماد و سایر سیستم‌های پشتیبانی برای آنها در صورت لزوم در دسترس نیست. همه این‌ها حاکی از اهمیت مطالعه بروز فقر انرژی و تأثیرات آن در بافت هر کشور به منظور تدوین مداخلات سیاستی هدفمند است. علیرغم رشد سریع اقتصادی پس از آزادسازی و معرفی چندین طرح هدفمند توسط دولت‌ها، فقر انرژی همچنان یک نگرانی جدی در هند، به ویژه در مناطق روستایی است (بهید و مونروی، ۲۰۱۱). با این حال، ادبیات دانشگاهی که این جنبه را در زمینه هند بررسی می‌کند، به نسبت کمیاب است. از زمان استقلال هند، سیاست‌های مختلفی برای رسیدگی به کسری فزاینده انرژی و توسعه منابع جایگزین انرژی طراحی شده است. به عنوان یک

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۵۵

نقطه عطف مهم در سفر خود به سمت برق رسانی جهانی، در آوریل ۲۰۱۸، دولت هند اعلام کرد که تمام مناطق، از جمله روستاها و شهرهای کشور، برق دار هستند. با این حال، این اعلامیه به این معنا نیست که تمام خانوارهای کشورهای کشور برق دارند. این تنها به این معنی است که زیرساخت های اساسی برای تأمین برق برای تمام مناطق مسکونی در کشور در دسترس قرار گرفته است. علیرغم این تلاش ها برای برق رسانی همگانی، قابلیت اطمینان تأمین برق هنوز در بسیاری از مناطق کشور محقق نشده است (هاین و همکاران، ۲۰۱۹).

علی‌رغم طرح‌های دولتی، مانند «پرادان مانتری اوج‌والا یوجانا» که هدف آن ارائه اتصالات LPG رایگان یا یاران‌های به خانوارهای فقیر است، اتکای مردم به منابع ناسالم برای تأمین نیازهای انرژی خانوار نیز بسیار رایج است. سوخت‌های ناپاک آشپزی که ۰٫۲ میلیارد نفر از مردم فقیر هندی استفاده می‌کنند شامل ۴۹٪ هیزم، ۱/۵٪ نفت سفید، ۸/۹٪ کیک سرگین گاو، و ۲/۹٪ انواع مختلف زغال سنگ است. انتشار آلاینده‌های خطرناک مانند اکسیدهای نیتروژن، مونوکسید کربن و ذرات معلق. در جریان احتراق چنین سوخت‌های ناپاک با استفاده از اجاق‌های داخلی ناکارآمد، سلامت اعضای خانواده به شدت به خطر می‌افتد. کیفیت هوا در بسیاری از خانواده‌های هندی به دلیل استفاده از این سوخت‌های زیست توده همراه با تهویه ضعیف در محل کشنده است. گزارش شده است که این کیفیت پایین هوای داخلی دومین قاتل بزرگ است که هر سال ۱/۳ میلیون مرگ گزارش می‌شود. این واقعیت مستلزم مطالعاتی است که میزان فقر انرژی در خانوارهای هندی و چگونگی تأثیر آن بر توسعه سرمایه انسانی را بررسی کند. مطالعه حاضر تلاش می‌کند تا با بررسی یک مجموعه داده ملی در سطح خانوار از هند که شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف را نشان می‌دهد، این شکاف را برطرف کند. این مطالعه تأثیر فقر انرژی را بر شاخص‌های توسعه سرمایه انسانی مانند سلامت و آموزش کودکان بررسی می‌کند. هرگونه پیگیری علمی در این زمینه با اندازه‌گیری فقر انرژی آغاز می‌شود. با این حال، اندازه‌گیری

1. Liquefied petroleum

کمی فقر انرژی، به لطف ماهیت پیچیده این پدیده، همیشه یک کار چالش برانگیز بوده است. اگرچه ایده فقر انرژی از زمانی که بوردمن این مفهوم را در سال ۱۹۹۱ معرفی کرد در ادبیات اقتصادی وجود داشته است، اما هنوز مقیاس پذیرفته شده جهانی برای اندازه گیری فقر انرژی مشخص نشده است. بوردمن (۱۹۹۱) یک معیار شاخص منفرد را پیشنهاد کرد که در آن یک خانوار فقیر از نظر انرژی در نظر گرفته می شود اگر هزینه انرژی آن بیش از ۱۰٪ درآمد آن باشد. مطالعات اولیه در این حوزه از این پیشنهاد بوردمن پیروی کرد و تلاش کرد تا فقر انرژی را تنها از طریق منشور مقرون به صرفه اندازه گیری کند (بارنز و همکاران، ۲۰۱۱؛ بارنز و همکاران، ۲۰۰۴). اگرچه این رویکرد در زمینه کشورهای توسعه یافته مناسب بود، اما نتوانست ظرایف پدیده های فقر انرژی را در زمینه کشورهای در حال توسعه به تصویر بکشد. با این حال، مطالعات بر روی کشورهای در حال توسعه بیشتر بر جنبه دسترسی پدیده فقر انرژی متمرکز شده است (مالا، ۲۰۱۳؛ سادات و آچاریا، ۲۰۱۷؛ تانگ و لیائو، ۲۰۱۴). تحولات اخیر در ادبیات ماهیت چند بعدی این مفهوم را تصدیق می کند و نیاز به استفاده از اندازه گیری های جدیدی را دارد که می تواند جنبه های مختلف فقر انرژی را که مربوط به زمینه خاص منطقه مورد مطالعه است، نشان دهد. اندازه گیری ما از فقر انرژی با این بحث ها مشخص می شود و با توجه به واقعیت های عجیب و غریب اجتماعی-اقتصادی هند فرموله می شود. با پیروی از (نوسبومر و همکاران، ۲۰۱۲)، ما تلاش می کنیم یک شاخص ترکیبی از فقر انرژی بسازیم، که بر کمی کردن کمبود انرژی در جنبه های مختلف، مانند سوخت مدرن پخت و پز، دسترسی به برق برای روشنائی، مالکیت وسایل مورد استفاده برای کارهای خانه و سرگرمی، و مالکیت تمرکز دارد. دستگاه های مخابراتی چنین اندازه گیری ترکیبی نه تنها بروز فقر انرژی، بلکه شدت آن را نیز نشان می دهد. یکی دیگر از موانع جدی برای اندازه گیری انرژی در یک کشور در حال توسعه، فقدان داده های نماینده ملی با تمرکز بر جنبه های مختلف اقتصاد انرژی است. ما برای شناسایی اطلاعات مرتبط برای ایجاد معیار چند بعدی خود از فقر انرژی و گزارش برخی از یافته های جالب، به داده های بررسی

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۵۷

توسعه انسانی هند^۱ (IHDS) تکیه می‌کنیم. نتایج برآوردهای مبتنی بر متغیرهای ابزاری ما نشان می‌دهد که فقر انرژی تأثیر منفی معناداری بر سلامت کودکان و دستاوردهای آموزشی آنها دارد. نتایج ما برای روش‌های جایگزین برای اندازه‌گیری فقر انرژی، مجموعه‌ای از رویکردهای تخمینی و سایر بررسی‌های حساسیت قوی است. این یافته‌ها با مطالعات مختلفی که در نقاط مختلف جهان انجام شده‌اند همسو بوده و بر نیاز به مداخلات جدی سیاستی تأکید می‌کند. همانطور که از نتایج مشخص می‌شود که تأثیر منفی فقر انرژی بین نسلی است و به عنوان مانعی برای سلامت و پیشرفت تحصیلی کودکان عمل می‌کند، باید در تدوین اقدامات سیاستی به ویژه در زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی کشورها از رویکردی چند جانبه پیروی مثل هند کرد. بقیه مقاله به شرح زیر سازماندهی شده است. بخش ۱ بررسی مختصری از ادبیات مرتبط را ارائه می‌دهد. بخش ۲ داده‌ها و متغیرها را توضیح می‌دهد. بخش ۳ نتایج را ارائه می‌کند و پیامدهای سیاست را مورد بحث قرار می‌دهد و بخش بعد نتیجه‌گیری می‌کند.

۱. بررسی ادبیات

درک فقر انرژی تمرکز بسیاری از مقالات تحقیقاتی بوده است و منجر به افزایش علاقه سیاستگذاران به استفاده از اقدامات فقر انرژی برای ارزیابی پیامدهای آن در جامعه شده است. تصمیم‌های سیاستی آگاهانه‌تر را تدوین می‌کند. کمک‌های کلیدی این مقاله به ادبیات محدود در مورد فقر انرژی به شرح زیر است: اول، تجزیه و تحلیل قوی از ارتباط بین فقر انرژی و شاخص‌های مختلف توسعه سرمایه انسانی، مانند سلامت و آموزش کودکان ارائه می‌دهد. به این ترتیب، به گروه بسیاری از مطالعات اخیر می‌پیوندد که سوابق و پیامدهای فقر انرژی را بررسی کرده‌اند. دوم، معیاری چند بعدی از فقر انرژی را به کار می‌گیرد تا از تخمین‌های تجربی دقیق‌تر اطمینان حاصل شود. در نهایت، این مطالعه با تمرکز بر یک کشور در حال توسعه از جنوب جهانی، منطقه‌ای که اغلب در ادبیات ارائه نشده است، به

1. India Human Development Survey (IHDS)

ادبیات رو به رشد کمک می‌کند. هر گونه تلاش برای کاهش فقر انرژی با یک رویکرد ساختاریافته در تعریف، اندازه‌گیری، نظارت و گزارش آن آغاز می‌شود (پاچائوری و اسپرنگ، ۲۰۱۱). یک چالش مهم از دیدگاه سیاست اجتماعی، تعریف معیارهای مناسب فقر انرژی برای کشف پیامدهای آن بر زندگی و رفاه انسان است (لورکا و همکاران، ۲۰۲۰). اندازه‌گیری فقر انرژی دشوار است زیرا یک وضعیت خصوصی و مختص خانواده است و در طول زمان و مکان تغییر می‌کند. علاوه بر این، این یک مفهوم چند بعدی است که از نظر فرهنگی حساس است (تامسون و لیدل، ۲۰۱۵). ادبیات از معیارهای مختلفی برای فقر انرژی استفاده کرده است، از جمله معیارهای ذهنی و عینی و همچنین اقدامات چند بعدی که هر دو را ترکیب می‌کند (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰).

معیارهای عینی فقر انرژی اغلب بر اساس رابطه بین درآمد خانوار و هزینه انرژی است. بر اساس این رویکرد، یک خانوار در صورتی فقیر از نظر انرژی در نظر گرفته می‌شود که مصرف انرژی آن بیش از آستانه معینی از درآمد آن باشد (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲؛ مونیانی و آواوری چرچیل، ۲۰۲۰). هم مخارج مطلق و هم مخارج نسبت به درآمد خانوار در ادبیات استفاده می‌شود (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰؛ بیرمن، ۲۰۱۶؛ مونیانی و آواوری چرچیل، ۲۰۲۰). اکثر مطالعات از ۱۰٪ به عنوان آستانه برای شناسایی خانوارهای فقیر در انرژی استفاده کردند (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰؛ B بارنز و همکاران، ۲۰۱۱؛ بوردمن، ۱۹۹۱؛ بوزاروفسکی و پتروا، ۲۰۱۵)، در حالی که برخی دیگر از آستانه‌های جایگزین استفاده کردند، مانند ۵، ۱۵ و ۲۰٪ (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰). هیلز (۲۰۱۲) دو روش برای اندازه‌گیری فقر انرژی، یعنی فقر هزینه سوخت^۱ (AFCP) و هزینه کم درآمد بالا^۲ (LIHC) پیشنهاد کرد. طبق AFCP، یک خانوار در صورتی فقیر از نظر انرژی در نظر گرفته می‌شود که درآمد آن ۶۰٪ کمتر از درآمد متوسط آن نوع خانوار باشد (پس از هزینه مسکن و سوخت)،

1. After Fuel Cost Poverty (AFCP)
2. Low Income High Cost (LIHC)

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۵۹

در حالی که LIHC نشان می‌دهد که اگر خانواده‌ها هزینه‌های انرژی را بالاتر از میانگین گزارش کنند، فقیر از نظر انرژی هستند. درآمد برابر آنها پس از مخارج مربوط به انرژی زیر خط فقر رسمی است. با این حال، چنین اقدامات فقر انرژی که مبتنی بر مخارج و درآمد است، اغلب به دلیل آستانه دلخواه و همچنین برای دست کم گرفتن و اغراق آمیز بودن فقر انرژی مورد انتقاد قرار می‌گیرند (آواواری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰؛ مونیانی و آواواری چرچیل، ۲۰۲۰). جدای از این معیارهای عینی، برخی از محققان تلاش کرده‌اند تا فقر انرژی را با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری کنند (بوزاروفسکی و تیرادو هررو، ۲۰۱۷؛ دوبویس و مایر، ۲۰۱۶؛ هیلی و کلینچ، ۲۰۰۲؛ هریت تامسون و اسنل، ۲۰۱۳؛ وادمز پرایس و همکاران، ۲۰۱۲). یکی از معیارهای ذهنی رایج که در ادبیات استفاده می‌شود، نشان دادن احساس پاسخ دهندگان در مورد ناتوانایی گرمایش خانه‌های خود به دلایل مالی یا دلایل دیگر است. طرفداران رویکرد ذهنی استدلال می‌کنند که چنین رویکردی این مزیت را دارد که «احساس» محرومیت مادی درک شده توسط افراد را بهتر به تصویر بکشد (تامسون و همکاران، ۲۰۱۷a). با این حال، این رویکرد اغلب غیرقابل اعتماد در نظر گرفته می‌شود، زیرا اگر پاسخ دهندگان تمایلی به اعتراف به ناتوانی خود در گرم کردن خانه‌های خود نداشته باشند، ممکن است میزان واقعی فقر انرژی را دست کم نشان دهد (مونیانی و آواواری چرچیل، ۲۰۲۰).

یکی دیگر از رویکردهای پذیرفته شده به طور گسترده برای اندازه‌گیری فقر انرژی، معیار چند بعدی است که معیارهای عینی و ذهنی فقر انرژی را ترکیب می‌کند. این رویکردی است که اغلب در کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود. شاخص فقر انرژی چند بعدی^۱ (MEPI) یک اندازه‌گیری جامع است که جنبه‌های مختلف فقر انرژی را به طور خاص بر اساس آستانه تکنولوژیکی یا دسترسی به خدمات انرژی مدرن در نظر می‌گیرد (آلم و دمکه، ۲۰۲۰). این معیار به طور گسترده در ادبیات مورد استفاده قرار گرفته است (به عنوان مثال، الکایر و فوستر، ۲۰۱۱؛ آواواری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰؛ ۲۰۱۷؛ آواواری چرچیل و همکاران،

1. Multidimensional Energy Poverty Index (MEPI)

۲۰۲۰؛ مونیانی و آواوری چرجیل، ۲۰۲۰؛. و آچاریا، ۲۰۱۷؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ نوسبومر و همکاران، ۲۰۱۲)، پیروی می‌کنیم. برای استخراج یک اندازه‌گیری چند بعدی از فقر انرژی با اختصاص وزن نسبی به پنج کاربرد اصلی انرژی، از جمله پخت و پز، روشنایی، ارتباطات، سرگرمی، و اتصال لوازم خانگی. بنابراین، ما یک اندازه‌گیری جامع از فقر انرژی را در مقایسه با سادات و آچاریا (۲۰۱۷) به کار می‌گیریم، که تنها سه بعد را در نظر گرفتند که وزن یکسانی را به همه در حالی که از شاخص چند بعدی فقر انرژی استفاده می‌کردند، در نظر گرفتند. معیار اصلی ما برای فقر انرژی، امتیاز شاخص فقر انرژی چند بعدی (امتیاز MEPI) است که به طور گسترده در زمینه کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود. معیار دوم یک متغیر ساختگی است که بر اساس امتیاز MEPI نشان می‌دهد که آیا خانوار از نظر انرژی ضعیف است یا خیر. ما همچنین از متغیرهای باینری استفاده می‌کنیم که نشان می‌دهد آیا خانواده از سوخت‌های آشپزی تمیز، امکانات پخت و پز سالم، برق، وسایل الکترونیکی، وسایل سرگرمی یا وسایل ارتباطی محروم است یا خیر. طبق نظر سن (۲۰۰۰)، فقر انرژی یک مسئله «آزادی و قابلیت‌ها» است. هر کس حق دارد از آزادی انتخاب سبک زندگی خود بر اساس انتخاب‌های مرتبط با آزادی اقتصادی برخوردار باشد. در زمینه نابرابری اجتماعی، کمبود منابع انرژی در واقع نوعی کمبود است (دی و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، از منظر سیاست اجتماعی، به جای اینکه تنها تشخیص دهید چه کسی از نظر انرژی فقیر است، درک اینکه چگونه و چرا مردم فقیر انرژی هستند و چگونه بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد اهمیت دارد. این امر بر اهمیت مطالعه سوابق و نتایج فقر انرژی در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر تأکید می‌کند (پاچائوری و اسپرنگ، ۲۰۱۱). محققان مختلفی تلاش کرده‌اند پیشایندها و پیامدهای فقر انرژی را بررسی می‌کنند (گرین و گیلبرتسون، ۲۰۰۸؛ لیدل و گینی، ۲۰۱۵؛ مولد و بیکر، ۲۰۱۷؛ تاد و تامسون، ۲۰۱۷؛ ویلکینسون و همکاران، ۲۰۰۷). گونزالز-اگوینو (۲۰۱۵) ادبیات فقر انرژی را مرور کرد و خلاصه کرد که پیامدهای منفی قابل توجهی بر سلامت،

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۶۱

اقتصاد و محیط زیست دارد. مشخص شده است که فقر انرژی به طور قابل توجهی رفاه انسان و رفاه خانواده را کاهش می دهد (آواوری چرچیل و همکاران، ۲۰۲۰). لیدل و گینی (۲۰۱۵) پیشنهاد کردند که فقر انرژی تأثیر مخربی بر پیامدهای اقتصادی-اجتماعی مانند آموزش، سلامت و دستیابی به شغل دارد. اگرچه پدیده فقر انرژی جهانی است، اکثر این مطالعات در مورد فقر انرژی در زمینه کشورهای توسعه یافته انجام می شود (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰؛ بیرمن، ۲۰۱۶؛ تامسون و همکاران، ۲۰۱۷b؛ تامسون و همکاران، ۲۰۱۷a؛ ولش و بیرمن، ۲۰۱۷). از آنجایی که شرایط اجتماعی-اقتصادی کشورهای در حال توسعه متمایز است، تعمیم نتایج چنین مطالعاتی به این زمینه مشکل ساز است. بیشتر مطالعات در زمینه در حال توسعه محدود به اندازه گیری فقر انرژی (پاچائوری و اسپرنگ، ۲۰۱۱) یا تجزیه و تحلیل میزان آن است (به عنوان مثال، بارنز و همکاران، ۲۰۱۱؛ گوپتا و همکاران، ۲۰۲۰؛ سادات و آچاریا، ۲۰۱۷ را ببینید). ما مطالعه می کنیم که چگونه فقر انرژی بر توسعه سرمایه انسانی در هند با استفاده از داده های نظرسنجی نماینده ملی تأثیر می گذارد.

۲. داده ها و متغیرها

۲-۱ مقدمه ای بر IHDS

داده های مورد استفاده در این مطالعه از دو موج از نظرسنجی توسعه انسانی هند (IHDS) است که در سال ۲۰۰۵ (دسای و همکاران، ۲۰۰۵) و ۲۰۱۲-۲۰۱۱ (دسای و همکاران، ۲۰۱۲) انجام شد. IHDS یک نظرسنجی چند موضوعی در سطح ملی است. اولین موج IHDS در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ با ۴۱۵۵۴ خانوار در ۱۵۰۳ روستا و ۹۷۱ محله شهری از ۳۳ ایالت و قلمرو اتحادیه اجرا شد. موج دوم که در سال ۲۰۱۲ انجام شد، با همه خانوارهای موج اول و هر خانواری که از خانواده اصلی جدا شده بود اما در همان منطقه زندگی می کرد، دوباره مصاحبه کرد. بنابراین، موج دوم ۴۲۱۵۲ خانوار را در ۳۸۴ منطقه، ۱۴۲۰ روستا و ۱۰۴۲ محله شهری از ۳۳ ایالت و قلمرو اتحادیه تحت پوشش قرار داد. یک روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای برای نمونه گیری از جمعیت روستایی اتخاذ شده است.

در مقابل، یک نمونه طبقه بندی شده از شهرها از طریق احتمال متناسب با جمعیت^۱ (PPP) برای استخراج نمونه شهری انتخاب می شود. IHDS اطلاعات طیف گسترده ای از شاخص های اجتماعی-اقتصادی مرتبط با درآمد، سرمایه اجتماعی، آموزش و سلامت را جمع آوری می کند. برای این مطالعه از اطلاعات مصرف انرژی، بهداشت و آموزش استفاده می کنیم. اطلاعات به دست آمده از نظرسنجی شامل دسترسی خانوار به LPG، هدف استفاده از آن (یعنی پخت و پز، گرمایش و روشنایی)، نوع اجاق گاز (چولا) مورد استفاده در خانه، داشتن دودکش است یا خیر. یا نه، سایر سوخت هایی که برای پخت و پز و گرمایش استفاده می شود و همچنین اطلاعاتی در مورد دسترسی به برق، لوازم خانگی و وسایل ارتباطی و سرگرمی می باشد. IHDS با سایر منابع داده برجسته مانند سرشماری، بررسی های نمونه ملی (شینار و همکاران، ۲۰۱۲)، و بررسی ملی سلامت خانواده (NFHS) قابل مقایسه است، که برخی موارد مشترک را با آنها به اشتراک می گذارد (دسای و همکاران، ۲۰۱۰؛ تورات و همکاران، ۲۰۱۷).

۲-۲. متغیرهای وابسته

۲-۲-۱. پیامدهای سلامتی

علاقه فزاینده ای به بررسی تأثیر فقر انرژی بر شاخص های مختلف توسعه سرمایه انسانی وجود دارد. مطالعات نشان می دهد که اثرات فقر انرژی بر سلامتی در میان کودکان شدیدتر از بزرگسالان است (تامسون و همکاران، ۲۰۰۳). از این رو، اولین مجموعه از متغیرهای پیامد ما، سلامت کودکان است. IHDS اطلاعات مربوط به اندازه گیری های آنتروپومتریک کودکان پنج ساله یا کمتر و جزئیات مربوط به اینکه آیا آنها از بیماری عمده رنج می برند یا خیر، جمع آوری می کند. اولین متغیر پیامد ما بیماری عمده است، یک متغیر باینری که نشان دهنده عوارض عمده در کودکان است (چاری و همکاران، ۲۰۱۷). ما از شکست آنتروپومتریک به عنوان دومین معیار برای سلامت کودک استفاده می کنیم (چاری و همکاران، ۲۰۱۷؛ نی و همکاران، ۲۰۱۹).

1. Probability Proportional to Population (PPP)

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۶۳

این متغیر نشان می‌دهد که آیا قد برای سن، وزن برای سن، و وزن به ازای قد کودک کمتر از ۲- باشد، آستانه تعیین شده توسط سازمان بهداشت جهانی است (WHO, ۲۰۰۶). علاوه بر این، دو متغیر باینری اضافی، یعنی Stunting و Underweight نیز در تست‌های استحکام استفاده می‌شوند. کوتاه‌قد نشان می‌دهد که آیا نمره قد برای سن کودک^۱ (HAZ) کمتر از ۲- کم وزنی نشان می‌دهد که نمره وزن برای سن^۲ (WAZ) زیر ۲- است (WHO, ۲۰۰۶).

۲-۲-۲. نتایج آموزش

علاوه بر پیامدهای سلامت، ما تأثیر فقر انرژی را بر نتایج تحصیلی کودکان بررسی می‌کنیم. اولین شاخص آموزش Currently enrolled است که نشان می‌دهد آیا کودک در حال حاضر در مدرسه ثبت نام کرده است یا خیر. IHDS آزمایشاتی را برای ارزیابی توانایی کودکان در خواندن، نوشتن و انجام محاسبات پایه ریاضی بر روی یک نمونه فرعی از کودکان منتخب انجام داد. ما از متغیر نمره آزمون، که نمره کل این سه آزمون است، به عنوان دومین شاخص پیامد تحصیلی استفاده می‌کنیم (چاری و همکاران، ۲۰۱۷). نمره خواندن از ۰ تا ۴ متغیر است: ۰ برای کسانی که اصلاً نمی‌توانند بخوانند، ۱ برای کسانی که حروف را می‌توانند بخوانند، ۲ برای کسانی که می‌توانند کلمات را بخوانند، ۳ برای کسانی که می‌توانند یک پاراگراف را بخوانند، و ۴ برای کسانی که می‌توانند بخوانند. داستان‌ها مهارت ریاضی در مقیاس ۰ تا ۳ اندازه‌گیری می‌شود: ۰ برای کسانی که نمی‌توانند اعداد را تشخیص دهند، ۱ برای کسانی که اعداد را تشخیص می‌دهند، ۲ برای کسانی که می‌توانند تفریق انجام دهند و ۳ برای کسانی که می‌توانند تقسیم را انجام دهند. اگر کودک بتواند یک جمله ساده با دو یا کمتر اشتباه بنویسد، یک نشانگر دودویی با کد ۱ است و در غیر این صورت ۰.

-
1. Height-for-Age score (HAZ)
 2. Weight-for-Age score (WAZ)

۲-۳. اقدامات فقر انرژی

هر دو موج IHDS حاوی اطلاعات دقیقی در مورد مصرف انرژی خانگی است که به ما کمک می‌کند تا معیارهای فقر انرژی مورد استفاده در مطالعه را بسازیم. معیار اولیه ما برای فقر انرژی، امتیاز شاخص فقر انرژی چند بعدی (امتیاز MEPI) است که به طور گسترده در زمینه کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود (مونینانی و آواوری چرچیل، ۲۰۲۰)، با پیروی از (نوسمبر، ۲۰۱۲) شاخص ما شامل پنج بعد دسترسی به انرژی با شش شاخص است. این پنج بعد شامل پخت و پز، نورپردازی، خدمات ارائه شده از طریق لوازم خانگی، سرگرمی و ارتباطات است (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰). بعد پخت و پز دارای دو شاخص است، یعنی دسترسی به سوخت مدرن پخت و پز و آلودگی داخلی. ابتدا تعیین می‌کنیم که آیا یک خانوار از دسترسی به هر بعد محروم است یا خیر، و وزن‌های مربوطه به آن ابعاد اضافه می‌شود. دسترسی به سوخت پخت و پز تمیز یک نیاز اساسی در نظر گرفته می‌شود و استفاده از سوخت و وسایل پخت و پز سنتی زمان بر است و تأثیر نامطلوبی بر سلامتی دارد (آلم و دمکه، ۲۰۲۰). بنابراین، بعد پخت بیشترین وزن (۵/۴) را دارد و هر دو نشانگر آن دارای وزن مساوی ۵/۲ هستند. بعد روشنایی که با نداشتن دسترسی به برق نشان داده می‌شود با توجه به نقش آن در بهبود کیفیت زندگی، وزن ۵/۲ را به خود اختصاص می‌دهد. بقیه ابعاد که با نداشتن دسترسی به سرگرمی، ارتباط و مالکیت لوازم خانگی نشان داده شده است، دارای وزن مساوی ۵/۱۳ هستند. ما امتیازات وزنی را برای ایجاد امتیاز MEPI جمع می‌کنیم. معیار دوم وضعیت MEPI است، یک متغیر ساختگی با کد ۱ در صورتی که خانوار بر اساس امتیاز MEPI دارای انرژی ضعیف باشد. اگر امتیاز MEPI آن حداقل ۵/۵ باشد، یک خانوار را فقیر از نظر انرژی در نظر می‌گیریم. علاوه بر این، ما از متغیرهای باینری استفاده می‌کنیم که نشان می‌دهد آیا خانواده از سوخت‌های تمیز پخت و پز (Deprived₁)، تسهیلات پخت و پز سالم (Deprived₂)، دسترسی به برق

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۶۵

(۳-Deprived)، دسترسی به لوازم خانگی (۴-Deprived)، دسترسی به وسایل سرگرمی (۵-Deprived) محروم است، و به وسایل ارتباطی (۶-Deprived) دسترسی پیدا کنید تا از استحکام نتایج خود اطمینان حاصل کنید. علاوه بر این، ما از ۳/۰ و ۷/۰ به عنوان برش‌های جایگزین برای تعریف وضعیت MEPI استفاده می‌کنیم. جدول ۱ تعاریف و آمار توصیفی کلیه متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را ارائه می‌دهد. برای ابعاد فقر انرژی و وزن هر بعد به پیوست مراجعه کنید.

۲-۴. روش شناسی تجربی

ما معادلات زیر را برای درک اثرات فقر انرژی بر توسعه سرمایه انسانی برآورد می‌کنیم:

$$Y_{it} = \beta_1 \text{MEPI score}_{it} + \beta_2 X_{it} + \theta_i + \mu_t + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$Y_{it} = \beta_1 \text{MEPI status}_{it} + \beta_2 X_{it} + \theta_i + \mu_t + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن Y_{it} نشان دهنده سلامت و آموزش کودک i در زمان t است، جایی که زمان نشان دهنده موج داده‌های IHDS است. بیماری عمده و نارسایی آنتروپومتریک برای نشان دادن پیامدهای سلامتی استفاده می‌شود و امتیازات فعلی ثبت نام و آزمون برای سنجش میزان تحصیلات استفاده می‌شود. امتیاز MEPI مقدار کل نمرات محرومیت وزنی از پنج بعد فقر انرژی برای کودک i در زمان t است. وضعیت MEPI یک متغیر ساختگی است که بر اساس امتیاز MEPI در صورتی که کودک متعلق به خانواده‌ای فقیر از نظر انرژی باشد، با کد ۱ است. X بردار کنترل‌های فردی است که ممکن است با فقر انرژی در ارتباط باشد. متغیرهای کنترل شامل اندازه خانوار، درآمد، طبقه، مذهب، بالاترین میزان تحصیلات خانوار و محل است. θ و μ به ترتیب نشان دهنده اثرات ثابت ناحیه و بررسی (FE) هستند. ε عبارت خطا است. ما مدل‌های لاجیت را برای بررسی تأثیر فقر انرژی بر سلامت کودک تخمین می‌زنیم زیرا هر دو پیامد سلامتی متغیرهای دوتایی هستند. در مقابل، تخمین OLS ادغام شده برای ارزیابی تأثیر بر نتایج آموزش که مستمر هستند انجام می‌شود.

یکی از نگرانی‌های عمده در مورد تخمین OLS ما این است که فقر انرژی می‌تواند درون‌زا باشد. درون‌زایی احتمال دارد ناشی از برآورد بیش از حد یا دست کم گرفتن ضرایب فقر انرژی به دلیل سوگیری متغیر حذف شده است. در چارچوب رگرسیون چند متغیره، پیش بینی جهت سوگیری دشوار است زیرا ممکن است نگرانی بیش از یک متغیر حذف شده وجود داشته باشد (فوربس، ۲۰۰۰). به عنوان مثال، در مطالعه ما، یکی از این متغیرها فقر درآمدی یا محرومیت به طور کلی است. ادبیات شواهدی را برای رابطه معنادار بین فقر درآمدی و پیامدهای توسعه سرمایه انسانی ارائه می‌کند (چودری و ویمر، ۲۰۱۶؛ دال و لاشنر، ۲۰۱۲). به همین ترتیب، مطالعات همچنین ارتباط بین فقر درآمدی و فقر انرژی را نشان می‌دهند (چودری و ویمر، ۲۰۱۶؛ دال و لوچنر، ۲۰۱۲). بر اساس شواهد موجود، ما پیش بینی می‌کنیم که سطوح بالاتر فقر درآمدی ممکن است با پیامدهای توسعه سرمایه انسانی پایین‌تر همراه باشد. رابطه مشابهی به طور شهودی برای فقر انرژی نیز پیش بینی می‌شود. علاوه بر این، شانس فقر انرژی برای کسانی که در فقر درآمدی زندگی می‌کنند بیشتر است. از این رو، مدلی که شامل فقر انرژی است ممکن است اثرات فقر درآمدی را نیز به حساب می‌آورد. در نتیجه، ضریب فقر انرژی ممکن است بیش از حد برآورد می‌شود. از سوی دیگر، یک متغیر حذف شده مانند حمایت اجتماعی ممکن است ضریب فقر انرژی را کمتر نشان می‌دهد. ادبیات شواهدی را برای ارتباط بین حمایت اجتماعی و نتایج توسعه سرمایه انسانی ارائه می‌دهد (برکمن و همکاران، ۲۰۰۰؛ برومت و همکاران، ۲۰۰۱؛ روزنفلد و همکاران، ۲۰۰۰؛ روتون و همکاران، ۲۰۱۲؛ اسمیت و همکاران، ۱۹۹۴)؛ وانگ و همکاران، ۲۰۰۳) و همچنین فقر انرژی (میدل میس و همکاران، ۲۰۱۹). سطح بالاتر حمایت اجتماعی منجر به کاهش فقر انرژی و نتایج بهتر توسعه سرمایه انسانی می‌شود. حذف حمایت اجتماعی از مدل منجر به سوگیری رو به پایین می‌شود. به همین ترتیب، ممکن است چندین متغیر غیرقابل مشاهده و ناشناخته وجود داشته باشد که تأثیر فقر انرژی را دست کم یا بیش از حد برآورد می‌کند، در نتیجه تعیین جهت سوگیری را دشوار می‌کند.

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۶۷

به منظور پرداختن به نگرانی‌های درون‌زایی، ما یک رگرسیون IV با قیمت‌های انرژی در سطح دولتی به عنوان ابزاری برای فقر انرژی انجام می‌دهیم. قیمت انرژی می‌تواند ابزار مناسبی برای فقر انرژی باشد، زیرا قیمت انرژی و فقر انرژی به صورت مستقیم همبستگی دارند (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۱). علاوه بر این، تنها مکانیسم واقعی که از طریق آن حرکت در قیمت انرژی ممکن است بر شاخص‌های توسعه سرمایه انسانی تأثیر بگذارد، باید فقر انرژی باشد، بنابراین محدودیت‌های حذف را برآورده می‌کند. در حالی که ریانوس و ولفینگ (۲۰۱۸) و فروند و والیچ (۱۹۹۶) رابطه مستقیم بین قیمت انرژی و اثرات نابرابری و رفاه را به ترتیب با استفاده از قیمت انرژی به عنوان نماینده‌ای برای فقر انرژی مورد بررسی قرار دادند زیرا آنها قادر به اندازه‌گیری انرژی خانوار نبودند. فقر به طور مستقیم بنابراین، در حالی که آنها دریافتند که قیمت انرژی تأثیر مستقیمی بر نابرابری و رفاه دارد، نتایج آنها به طور کامل با تأثیر قیمت انرژی بر پیامدهای توسعه سرمایه انسانی که از طریق تأثیر آنها بر فقر انرژی خانوار رخ می‌دهد مطابقت دارد.

جدول ۱- تعاریف متغیر و آمار توصیفی

متغیر	تعریف	میانگین %	Std. توسعه دهنده
متغیرهای نتیجه پیامدهای سلامت کودک بیماری عمده	۱ اگر پاسخ دهنده (پنج ساله یا کمتر) گزارش داد که به بیماری عمده مبتلا شده است.	1.49%	
شکست آنتروپومتریک	۱ اگر کودک دارای مشکلات کوتاه قدی یا کمبود وزن است	48.48%	
	۱ اگر کودک زیر ۶ سال دارای امتیاز قد برای سن (HAZ) زیر ۲- باشد	34.78%	
کمبود وزن	۱ اگر کودک نمره وزن تا سن (WAZ) زیر ۲- داشته باشد	36.29%	
نتایج آموزش کودک	در حال حاضر ثبت نام ۱ اگر کودک در حال حاضر در مدرسه ثبت نام کرده است	89.07%	
نمره آزمون	مجموع نمرات به دست آمده در تست‌های خواندن، نوشتن و ریاضی پایه	0.27	1.27
نمره خواندن	نمره آزمون برای خواندن از ۰ تا ۴	2.58	1.35

0.44	0.72	نمره آزمون برای نوشتن اگر بتواند بنویسد ۱ و در غیر این صورت ۰	نمره نوشتن
0.99	1.54	نمره آزمون برای ریاضیات از ۰ تا ۳	نمره ریاضی
0.30	0.48	امتیاز MEPI امتیاز چند بعدی فقر انرژی	متغیرهای توضیحی
	50.87%	۱ اگر خانوار فقیر انرژی باشد (طبق شاخص فقر انرژی چند بعدی)	وضعیت MEPI
	55.00%	اگر خانواده از هیزم، سرگین گاو یا بقایای محصول برای پخت و پز استفاده می کند	Deprived_1
	63.21%	۱ اگر خانواده از اجاق گاز (چولا) یا آتش باز برای پخت و پز استفاده می کند	Deprived_2
	17.11%	۱ اگر خانوار به برق دسترسی ندارد	Deprived_3
	76.61%	۱ اگر خانه یخچال ندارد	Deprived_4
	38.52%	۱ اگر خانواده تلویزیون یا رادیو ندارد	Deprived_5
	47.91%	۱ اگر خانواده تلفن ثابت یا تلفن همراه ندارند	Deprived_6
4.52	7.97	سن مخاطب	متغیرهای کنترل سن
2.91	6.17	تعداد کل اعضای خانواده	اندازه خانوار
211450.9	126845.5	کل درآمد خانوار به INR در یک سال گذشته	درآمد خانوار
		مرجع: سایر کاست ها	کاست/جامعه
	21.55%	N = 7776	فروارد
	33.57%	سایر انجمن های عقب مانده؛ N=11680	OBC
	20.56%	N = 7294	دالیت
	8.67%	N = 3002	قبیله ای
		مرجع: دین دیگر	دین
	79.77%	N = 28375	هندو
	13.36%	N = 3901	مسلمان
	2.68%	N = 1072	مسیحی
		مرجع: بدون تحصیل	بالاترین تحصیلات خانگی
	38.28%	۱ اگر بالاترین تحصیلات خانوار، آموزش ابتدایی باشد	HH_اولیه
	15.29%	۱ اگر بالاترین تحصیلات خانوار متوسطه باشد	HH_ثانویه
	29.79%	۱ اگر بالاترین تحصیلات خانوار بالاتر از متوسطه باشد	HH_سوال
	33.95%	۱ اگر خانوار در منطقه شهری واقع شده باشد	شهری
103.13	395.14	تعرفه برق عاقلانه برق دولتی در INR	متغیر ابزاری

کاهولی (۲۰۲۰) نگران بود که قیمت انرژی به عنوان ابزاری قوی در نظر گرفته شود زیرا ممکن است یک مبادله بالقوه بین هزینه‌های انرژی و سلامتی وجود داشته باشد. در چنین سناریویی، اگر یک خانواده آسایش حرارتی را به جای مراقبت‌های بهداشتی انتخاب کند، هزینه‌های بهداشتی به دلیل مصرف انرژی کاهش می‌یابد. از آنجایی که قیمت انرژی ممکن است منعکس کننده سطح عملکرد اقتصادی باشد، استفاده از آن به عنوان ابزار ممکن است نگرانی‌هایی را ایجاد کند زیرا ممکن است از طریق نگرانی در مورد وضعیت کلی اقتصاد بر سلامت تأثیر بگذارد. اگرچه ابزار ما معتبر است، نگرانی‌های ذکر شده در بالا تهدیدی برای ابزار به شمار می‌روند. از این رو، ما نتایج رگرسیون IV را با رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله‌ای (2SLS) (لوبل، ۲۰۱۲) تکمیل می‌کنیم، که برای ارضای هیچ محدودیت حذفی نیازی ندارد تا استحکام نتایج رگرسیون متغیر ابزاری خود را با رگرسیون ابزار خارجی بررسی کنیم. این رویکرد استفاده از ابزارهای تولید شده داخلی را در معرض محدودیت کوواریانس هتروسکداستیکی قرار می‌دهد. این روش به طور گسترده در ادبیات در شرایطی که ابزارهای خارجی در دسترس نیستند یا برای تأیید یافته‌های ابزارهای خارجی استفاده شده است (آواوری چرچیل و اسمیت، ۲۰۲۰؛ آواوری چرچیل و همکاران، ۲۰۲۰؛ بلفیلد و کلی، ۲۰۱۲؛ میشا و اسمیت، ۲۰۱۵؛ مونیانی و آواوری چرچیل، ۲۰۲۰).

علاوه بر این، به عنوان یک بررسی استحکام، از معیارهای جایگزین فقر انرژی استفاده می‌کنیم. به طور خاص، ما از اجزای منفرد در امتیاز MEPI مانند نداشتن دسترسی به سوخت پخت و پز، آلودگی فضای داخلی، نداشتن دسترسی به برق، نداشتن دسترسی به وسایل الکترونیکی و نداشتن دسترسی به وسایل سرگرمی استفاده می‌کنیم. علاوه بر این، ما برش‌های جایگزین را برای وضعیت MEPI اعمال می‌کنیم. به عنوان آخرین بررسی استحکام، ما همچنین از معیارهای جایگزین نتایج سلامت و تحصیل کودکان، همانطور که در بخش ۲-۲ توضیح داده شده است، استفاده می‌کنیم.

۳. نتایج

۳-۱. نتایج پایه

جدول ۲ نتایج پایه را برای تأثیرات فقر انرژی بر پیامدهای توسعه سرمایه انسانی در میان کودکان ارائه می‌دهد. متغیرهای توضیحی اصلی به ترتیب امتیاز MEPI و وضعیت MEPI در پانل‌های A و B هستند. ستون‌های ۱-۴ نتایج مربوط به اثرات فقر انرژی بر پیامدهای سلامت کودک را ارائه می‌کنند و ستون‌های ۵-۸ نتایج را در مورد تأثیرات بر پیامدهای آموزش کودک گزارش می‌کنند. ستون‌های زوج نتایج را با اثرات پیمایشی و ثابت ناحیه نشان می‌دهند و ستون‌های فرد آنهایی را بدون اثرات ثابت گزارش می‌کنند. ما دریافتیم که رابطه بین فقر انرژی و پیامدهای توسعه سرمایه انسانی در بین کودکان از نظر آماری در همه ستون‌ها، به جز در ستون ۲، هر دو در پانل A و B، معنی‌دار است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که فقر انرژی به طور کلی با سطوح پایین‌تر پیامدهای بهداشتی و آموزشی در میان کودکان مرتبط است. ستون‌های ۱-۴ پانل‌های A و B یک رابطه آماری معنی‌دار بین فقر انرژی و پیامدهای سلامت کودک برای هر دو مدل با و بدون FE، به جز در ستون ۲ نشان می‌دهند. این نشان می‌دهد که کودکان با نمره فقر چند بعدی بالاتر، به طور متوسط، از نظر شرایط بهداشتی از نظر بیماری عمده و مسائل تغذیه بد هستند. به ویژه از نظر ضرایب استاندارد شده در پانل A، این نتایج نشان می‌دهد که افزایش انحراف استاندارد در امتیاز MEPI با افزایش ۰/۱۵۳ انحراف استاندارد در تعداد کودکان مبتلا به بیماری اساسی همراه است، زمانی که برای بررسی و منطقه FE کنترل نمی‌شود. با این حال، در ستون ۲، این مقدار ناچیز می‌شود. علاوه بر این، افزایش انحراف استاندارد در امتیاز MEPI با افزایش ۰/۱۴۴ انحراف استاندارد در تعداد کودکانی که مشکلات کوتاه قدی یا کمبود وزن دارند، زمانی که برای بررسی و FE ناحیه کنترل نمی‌شوند، و ۰/۰۶۸ انحراف استاندارد در هنگام کنترل برای FE همراه است.

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۷۱

به همین ترتیب، نتایج در پانل B نشان می‌دهد که افزایش انحراف استاندارد در وضعیت MEPI با افزایش ۰/۱۲۹ انحراف استاندارد در تعداد کودکان مبتلا به بیماری عمده همراه است، زمانی که برای بررسی و منطقه FE کنترل نمی‌شود. علاوه بر این، افزایش انحراف استاندارد در وضعیت MEPI با افزایش ۰/۰۹۱ انحراف استاندارد در تعداد کودکانی که مشکلات کوتاه‌قدی یا کمبود وزن دارند، زمانی که برای بررسی و FE ناحیه کنترل نمی‌شوند، و ۰/۰۴۴ انحراف استاندارد در هنگام کنترل برای FE همراه است. بنابراین، مطابق با ادبیات، نتایج ما نشان می‌دهد که فقر انرژی منجر به پیامدهای نامطلوب سلامتی می‌شود (هیلااری تامسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۹). ستون‌های ۵-۸ پانل‌های A و B، برای هر دو مدل با و بدون FE، یک رابطه آماری معنی‌دار بین فقر انرژی و پیامدهای آموزش کودک را نشان می‌دهند. این نشان می‌دهد که کودکانی که از نظر انرژی ضعیف هستند، به طور متوسط سطح تحصیلات پایین‌تری دارند، همانطور که وضعیت ثبت‌نام آنها در مدارس و همچنین نمرات آزمون آنها در خواندن، نوشتن، و مهارت‌های ریاضی پایه نشان می‌دهد. از نظر ضرایب استاندارد شده، افزایش انحراف استاندارد در نمره MEPI با کاهش ۰/۱۶۶ انحراف استاندارد در تعداد کودکانی که در حال حاضر برای تحصیل ثبت‌نام کرده‌اند، زمانی که برای نظرسنجی و منطقه FE کنترل نمی‌شوند، و ۰/۲۱۰ انحراف استاندارد زمانی که برای FE کنترل می‌شوند، همراه است. به طور مشابه، افزایش انحراف استاندارد در امتیاز MEPI با کاهش ۰/۱۸۲ انحراف استاندارد در نمرات آزمون مجموع آنها همراه است، زمانی که برای بررسی و FE ناحیه کنترل نمی‌شود، و ۰/۲۱۵ انحراف استاندارد زمانی که برای FE کنترل می‌شود.

نتایج در پانل B نشان می‌دهد که افزایش انحراف معیار در وضعیت MEPI با کاهش ۰/۱۱۰ انحراف استاندارد در تعداد کودکانی که در حال حاضر برای تحصیل در مدرسه ثبت‌نام کرده‌اند، زمانی که برای بررسی و منطقه FE کنترل نمی‌شود، و ۰/۱۲۵ انحراف استاندارد

زمانی که برای FE کنترل می‌شود، همراه است. به طور مشابه، افزایش انحراف استاندارد در وضعیت MEPI با کاهش ۰/۱۰۹ انحراف استاندارد در نمرات آزمون مجموع آنها همراه است، زمانی که برای بررسی و منطقه FE کنترل نمی‌شود، و ۰/۱۲۳ انحراف استاندارد زمانی که برای FE کنترل می‌شود. علاوه بر این، با مقایسه بزرگی اندازه‌های تأثیر، تأثیر فقر انرژی بر آموزش به صورت نسبی بزرگ‌تر از پیامدهای سلامت است.

جدول ۲- فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی (نتایج پایه)

(8)	(7)	(6)	(5)	(4)	(3)	(2)	(1)	
			تحصیلات کودکان				سلامت کودکان	
	نمره آزمون		در حال حاضر ثبت نام شده است	شکست آنتروپومتریک			بیماری عمده	متغیرها
پانل A: متغیر مستقل: امتیاز MEPI								
***1.866-	***1.580-	***2.168-	***1.621-	***0.459	***0.740	0.487	***0.989	امتیاز MEPI
(0.115)	(0.097)	(0.171)	(0.130)	(0.094)	(0.075)	(0.321)	(0.255)	
[0.215-]	[0.182-]	[0.210-]	[0.166-]	[0.068]	[0.114]	[0.068]	[0.153]	
***4.805	***4.421	***12.687	***11.063	***2.050-	***0.374-	*2.340-	***4.105-	ثابت
(0.345)	(0.220)	(0.572)	(0.329)	(0.413)	(0.123)	(1.204)	(0.493)	
بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	کنترل‌ها
بله	نه	بله	نه	بله	نه	بله	نه	نظرسنجی FE
بله	نه	بله	نه	بله	نه	بله	نه	منطقه FE
12,148	12,148	36595	41235	17,311	17,334	9720	17,334	مشاهدات
پانل B: متغیر مستقل: وضعیت MEPI								
***0616-	***0.545-	***0.685-	***0.570-	***0.172	***0.340	0.247	***0.480	امتیاز MEPI
(0.057)	(0.050)	(0.084)	(0.070)	(0.046)	(0.038)	(0.165)	(0.141)	
[0.123-]	[0.109-]	[0.125-]	[0.110-]	[0.044]	[0.091]	[0.062]	[0.129]	
***4.117	***3.834	***9.657	***8.721	***1.886-	0.1240-	*2.241-	***3.781-	ثابت
(0.340)	(0.216)	(0.530)	(0.307)	(0.411)	(0.116)	(1.185)	(0.448)	
بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	کنترل‌ها
بله	نه	بله	نه	بله	نه	بله	نه	نظرسنجی FE
بله	نه	بله	نه	بله	نه	بله	نه	منطقه FE
12,148	12,148	38674	43,488	17,311	17,334	9720	17,334	مشاهدات

امتیاز MEPI نشان دهنده امتیاز محرومیت از انرژی است و وضعیت MEPI نشان دهنده ساختگی

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۷۳

فقر انرژی است. تعداد مشاهدات برای هر مدل به دلیل پاسخ‌های از دست رفته متفاوت است. در حال حاضر ثبت نام برای همه کودکان زیر پانزده سال گزارش شده است، در حالی که نمره آزمون فقط برای ۱۲۱۴۸ کودک انتخاب شده توسط تیم IHDS در دسترس است.

خطاهای استاندارد قوی در پرائنتز، ضرایب استاندارد شده در پرائنتز.

*** $p < 0.01$.

* $p < 0.1$.

۲-۳. حساسیت به درون‌زایی

در مرحله بعد، نتایج حاصل از تمرین‌های تجربی مختلف را ارائه می‌کنیم که حساسیت و استحکام نتایج ما به درون‌زایی را بررسی می‌کند. برای پرداختن به نگرانی‌های درون‌زایی، ما موارد زیر را ارائه می‌کنیم: (۱) نتایج رگرسیون IV، که در آن ما برای فقر انرژی با استفاده از قیمت انرژی در سطح دولتی (تعرفه برق) و (۲) نتایج لوبل (۲۰۱۲) ۲SLS ابزار می‌کنیم.

جدول ۳- فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی (نتایج رگرسیون IV)

متغیرها	(1)	(2)	(3)	(4)
بیماری عمده شکست آنژیوپمتریک			در حال حاضر ثبت نام شده است	نمره آزمون
پانل A: 2SLS با ابزار خارجی (تعرفه برق)				
امتیاز MEPI	0.339	***3.935	***0.211-	1.117-
	(0.233)	(1.166)	(0.069)	(1.467)
	[0.719]	[1.953]	[1.379-]	[0.128-]
ثابت	0.203-	**1.780-	***1.162	***4.418
	(0.159)	(0.797)	(0.041)	(0.891)
کنترل‌ها	بله	بله	بله	بله
مشاهدات	17,334	17,334	43,488	12,148
پانل B: 2SLS با ابزار خارجی				
امتیاز MEPI	0.004	***0.384	***0.098-	***3.852-
	(0.029)	(0.123)	(0.018)	(0.592)
	[0.008]	[0.221]	[0.059-]	[0.443-]
ثابت	0.026	***0.274	***1.096	***5.759
	(0.021)	(0.087)	(0.013)	(0.412)
کنترل‌ها	بله	بله	بله	بله
مشاهدات	17,334	17,334	43,488	12,148

خطاهای استاندارد قوی در پرائنتز، ضرایب استاندارد شده در پرائنتز.

*** $p < 0.01$.

** $p < 0.05$.

پانل A از جدول ۳ رگرسیون IV را ارائه می دهد که در آن از تعرفه برق (قیمت انرژی در سطح ایالت) به عنوان ابزاری برای فقر انرژی استفاده می کنیم. ما دریافتیم که فقر انرژی تأثیر مثبتی بر شکست آنتروپومتریک دارد. در مورد بیماری عمده، ناچیز است. این نشان می دهد که درون زایی سوگیری قابل توجهی در OLS ادغام شده با تخمین های FE ایجاد می کند. با مقایسه نتایج ۲SLS و OLS ادغام شده، متوجه می شویم که درون زایی باعث سوگیری رو به بالا در تخمین OLS تلفیقی می شود، با توجه به اینکه اثرات فقر انرژی در نتایج ۲SLS بر شکست آنتروپومتریک به طور قابل توجهی کمتر است. به طور خاص، افزایش انحراف معیار در فقر انرژی با افزایش ۱/۹۵۳ انحراف معیار در تعداد کودکان مبتلا به مسائل تغذیه همراه است. بنابراین، نتایج ما نشان می دهد که کودکانی که انرژی ضعیفی دارند، مشکلات کمبود تغذیه دارند. با این حال، هیچ مدرک آماری مبنی بر اینکه آنها از عوارض رنج می برند وجود ندارد.

نتایج در ستون ۳ تأثیر منفی فقر انرژی را بر پیامد تحصیلی کودکان تأیید می کند، که با وضعیت ثبت نام در مدرسه همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود اندازه گیری می شود. به طور خاص، افزایش انحراف معیار در فقر انرژی با کاهش ۱/۳۷۹ انحراف استاندارد در حال حاضر همراه است. وضعیت ثبت نام کودکان با این حال، این اثر در ستون ۴ معنی دار نیست. این نشان می دهد که درون زایی سوگیری قابل توجهی در تخمین OLS برای نمره آزمون ایجاد می کند.

پانل B نتایج لوبل ۲SLS را با ابزارهای تولید شده داخلی گزارش می کند. نتایج ۲SLS لوبل این نتیجه را از پانل A تقویت می کند که فقر انرژی تأثیر منفی بر نتایج سلامت کودک دارد. با این حال، در مورد پیامدهای تحصیلی کودکان، برای نمره آزمون در حال حاضر ثبت نام شده است، اما نه برای نمره آزمون. در پانل B، نتیجه نمره آزمون با نتایج پایه ما مطابقت دارد. نتایج رگرسیون IV و ۲SLS لوبل به این نتیجه کلی اشاره می کند که فقر انرژی بر سلامت و پیشرفت تحصیلی کودکان تأثیر منفی می گذارد.

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۷۵

۳-۳. تست‌های استحکام

۳-۳-۱. اقدامات جایگزین فقر انرژی

در جدول ۴، استحکام نتایج خود را نسبت به معیارهای جایگزین فقر انرژی بررسی می‌کنیم. به‌طور خاص، ما بر اجزای فردی شاخص چند بعدی فقر انرژی تمرکز می‌کنیم. ما اثرات نداشتن دسترسی به سوخت مدرن پخت و پز (Deprived-۱)، آلودگی داخل ساختمان (Deprived-۲)، نداشتن دسترسی به برق (Deprived-۳)، نداشتن دسترسی به وسایل الکترونیکی (Deprived-۴)، نداشتن دسترسی به وسایل سرگرمی (Deprived-۵) را بررسی می‌کنیم. و نداشتن دسترسی به وسایل ارتباطی (Deprived-۶) به‌صورت جداگانه بر روی متغیرهای نتیجه ما. پانل A از جدول ۴ نتایج را برای اثرات فقر انرژی نشان می‌دهد که نشان دهنده نداشتن دسترسی به سوخت مدرن پخت و پز است، در حالی که پانل B اثرات آلودگی داخل ساختمان را گزارش می‌کند. پانل‌های C-F به ترتیب اثرات نداشتن دسترسی به برق، نداشتن دسترسی به وسایل الکترونیکی، نداشتن دسترسی به وسایل سرگرمی و نداشتن دسترسی به وسایل ارتباطی را گزارش می‌کنند. نتایج در اینجا نشان می‌دهد که ابعاد فردی فقر انرژی بر سلامت کودک و پیامدهای تحصیلی تأثیر منفی می‌گذارد. این یافته‌ها در تمام ستون‌های هر پانل سازگار است. بنابراین، یافته‌های ما با نتایج پایه مطابقت دارد. تأثیر ابعاد فردی برای خرابی آنتروپومتریک ثابت است به جز در پانل‌های C و F که در آن تأثیرات دسترسی به برق و وسایل سرگرمی از نظر آماری ناچیز است. همانطور که در تحلیل‌های قبلی پیشنهاد شد، فقر انرژی از نظر سلامتی و تحصیلات کودکان آسیب جدی به آنها وارد می‌کند. در جدول ۵، استحکام نتایج خود را نسبت به آستانه‌های جایگزین مورد استفاده در تعریف وضعیت MEPI بررسی می‌کنیم. به جای ۵۰٪، از ۳۰٪ و ۷۰٪ به عنوان برش در پانل A و پانل B به ترتیب استفاده می‌کنیم. نتیجه‌گیری اصلی همان است که در جدول ۲ مشاهده می‌شود. فقر انرژی بر نتایج توسعه سرمایه انسانی در میان کودکان تأثیر منفی می‌گذارد.

۲-۳-۳. شاخص های جایگزین توسعه سرمایه انسانی

در جدول ۶، ما حساسیت نتایج خود را به جایگزین بررسی می کنیم معیارهای سلامت کودک و پیامدهای آموزشی ستون های ۱ تا ۲ به ترتیب اثرات فقر انرژی بر کوتاهی رشد و کمبود وزن را گزارش می کنند. ستون های ۳ تا ۵ اثرات فقر انرژی را بر نتایج تحصیلی کودکان از نظر نمرات آزمون فردی در مهارت های پایه ریاضی (نمره ریاضی)، خواندن (نمره خواندن) و نوشتن (نمره نوشتن) گزارش می کنند. یافته های کلی با تخمین های پایه ما سازگار است.

جدول ۴- تأثیر شاخص های MEPI بر توسعه سرمایه انسانی

متغیرها	(1)	(2)	(3)	(4)
بیماری عمده	شکست آنتروپومتریک	در حال حاضر ثبت نام شده است	نمره آزمون	
پانل A: متغیر مستقل: Deprived_1				
Deprived_1	0.142	***0.142	***0.390-	***0.367-
	(0.174)	(0.049)	(0.089)	(0.059)
	[0.024-]	[0.035]	[0.069-]	[0.070-]
ثابت	*2.133-	***1.878-	***9.552	***4.084
	(1.171)	(0.411)	(0.529)	(0.349)
کنترل ها	بله	بله	بله	بله
مشاهدات	9720	17,311	38,674	12,148
پانل B: متغیر مستقل: Deprived_2				
Deprived_2				
Deprived_2	0.149	***0.192	***0.617-	***0.384-
	(0.168)	(0.046)	(0.085)	(0.057)
	[0.034]	[0.047]	[0.109-]	[0.074]
ثابت	* 2.220-	*** 1.881-	***9.598	***4.000
	(1.188)	(0.411)	(0.528)	(0.343)
کنترل ها	بله	بله	بله	بله
مشاهدات	9720	17,311	38,674	12,148
پنل C: متغیر مستقل: Deprived_3				
Deprived_3				

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۷۷

***3,981	***9,326	***1.782-	*2.171	ثابت
(0.343)	(0.519)	(0.408)	(1.173)	
بله	بله	بله	بله	کنترل‌ها
12,148	38,674	17,311	9720	مشاهدات
پنل D: متغیر مستقل: Deprived_4				
0.466-	***0.653-	***0.207	***0.699	Deprived_4
(0.060)	(0.111)	(0.051)	(0.197)	
[0.078-]	[0.100-]	[0.046]	[0.147]	
***4,247	***9,832	*** 1.957-	**2.477-	ثابت
(0.345)	(0.539)	(0.410)	(1.171)	
بله	بله	بله	بله	کنترل‌ها
12,148	38,674	17,311	9720	مشاهدات
پنل E: متغیر مستقل: Deprived_5				
***0.663-	***0.537-	**0.103	0.181	Deprived_5
(0.055)	(0.071)	(0.042)	(0.150)	
[0.130-]	[0.096-]	[0.026]	[0.045]	
***4,279	***9,614	***1.860-	*2.246	ثابت
(0.347)	(0.526)	(0.409)	(1.182)	
بله	بله	بله	بله	کنترل‌ها
12,148	38,674	17,311	9720	مشاهدات
پنل F: متغیر مستقل: Deprived_6				
*** 0.509-	*** 0.474-	0.045	0.073	Deprived_6
(0.062)	(0.070)	(0.049)	(0.164)	
[0.078-]	[0.066-]	[0.009]	[0.014]	
***4,020	***9,421	*** 1.801-	* 2.199-	ثابت
(0.343)	(0.521)	(0.408)	(1.181)	
بله	بله	بله	بله	کنترل‌ها
12,148	38,674	17,311	9720	مشاهدات

همه رگرسیون‌ها شامل بررسی و اثرات ثابت ناحیه است.

خطاهای استاندارد قوی در پراگتت، ضرایب استاندارد شده در پراگتت.

*** $p < 0,01$

** $p < 0,05$

* $p < 0,1$

نتیجه‌گیری

با استفاده از دو موج IHDS، داده‌های نظرسنجی نماینده ملی از هند، ما تأثیر فقر انرژی را بر نتایج توسعه سرمایه انسانی در میان کودکان بررسی می‌کنیم. برآوردهای ما نشان دهنده رابطه منفی بین فقر انرژی و شاخص‌های مختلف توسعه سرمایه انسانی است. این مطالعه از یک اندازه‌گیری چند بعدی از فقر انرژی استفاده می‌کند که برک می‌سازی محرومیت انرژی تمرکز دارد و هم دسترسی و هم مقرون به صرفه بودن طیف گسترده‌ای از اشکال انرژی را پوشش می‌دهد. نتایج ما برای روش‌های جایگزین برای اندازه‌گیری فقر انرژی، متغیرهای مختلف سلامت و آموزش، مجموعه‌ای از رویکردهای برآورد، و سایر بررسی‌های حساسیت قوی است. به طور خاص، نتایج نشان می‌دهد که فقر انرژی منجر به افزایش شانس ابتلا به بیماری‌های عمده و مسائل تغذیه در بین کودکان می‌شود. به طور مشابه، همچنین نشان می‌دهد که افزایش فقر انرژی با کاهش ثبت نام آنها در مدارس و عملکرد آنها در امتحانات مرتبط است.

جدول ۵- بررسی‌های استحکام با استفاده از برش‌های جایگزین برای وضعیت MEPI.

متغیرها	(1)	(2)	(3)	(4)
بیماری عمده	شکست آنتروپومتریک	در حال حاضر ثبت نام شده است	نمره آزمون	
پانل A: متغیر مستقل: وضعیت MEPI (با ۳۰، قطع)				
امتیاز MEPI	0.111	***0.278-	***1.490	***0.373-
	(0.111)	(0.191)	(0.051)	(0.061)
	[0.024]	[0.065]	[0.173-]	[0.067-]
ثابت	*2.196-	***2.009-	***10.257	***4.114
	(1.186)	(0.413)	(0.544)	(0.348)
کنترل‌ها	بله	بله	بله	بله
مشاهدات	9720	17,311	38,674	12,148
R-squared	-	-	0.058	0.256

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۷۹

پانل B: متغیر مستقل: وضعیت MEPI (با ۰,۷۰ قطع)				
امتیاز MEPI	0.122	0.036	***0.502-	***0.791-
	(0.161)	(0.050)	(0.074)	(0.066)
	[0.025]	[0.007]	[0.073-]	[0.127-]
ثابت	*2.203-	***1.792-	***9.397	***4.076
	(1.177)	(0.408)	(0.521)	(0.341)
کنترل‌ها	بله	بله	بله	بله
مشاهدات	9720	17,311	38,674	12,148
R-squared	-	-	0.060	0.264

همه رگرسیون‌ها شامل بررسی و اثرات ثابت ناحیه است.

خطاهای استاندارد قوی در پرانتز، ضرایب استاندارد شده در پرانتز.

*** $p < 0.01$. * $p < 0.1$.

به طور خلاصه، بدیهی است که پیامدهای فقر انرژی بر شاخص‌های توسعه سرمایه انسانی نامطلوب است و نیاز به رسیدگی دارد. این نتایج با مطالعات مشابه انجام شده در نقاط مختلف جهان مطابقت دارد (به عنوان مثال، آواوری چرچیل و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۹ را ببینید). دلایل متعددی را می‌توان برای توضیح این نتایج در زمینه کشورهایمانند هند مطرح کرد. اثرات منفی منابع انرژی برای پخت و پز و سایر نیازهای خانوار می‌تواند تأثیر مشاهده شده فقر انرژی بر نتایج سلامت کودکان را توضیح دهد. به طور مشابه، چنین اثرات منفی فقر انرژی بر سلامت نیز ممکن است تأثیر مخدوش‌کننده‌ای بر دستاوردهای آموزشی کودکان داشته باشد. علاوه بر این، خانواده‌های فقیر از انرژی اغلب نمی‌توانند روشنایی شبانه کافی را در خانه ترتیب دهند، که برای فعالیت‌های یادگیری کودکان ضروری است. تأثیرات زیانباری بر پیشرفت تحصیلی آنها دارد.

این نتایج اهمیت دسترسی مقرون به صرفه و قابل اعتماد انرژی به هر خانوار در جامعه را برای توسعه سرمایه انسانی پایدار تکرار می‌کند. اگرچه هند در دو دهه گذشته جهش‌های کوانتومی به سمت هدف برق‌رسانی و توزیع گازهای یاران‌های برای پخت و پز

انجام داده است، اما برای دستیابی به نتایج مطلوب باید کارهای بیشتری انجام شود. اعلامیه اخیر دولت هند در مورد دستیابی به برق رسانی ۱۰۰ درصدی روستایی به تأمین زیرساخت‌های اساسی مانند ترانسفورماتور در مؤسسات عمومی مانند ادارات دولتی محلی و مدارس و برق رسانی حداقل ۱۰ درصد از خانوارها در روستاها محدود می‌شود. از آنجایی که هند هنوز از رنج فقر انرژی با ۳۱ میلیون خانوار روستایی و ۵ میلیون خانوار شهری هنوز از شبکه خارج نشده است، ممکن است ادعای برق رسانی ۱۰۰ درصدی روستایی کم عمق به نظر برسد.

ما معتقدیم که بهبود شفافیت در عملکرد سیستم شبکه یک جنبه مهم برای شناسایی کاستی‌ها در تلاش‌های برق رسانی هند است. تعریف مجدد اهداف برق رسانی و تنظیم مجدد اهداف سیاست گام‌های حیاتی در این زمینه است. ماه‌های گذشته و همکاران را تأیید می‌کنیم. (۲۰۱۹) در پیشنهاد این که معیارهای فعلی برق رسانی، که بر اتصالات زیرساختی در سطح روستا و خانوار متمرکز است، باید به سمت یک رویکرد چند بعدی و چند لایه برای دسترسی به انرژی که شامل کیفیت برق ارائه شده (بیان شده در قالب مدت زمان تأمین در روز و ثبات ولتاژ). (۲۰۱۴). به همین ترتیب، همچنین مشخص شده است که بسیاری از خانوارهای فقیر با وجود داشتن اتصال، هنوز قادر به استفاده از گاز LPG برای پخت و پز نیستند، زیرا پولی برای پر کردن مجدد آن ندارند (کاتور، ۲۰۲۱). بحث‌های اخیر در مورد توزیع سیلندرهای گاز مایع رایگان برای خانواده‌های زیر خط فقر گامی خوشایند در این زمینه است.

واضح است که علی‌رغم رشد اقتصادی به صورت نسبی سریع، هند در توسعه سرمایه انسانی از بسیاری از کشورهای در حال توسعه بسیار عقب است. بنابراین، برای دولت‌ها ضروری است که اقدامات پیشگیرانه‌ای برای کاهش فقر انرژی از طریق تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه و پاک برای همه خانوارهای کشور انجام دهند تا توسعه سرمایه انسانی تضمین شود.

فقر انرژی چند بعدی و توسعه سرمایه انسانی: شواهد تجربی از هند / رفیع و دیگران ۸۱

جدول ۶- بررسی های استحکام با استفاده از شاخص های جایگزین توسعه سرمایه انسانی

(5)	(4)	(3)	(2)	(1)	
نمره نوشتن	نمره خواندن	نمره ریاضی	کم وزنی	بدلکاری	متغیرها
پانل A: متغیر مستقل: امتیاز MEPI					
***1.539-	*** 0.923-	*** 0.660-	***0.471	***0.337	امتیاز MEPI
(0.143)	(0.065)	(0.046)	(0.097)	(0.100)	
[0.195-]	[0.193-]	[0.197-]	[0.069]	[0.050]	
0.679	*** 2.190	*** 1.676	*** 2.472-	*** 2.434	ثابت
(0.653)	(0.193)	(0.132)	(0.464)	(0.466)	
بله	بله	بله	بله	بله	کنترل ها
11,229	11,857	11,806	17,262	17,255	مشاهدات
0.178	0.234	0.262	-	-	R-squared
پانل B: متغیر مستقل: امتیاز MEPI					
*** 0.541-	*** 0.295-	***0.231-	***0.159	***0.159	امتیاز MEPI
(0.069)	(0.032)	(0.023)	(0.048)	(0.049)	
[0.119-]	[0.107-]	[0.120-]	[0.041]	[0.041]	
***2.123	***2.309	***1.781	***2.282-	***2.341-	ثابت
(0.435)	(0.166)	(0.114)	(0.459)	(0.463)	
بله	بله	بله	بله	بله	کنترل ها
11,229	11,857	11,806	17,262	17,255	مشاهدات
0.174	0.226	0.255	-	-	R-squared

همه رگرسیون ها شامل بررسی و اثرات ثابت ناحیه است.

خطاهای استاندارد قوی در پرانتز، ضرایب استاندارد شده در پرانتز.

*** $p < 0.01$

ضمیمه: ابعاد فقر انرژی و متغیرهای مورد استفاده برای اندازه گیری آن.

وزن	متغیر	شاخص	ابعاد
0.2	نوع سوخت پخت و پز مورد استفاده در خانه (در صورت استفاده از سوخت در کنار برق، LPG، نفت سفید، گاز طبیعی یا بیوگاز برای پخت و پز ضعیف است)	سوخت مدرن پخت و پز	آشپزی
0.2	پخته شده روی اجاق گاز یا آتش باز (اگر بله ضعیف است)	آلودگی داخل ساختمان	
0.2	به برق دسترسی دارد (اگر خیر ضعیف است)	دسترسی به برق	نورپردازی
0.13	یخچال داشته باشید (اگر نه ضعیف است)	مالکیت لوازم خانگی	لوازم خانگی
0.13	تلویزیون داشته باشید (اگر نه ضعیف است)	مالکیت وسایل سرگرمی	سرگرمی
0.13	داشتن تلفن زمینی یا تلفن همراه (اگر خیر ضعیف است)	وسایل مخابراتی	ارتباطات

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: انگلیسی

Alem, Y., Demeke, E., 2020. The persistence of energy poverty: a dynamic probit analysis. *Energy Econ.* 90, 104789. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2020.104789>.

Alkire, S., Foster, J., 2011. Counting and multidimensional poverty measurement. *J. Public Econ.* 95, 476–487. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.11.006>.

Awaworyi Churchill, S., Smyth, R., 2017. Ethnic diversity and poverty. *World Dev.* 95, 285–302. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.02.032>.

Awaworyi Churchill, S., Smyth, R., 2020. Ethnic diversity, energy poverty and the mediating role of trust: evidence from household panel data for Australia. *Energy Econ.* 86, 104663. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2020.104663>.

Awaworyi Churchill, S., Smyth, R., 2021. Energy poverty and health: panel data evidence from Australia. *Energy Econ.* 97, 105219. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2021.105219>.

Awaworyi Churchill, S., Smyth, R., Farrell, L., 2020. Fuel poverty and subjective wellbeing. *Energy Econ.* 86, 104650. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2019.104650>.

Barnes, D.F., Khandker, S.R., Samad, H.A., 2011. Energy poverty in rural Bangladesh. *Energy Policy* 39, 894–904. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2010.11.014>.

Barnes, D.F., Krutilla, K., Hyde, W., 2004. *The Urban Household Energy Transition*. Nueva York, Banco Mundial.

Belfield, C.R., Kelly, I.R., 2012. The benefits of breast feeding across the early years of childhood. *J. Hum. Cap.* 6, 251–277. <https://doi.org/10.1086/667415>.

Berkman, L.F., Glass, T., Brissette, I., Seeman, T.E., 2000. From social integration to health: Durkheim in the new millennium. *Soc. Sci. Med.* 51, 843–857. [https://doi.org/10.1016/S0277-9536\(00\)00065-4](https://doi.org/10.1016/S0277-9536(00)00065-4).

Biermann, P., 2016. *How Fuel Poverty Affects Subjective Well-Being: Panel Evidence from Germany*: Oldenburg Discussion Papers in Economics.

Boardman, B., 1991. *Fuel poverty: from cold homes to affordable warmth*. Pinter Pub Limited.

Bouzarovski, S., Petrova, S., 2015. A global perspective on domestic energy deprivation: overcoming the energy poverty–fuel poverty binary. *Energy Res. Soc. Sci.* 10, 31–40. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2015.06.007>.

Bouzarovski, S., Tirado Herrero, S., 2017. The energy divide: integrating energy transitions, regional inequalities and poverty trends in the European Union. *Eur. Urban Reg. Stud.* 24, 69–86. <https://doi.org/10.1177/0969776415596449>.

Bridge, B.A., Adhikari, D., Fontenla, M., 2016. Household-level effects of electricity on income. *Energy Econ.* 58, 222–228. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2016.06.008>.

Brummett, B.H., Barefoot, J.C., Siegler, I.C., Clapp-Channing, N.E., Lytle, B.L., Bosworth, H.B., Mark, D.B., 2001. Characteristics of socially isolated patients with coronary artery disease who are at elevated risk for mortality. *Psychosom. Med.* 63, 267–272.

Chari, A., Heath, R., Maertens, A., Fatima, F., 2017. The causal effect of maternal age at marriage on child wellbeing: evidence from India. *J. Dev. Econ.* 127, 42–55. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2017.02.002>.

Chaudry, A., Wimer, C., 2016. Poverty is not just an indicator: the relationship between income, poverty, and child well-being. *Acad. Pediatr.* 16, S23–S29. <https://doi.org/10.1016/j.acap.2015.12.010>.

Dahl, G.B., Lochner, L., 2012. The impact of family income on child achievement: evidence from the earned income tax credit. *Am. Econ. Rev.* 102, 1927–1956. <https://doi.org/10.1257/aer.102.5.1927>.

Day, R., Walker, G., Simcock, N., 2016. Conceptualising energy use and energy poverty using a capabilities framework. *Energy Policy* 93, 255–264. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2016.03.019>.

Desai, S.B., Dubey, A., Joshi, B.L., Sen, M., Shariff, A., Vanneman, R., 2010. *Human Development in India: Challenges for a Society in Transition*. Oxford University, New York, pp. 1–261.

Desai, Sonalde, and Vanneman, Reeve. *India Human Development Survey-II (IHDS-II)*, 2012. Inter-university Consortium for Political and Social Research [distributor], 2018-08-08. <https://doi.org/10.3886/ICPSR36151.v6>.

Desai, Sonalde, Vanneman, Reeve, and National Council of Applied Economic Research, New Delhi. *India Human Development Survey (IHDS)*, 2005. Inter-university Consortium for Political and Social Research [distributor], 2018-08-08. <https://doi.org/10.3886/ICPSR22626.v12>.

Dubois, U., Meier, H., 2016. Energy affordability and energy inequality in

Europe: implications for policymaking. *Energy Res. Soc. Sci.* 18, 21–35. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2016.04.015>.

Forbes, K.J., 2000. A reassessment of the relationship between inequality and growth. *Am. Econ. Rev.* 90, 869–887. <https://doi.org/10.1257/aer.90.4.869>

Freund, C.L., Wallich, C.I., 1996. The welfare effects of raising household energy prices in Poland. *Energy J.* 17 <https://doi.org/10.5547/ISSN0195-6574-EJ-Vol17-No1-4>.

González-Eguino, M., 2015. Energy poverty: an overview. *Renew. Sust. Energ. Rev.* 47, 377–385. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2015.03.013>.

Green, G., Gilbertson, J., 2008. Health Impact Evaluation of the Warm Front Scheme: Sheffield Hallam University. Centre for Regional Social and Economic Research.

Gupta, S., Gupta, E., Sarangi, G.K., 2020. Household energy poverty index for India: an analysis of inter-state differences. *Energy Policy* 144, 111592. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2020.111592>.

Healy, J.D., 2003. Excess winter mortality in Europe: a cross country analysis identifying key risk factors. *J. Epidemiol. Community Health* 57, 784–789. <https://doi.org/10.1136/jech.57.10.784>.

Healy, J.D., Clinch, J.P., 2002. Fuel poverty, thermal comfort and occupancy: results of a national household-survey in Ireland. *Appl. Energy* 73, 329–343. [https://doi.org/10.1016/S0306-2619\(02\)00115-0](https://doi.org/10.1016/S0306-2619(02)00115-0).

Heynen, A.P., Lant, P.A., Smart, S., Sridharan, S., Greig, C., 2019. Off-grid opportunities and threats in the wake of India's electrification push. *Energy Sustain. Soc.* 9, 1–10. <https://doi.org/10.1186/s13705-019-0198-z>.

Hills, J., 2012. Getting the measure of fuel poverty. In: Final Report of the Fuel Poverty Review.

Hood, E., 2005. Dwelling Disparities: How Poor Housing Leads to Poor Health. National Institute of Environmental Health Sciences.

Kahouli, S., 2020. An economic approach to the study of the relationship between housing hazards and health: the case of residential fuel poverty in France. *Energy Econ.* 85, 104592. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2019.104592>.

Kaur, M., Kaur, K., 2021. Dangerous cooking using unsafe fuels a case study of Punjab. *Econ. Polit. Wkly.* 56, 24–28.

Krauss, A., 2016. How natural gas tariff increases can influence poverty: results, measurement constraints and bias. *Energy Econ.* 60, 244–254. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2016.09.010>.

Lewbel, A., 2012. Using heteroscedasticity to identify and estimate mismeasured and endogenous regressor models. *J. Bus. Econ. Stat.* 30, 67–80. <https://doi.org/10.1080/07350015.2012.643126>.

Liddell, C., Guiney, C., 2015. Living in a cold and damp home: frameworks for understanding impacts on mental well-being. *Public Health* 129, 191–199. <https://doi.org/10.1016/j.puhe.2014.11.007>.

Llorca, M., Rodriguez-Alvarez, A., Jamasb, T., 2020. Objective vs. subjective fuel poverty and self-assessed health. *Energy Econ.* 87, 104736. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2020.104736>.

Malla, S., 2013. Household energy consumption patterns and its environmental implications: assessment of energy access and poverty in Nepal. *Energy Policy* 61, 990–1002. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2013.06.023>.

Middlemiss, L., Ambrosio-Albalá, P., Emmel, N., Gillard, R., Gilbertson, J., Hargreaves, T., Tod, A., 2019. Energy poverty and social relations: a capabilities approach. *Energy Res. Soc. Sci.* 55, 227–235. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2019.05.002>.

Mishra, V., Smyth, R., 2015. Estimating returns to schooling in urban China using conventional and heteroskedasticity-based instruments. *Econ. Model.* 47, 166–173. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2015.02.002>.

Mould, R., Baker, K.J., 2017. Documenting fuel poverty from the householders' perspective. *Energy Res. Soc. Sci.* 31, 21–31. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2017.06.004>.

Mukherjee, M., 2014. Private participation in the Indian power sector: lessons from two decades of experience. The World Bank.

Munyanyi, M.E., Awaworyi Churchill, S., 2020. Foreign aid and energy poverty: sub-national evidence from Senegal. Available at SSRN 3673243. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3673243>.

Nie, P., Rammohan, A., Gwozdz, W., Sousa-Poza, A., 2019. Changes in child nutrition in India: a decomposition approach. *Int. J. Environ. Res. Public Health* 16, 1815. <https://doi.org/10.3390/ijerph16101815>.

Nussbaumer, P., Bazilian, M., Modi, V., 2012. Measuring energy poverty: focusing on what matters. *Renew. Sust. Energ. Rev.* 16, 231–243. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2011.07.150>.

Pachauri, S., Spreng, D., 2011. Measuring and monitoring energy poverty. *Energy Policy* 39, 7497–7504. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2011.07.008>.

Reaños, M.A.T., Wolfing, N.M., 2018. Household energy prices and inequality: evidence from German microdata based on the EASI demand system. *Energy Econ.* 70, 84–97. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2017.12.002>.

Reddy, A.K., Annecke, W., Blok, K., Bloom, D., Boardman, B., Eberhard, A., Ramakrishna, J., 2000. Energy and social issues. *World Energy Assess.* 39–60.

Rosenfeld, L.B., Richman, J.M., Bowen, G.L., 2000. Social support networks and school outcomes: the centrality of the teacher. *Child Adolesc. Social Work J.* 17, 205–226. <https://doi.org/10.1023/A:1007535930286>.

Rothon, C., Goodwin, L., Stansfeld, S., 2012. Family social support, community “social capital” and adolescents’ mental health and educational outcomes: a longitudinal study in England. *Soc. Psychiatry Psychiatr. Epidemiol.* 47, 697–709. <https://doi.org/10.1007/s00127-011-0391-7>

Sadath, A.C., Acharya, R.H., 2017. Assessing the extent and intensity of energy poverty using multidimensional energy poverty index: empirical evidence from households in India. *Energy Policy* 102, 540–550. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2016.12.056>.

Sen, A., 2000. Development as freedom. *Dev. Pract.* Oxford 10, 258.

Shinnar, R.S., Giacomini, O., Janssen, F., 2012. Entrepreneurial perceptions and intentions: the role of gender and culture. *Entrep. Theory Pract.* 36, 465–493.

Smith, C.E., Fernengel, K., Holcroft, C., Gerald, K., Marien, L., 1994. Meta-analysis of the associations between social support and health outcomes. *Ann. Behav. Med.* 16, 352–362. <https://doi.org/10.1093/abm/16.4.352>.

Tang, X., Liao, H., 2014. Energy poverty and solid fuels use in rural China: analysis based on national population census. *Energy Sustain. Dev.* 23, 122–129. <https://doi.org/10.1016/j.esd.2014.08.006>.

Thomson, H., Bouzarovski, S., Snell, C., 2017a. Rethinking the measurement of energy poverty in Europe: a critical analysis of indicators and data. *Indoor Built Environ.* 26, 879–901. <https://doi.org/10.1177/1420326X17699260>.

Thomson, H., Liddell, C., 2015. The suitability of wood pellet heating for domestic households: a review of literature. *Renew. Sust. Energ. Rev.* 42, 1362–1369. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2014.11.009>.

Thomson, H., Petticrew, M., Douglas, M., 2003. Health impact assessment of housing improvements: incorporating research evidence. *J. Epidemiol. Community Health* 57, 11–16. <https://doi.org/10.1136/jech.57.1.11>.

Thomson, H., Snell, C., 2013. Quantifying the prevalence of fuel poverty across the European Union. *Energy Policy* 52, 563–572. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2012.10.009>.

Thomson, H., Snell, C., Bouzarovski, S., 2017b. Health, well-being and energy poverty in Europe: a comparative study of 32 European countries. *Int. J. Environ. Res. Public Health* 14, 584. <https://doi.org/10.3390/ijerph14060584>.

Thorat, A., Vanneman, R., Desai, S., Dubey, A., 2017. Escaping and falling into poverty in India today. *World Dev.* 93, 413–426. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.01.004>

Tod, A., Thomson, H., 2017. Health Impacts of Cold Housing and Energy Poverty. <https://doi.org/10.2861/94270>.

Waddams Price, C., Brazier, K., Wang, W., 2012. Objective and subjective measures of fuel poverty. *Energy Policy* 49, 33–39. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2011.11.095>.

Wang, H.H., Wu, S.Z., Liu, Y.Y., 2003. Association between social support and health outcomes: a meta-analysis. *Kaohsiung J. Med. Sci.* 19, 345–350. [https://doi.org/10.1016/S1607-551X\(09\)70436-X](https://doi.org/10.1016/S1607-551X(09)70436-X).

Welsch, H., Biermann, P., 2017. Energy affordability and subjective well-being: evidence for European countries. *Energy J.* 38 <https://doi.org/10.5547/01956574.38.3.hwel>.

WHO, 2006. WHO Child Growth Standards: Length/Height-for-Age, Weight-for-Age, Weight-for-Length, Weight-for-Height and Body Mass Index-for-Age: Methods and Development. World Health Organization, Geneva, Switzerland.

WHO, 2018. Opportunities for transition to clean household energy: application of the household energy assessment rapid tool (HEART): India

Wilkinson, P., Smith, K.R., Joffe, M., Haines, A., 2007. A global perspective on energy: health effects and injustices. *Lancet* 370, 965–978. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(07\)61252-5](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(07)61252-5).

Zhang, D., Li, J., Han, P., 2019. A multidimensional measure of energy poverty in China and its impacts on health: an empirical study based on the China family panel studies. *Energy Policy* 131, 72–81. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2019.04.037>.

تحلیل اثر بی ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

امیدعلی عادل‌لی *

بیزدان گودرزی فراهانی **

مونا ابوالحسنی ***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

چکیده

صنعت بانکداری یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر اقتصادی محسوب می‌شود و هر گونه تغییرهای اقتصادی در جامعه، کسب و کار بانک‌ها را بطور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ که مهم‌ترین آنها متغیرهای کلان اقتصاد می‌باشند. میزان تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد اقتصادی است. لذا بررسی رشد اقتصادی و بی‌ثباتی آن بر عملکرد بانک‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. مهم‌ترین معیار برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها شاخص بازده دارایی‌ها می‌باشد.

* دانشیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

Email: oa.sdeli@qom.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

Email: y.gudarzi@qom.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

Email: Abolhosni.mona@gmail.com

در این تحقیق تلاش شده است که اثر متغیرهای بی ثباتی رشد اقتصادی، رشد اقتصادی و تورم بر عملکرد بانک‌ها در دوره زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۷ در ۱۷ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران آزمون شود. در مطالعه حاضر ابتدا شاخص بی ثباتی رشد اقتصادی با استفاده از رشد تولید ناخالص داخلی و محاسبه بی ثباتی آن مدل سازی شده است. سپس شاخص ایجاد شده در قالب روش داده‌های پنلی بر شاخص‌های بازده دارایی‌های بانک مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که اثر بی ثباتی متغیر رشد اقتصادی بر بازده دارایی بانک‌ها منفی و معنادار است و همچنین اثر تورم و رشد اقتصادی بر بازده دارایی بانک‌ها مثبت و معنادار است.

واژگان کلیدی: بی ثباتی رشد اقتصادی؛ عملکرد بانک‌ها؛ نسبت سودآوری؛ بازده دارایی‌ها.

مقدمه

صنعت بانکداری یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر اقتصادی محسوب می‌شود و هرگونه تغییرهای اقتصادی در جامعه، کسب و کار بانک‌ها را بطور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ که مهم‌ترین آنها متغیرهای کلان اقتصاد هستند. لذا بررسی تمامی عوامل موثر بر عملکرد بانک‌ها خصوصاً عوامل بیرونی که تحت کنترل مدیریت بنگاه نمی‌باشند و میزان تأثیر هر یک از این متغیرها، برای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران کلان اقتصادی، مدیران بانکی و سرمایه‌گذاران، بسیار حائز اهمیت بوده و امری ضروری است. از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی که بر عملکرد بانک‌ها تأثیرگذار است رشد اقتصادی است. در دهه‌های اخیر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه اهمیت بسیاری پیدا کرده است. دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا و پایدار، یکی از اهداف مهم هر نظام اقتصادی به شمار می‌آید که همواره مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی کشورها قرار دارد. با عنایت به نقش پررنگی که رشد اقتصادی و بی‌ثباتی آن بر عملکرد بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری هر کشور در پیشرفت و توسعه اقتصادی ایفا می‌نمایند مطالعه و بررسی رشد اقتصادی و بی‌ثباتی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

مرور ادبیات مربوط به رشد اقتصادی حاکی از آن است که معمولاً برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی از متغیر تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود. نماگر رشد اقتصادی مطابق با نظریات اقتصادی، تغییرهای فعالیت اقتصادی یک کشور یا یک منطقه را طی یک دوره زمانی مشخص را نشان می‌دهد. افزایش نرخ رشد اقتصادی بیانگر رونق اقتصاد در یک دوره است و منفی بودن آن نشانه رکود اقتصادی است (کیانی و همکاران، ۱۳۹۸). وضعیت ثبات اقتصاد کلان از جمله عوامل مهم دیگری است که کارایی سیستم بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ثبات و پایداری شرایط اقتصاد کلان منجر به کارایی بیشتر بانک‌ها می‌شود (عیسی‌زاده، ۱۳۹۱).

عملکرد صحیح و اصولی بانک‌ها می‌تواند به رشد و شکوفایی نظام اقتصادی کمک کند، در غیر این صورت ضربه‌های سنگینی را بر پیکره اقتصاد وارد خواهد کرد و فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفاف از آینده ترسیم نمایند. در نتیجه تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری‌ها در بانک و میزان وام‌ها، افزایش میزان معوقات و مطالبات سوخت شده خواهد گذاشت. رکود اقتصادی باعث افزایش حجم وام‌های معوق و حجم مطالبات غیرجاری می‌شود و در نهایت منجر به ورشکستگی نهادهای مالی، سقوط ارزش سهام و بازارهای مالی می‌شود. سقوط نهادها و بازارهای مالی، تعمق رکود را به دنبال دارد. چنین فرایندی باعث سرعت فزاینده گسترش مطالبات غیرجاری و ورشکستگی بانک‌ها و تعمیق رکود اقتصادی می‌شود که این امر منجر به کاهش کارایی بانک‌ها می‌گردد (امیری، ۱۳۹۷).

لذا بررسی تمامی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها خصوصاً عوامل بیرونی که تحت کنترل مدیریت بنگاه نیست و میزان تأثیر هر یک از این متغیرها، برای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران کلان اقتصادی، مدیران بانکی و سرمایه‌گذاران، بسیار حائز اهمیت بوده و امری ضروری است. برخی از پژوهش‌گران از شاخص‌های ROA^1 و ROE^2 که از نسبت‌های سودآوری هم هستند به عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد استفاده کرده‌اند، زیرا سودآوری از اهداف اساسی هر بنگاه تجاری می‌باشد، واحدهای تجاری تمام تلاش خود را در جهت رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی شده به منظور نیل به بازدهی مورد انتظار به کار می‌گیرند (حیدری و صابریان، ۱۳۹۰). در مقاله حاضر بررسی رابطه بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها از آن جهت دارای اهمیت است که رشد اقتصادی در سال‌های مختلف دارای نوساناتی بوده که بررسی این تغییرها بیشتر از همه بر عملکرد نظام بانکی به-عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان فعال در اقتصاد تأثیرگذار است، از مهم‌ترین علل تأثیرگذاری می‌توان به این نکته اشاره کرد که سیستم بانکداری در اقتصاد ایران نقش مهمی را به عنوان

1. Return on Asset
2. Return on Equity

تحلیل اثر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده... / عادل و دیگران ۹۳

واسطه‌گری مالی بازی می‌کند و سهم چشم‌گیری از تأمین مالی اقتصاد را بر عهده دارد در نتیجه بی‌ثباتی رشد اقتصادی می‌تواند منجر به بحران در نظام بانکی شود. بررسی صحیح عملکرد بانک‌ها براساس شاخص سودآوری موجب تضمین کارایی کل سیستم مالی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی می‌شود و با افزایش ثبات اقتصادی زمینه را برای شکل‌گیری روند سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید فراهم می‌کند. لذا اهداف این مقاله بررسی رابطه بین بی‌ثباتی رشد اقتصادی با عملکرد بانک‌ها در ایران می‌باشد. و همچنین ارائه یک مدل مفهومی که رابطه بین بی‌ثباتی رشد اقتصادی و عملکرد بانک‌ها را نشان دهد

این پژوهش به دلایل مختلفی از کارهای تجربی صورت گرفته گذشته متفاوت است:

نخست به‌طور مستقیم در رابطه با تأثیر بی‌ثباتی رشد اقتصادی، رشد اقتصادی و تورم بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۹۷-۱۳۸۷ مطالعه‌ای در سطح داخلی انجام نشده است، اما اثر نوسانات اقتصادی از قبیل: نوسانات نرخ ارز، نوسانات تورم و نوسانات صادرات و... بر سایر متغیرهای اقتصادی بررسی شده است. همچنین اثر متغیرهایی از قبیل نرخ بهره، انباشت سرمایه، سائز بانک و... بر سودآوری بانک‌ها بررسی شده است. اما هنوز اثر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها بررسی نشده است.

دوم در این تحقیق عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۹۷-۱۳۸۷ براساس شاخص بازده دارایی‌ها از نسبت سودآوری است، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- رشد اقتصادی

رشد اقتصادی عبارت است از افزایش کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین و در مفهوم کلی، افزایش کمی تولید در یک دوره مشخص نسبت به دوره

مشابه را رشد اقتصادی می‌گویند. تولید ناخالص داخلی^۱ یکی از مقیاس‌های اندازه اقتصاد است که ارزش کل کالاها و خدمات نهایی تولید شده در کشور در یک بازه زمانی معین را با توجه به واحد پول جاری اندازه‌گیری می‌کند. علت این که برای محاسبه رشد اقتصادی از قیمت‌های سال پایه استفاده می‌شود آن است که افزایش محاسبه شده در تولید ناخالص ملی ناشی از افزایش میزان تولید باشد و تأثیر افزایش قیمت‌ها (تورم) حذف گردد. با افزایش تولیدات یک کشور نسبت به قبل یا رشد اقتصادی، به تبع تعداد افراد مورد نیاز برای کار در سیستم اقتصادی نیز افزایش یافته و وضعیت اشتغال یک کشور بهبود می‌یابد.

بررسی وضعیت متغیر تولید ناخالص داخلی وسایر متغیرهای کلان اقتصادی کشورها نشان می‌دهد که این متغیرها همواره حول مسیر رشد بلند مدت خود در نوسان می‌باشند بطوری که رشد آنها گاهی بیشتر از رشد بلندمدت یا منفی بوده است. تولید کالا و خدمات در هر کشوری در یک دوره زمانی مشخص از عوامل گوناگونی همچون جنگ، انقلاب، شوک‌های نفتی، سیاست‌های پولی و مالی، افزایش بهره‌وری و... تأثیر می‌پذیرد. بنابراین رشد اقتصادی از این عوامل تأثیر پذیرفته و دچار نوسان می‌شود و موجب شکل‌گیری ادوار تجاری در اقتصاد می‌گردد (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۹۷).

گاه رشد اقتصادی موجب افزایش صادرات کشور به خارج از مرزها شده و زمینه‌ساز ورود ارز به کشور می‌شود. با ورود ارز بیشتر، قدرت اقتصادی کشور در تأمین منابع مورد نیاز خود در زمینه‌های مختلف افزایش یافته و مسئولان و تصمیم‌سازان می‌توانند به برنامه‌ریزی برای توسعه زیر ساخت‌های کشور، ساخت جاده‌ها، راه‌آهن، مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی، کارخانه‌ها و... به طور کلی توسعه کشور بپردازند. بنابراین رشد اقتصادی یک مساله بسیار مهم در اقتصاد کشورها است که زیربنای اصلی افزایش اشتغال، کاهش تورم و توسعه اقتصادی است. در جدول ۱ رشد اقتصادی را در دهه گذشته براساس سال پایه ۱۳۹۰ مشاهده می‌کنید.

1. Gross Domestic Product (GDP)

جدول ۱- رشد اقتصادی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷

سال (سال پایه ۱۳۹۰)	رشد اقتصادی (میلیارد ریال)	تولید ناخالص داخلی بدون نفت (میلیارد ریال)
۱۳۹۰	۰/۰۴۴۲	۴۹۶۶۹۰۸
۱۳۹۱	۰/۰۰۳۹	۴۹۸۶۴۲۳
۱۳۹۲	۰/۰۰۵۳	۵۰۱۲۸۶۷
۱۳۹۳	۰/۰۲۹۹	۵۱۶۲۸۴۹
۱۳۹۴	-۰/۰۳۰۹	۵۰۰۳۲۵۲
۱۳۹۵	۰/۰۳۲	۵۱۶۶۶۳۶
۱۳۹۶	۰/۰۴۵۵	۵۴۰۱۸۹۱
۱۳۹۷	-۰/۰۰۱۸	۵۳۰۴۶۲۷

منبع: سایت بانک مرکزی

در منحنی امکانات تولید، رشد به عنوان افزایش بازدهی بالقوه در طول زمان تعریف می‌شود و با تغییر مکان رو به بیرون منحنی، نمایش داده می‌شود. تغییر مکان رو به بیرون منحنی امکانات تولید به این معنی است که ظرفیت تولید تمام کالاها در اقتصاد، افزایش یافته است. پنج راه که اقتصاددانان اعتقاد دارند در سیستم اقتصادی می‌تواند به رشد اقتصادی منجر شود ذکر می‌شود. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که اقتصاد، به بعضی از موارد زیر، یا تمام این موارد متعهد شده باشد:

- الف. به کارگیری فناوری‌های جدید، ب. تقسیم کار و تخصصی شدن وظایف، ج. به کارگیری روش‌های جدید تولید، د. افزایش نیروی کار، ح. کشف مواد اولیه جدید
- از اوایل دهه ۱۹۶۰ در تبیین رشد اقتصادی آمریکا نظریه سرمایه انسانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های محوری مورد توجه قرار گرفت. و به تدریج مطالعات گسترده‌ای در تبیین عناصر موثر در فناوری، و اعم از سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه و نیز اشکال مختلف سرمایه انسانی مانند آموزش ضمن کار، به عنوان عوامل رشد مدنظر قرار می‌گیرد. در مدل‌های اولیه تدوین شده در زمینه رشد اقتصادی فقط سرمایه و نیروی کار مورد توجه قرار گرفت تا اینکه بعدها

مباحث مربوط به سهم و نقش تکنولوژی فناوری و همچنین مؤلفه‌های شکل دهنده آن مانند پژوهش و توسعه، آموزش‌های رسمی، آموزش‌های ضمن کار، اندازه و حجم دولت، و درجه آزادی تجارت خارجی نیز مورد توجه جدی صاحب نظران قرار گرفت (دژپسند، ۱۳۸۴).
 مرور ادبیات مربوط به رشد اقتصادی حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر رشد اقتصادی، ثبات اقتصاد است، به گونه‌ای که امروزه اقتصاددانان پذیرفته‌اند که ثبات اقتصادی شرط لازم برای رشد اقتصادی بالا و مستمر است. اگر بخواهیم فاکتورهای اصلی در ثبات اقتصادی را تعریف کنیم شامل ۵ شاخص اصلی، ۱. نرخ تورم یا تغییرهای قیمت کالا و خدمات در طول زمان، ۲. نرخ ارز که در حقیقت همان نرخ برابری پول ملی در برابر پول‌های خارجی و به طور خاص دلار است، ۳. نرخ بهره بانکی یا نرخ سود سپرده‌ها و نرخ بهره وام‌های بانکی، ۴. وضعیت مالی دولت میزان طلب یا بدهکاری دولت به سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف و ۵. تراز پرداخت‌ها که در حقیقت تفاضل بین ارزش کالا و خدمات صادر شده با ارزش واردات است، می‌باشد. فیشر^۱ (۱۹۹۳) ثبات اقتصادی را وضعیتی می‌داند که در آن شرایط زیر برقرار باشند:

الف. نرخ تورم پایین و قابل پیش‌بینی باشد. ب. نرخ واقعی بهره، برای سرمایه‌گذاری مناسب باشد. ج. سیاست مالی عاری از نوسان و اختلال و پایدار باشد و بودجه دولت به خوبی مدیریت گردد، به عبارت دیگر نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی در سطح قابل قبولی حفظ شود (فزاینده نباشد) و استفاده از اعتبارات سیستم بانکی برای تأمین بدهی‌ها در سطح حداقل قرارگیرد. د. نرخ ارز در سطحی نزدیک به مقدار تعادلی آن تعیین گردد.

تورم از موارد تجربی برای اقتصاد بوده که در سطوح بالا هزینه‌های زیادی بر اقتصاد جامعه تحمیل می‌کند. اصلی‌ترین و مهم‌ترین زیان اقتصادی ناشی از تورم، نااطمینانی از مقدار آن در دوره‌های آتی است. با افزایش تورم همراه با کاهش رشد اقتصادی و تولید در جامعه درآمد واقعی کاهش یافته و قدرت باز پرداخت بدهی‌ها نیز به طبع آن در

1. Fischer

تحلیل اثر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده... / عادل‌ی و دیگران ۹۷

بلندمدت کاهش می‌یابد و موجب افزایش مطالبات معوق بانک‌ها می‌گردد (مشهدی‌یان ملکی و همکاران، ۱۳۹۱).

واژه بی‌ثباتی به‌طور معمول هم‌تکانه‌های ناشی از شوک‌ها را در بر می‌گیرد و هم‌تغییرهای غیرمتعارف برخی متغیرهای اقتصادی همانند بالا بودن نرخ تورم را شامل می‌شود. در مقالات مختلف، وقوع شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی، نوسان‌ها و انحرافات متغیرهای اقتصادی، نبود امنیت اقتصادی و غیره به‌عنوان بی‌ثباتی مطرح شده‌اند (خلیلی عراقی و رمضان‌پور، ۱۳۸۰).

بی‌ثباتی اقتصاد موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی درباره تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه آن فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفاف‌ی از آینده ترسیم کنند. و این مره‌ویژه بر سرمایه‌گذاری تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این رو، ثبات اقتصاد از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلندمدت کمک بسیاری به رشد واقعی اقتصاد می‌کند. ثبات اقتصاد پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات، تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد به‌علاوه، ثبات اقتصاد کلان در خصوص جهت‌گیری سیاست‌های اقتصاد کلان و اعتبار مقامات پولی و مالی کشور نزد کارگزاران اقتصادی علائم مهمی را به دنبال دارد. به‌طور مشخص، موفقیت تمام برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصادی نظیر اصلاحات مالی، سیاست‌های تعدیل، آزادسازی و هدفمند نمودن یارانه‌های انرژی مستلزم وجود ثبات اقتصاد کلان می‌باشد (خلیلی عراقی و رمضان‌پور، ۱۳۸۰). از علل رشد اقتصادی پایین و بی‌ثبات در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (زمان‌زاده، ۱۳۹۶)

۱. ضعف رقابت در نظام اقتصادی ایران

۲. اثر ساختاری درآمد نفت بر تولید و رشد اقتصادی در بلندمدت

۳. اثر عملکردی درآمد نفت بر تولید و رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت

۴. نرخ بالا و بی‌ثبات رشد حجم پول

۵. تعیین دستوری نرخ سود بانکی

۶. کاهش نرخ واقعی ارز

۷. پیشرفت تکنولوژیک و رشد اقتصادی

۸. سیاست خارجی و رشد اقتصادی.

اطمینان از ثبات نسبی تورم و تولید ناخالص ملی، رافع نگرانی بانک‌ها در معنای عام است. نااطمینانی تورم و تولید ناخالص داخلی به عنوان بارزترین شوک‌ها باعث نوسانات فعالیت‌های اقتصادی شده، نابسامانی ایجاد می‌نماید و در نتیجه سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، نرخ بهره و ... تحت تأثیر قرار گرفته و از این طریق بر دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسات پولی و مالی تأثیر می‌گذارند و بدین ترتیب آنها را از اهداف سودآوری خود دور می‌نمایند. لذا شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر روند منابع و مصارف و به تبع آن سود بانک‌هاست. بانک‌ها نیز به عنوان مؤسسات مالی، نقش حساسی در اقتصاد کشور ایفا می‌نمایند (صلاحی و خادمی، ۱۳۹۵).

بررسی رابطه بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها از آن جهت دارای اهمیت است که رشد اقتصادی در سال‌های مختلف دارای نوساناتی بوده که بررسی این تغییرها بیشتر از همه بر عملکرد نظام بانکی به-عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان فعال در اقتصاد تأثیرگذار است، از مهم‌ترین علل تأثیرگذاری می‌توان به این نکته اشاره کرد که سیستم بانکداری در اقتصاد ایران نقش مهمی را به عنوان واسطه‌گری مالی بازی می‌کند و سهم چشم‌گیری از تأمین مالی اقتصاد را بر عهده دارد در نتیجه بی‌ثباتی رشد اقتصادی می‌تواند منجر به بحران در نظام بانکی شود. بررسی صحیح عملکرد بانک‌ها براساس شاخص سودآوری موجب تضمین کارایی کل سیستم مالی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی می‌شود و با افزایش ثبات اقتصادی زمینه را برای شکل‌گیری روند سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید فراهم می‌کند.

۲- ارزیابی عملکرد بانک‌ها

امروزه بانک‌ها در کشورهای پیشرفته به عنوان رهگشا، مشاور حرفه‌ای، متخصص در جمع‌آوری منابع مالی شرکت‌ها و جمع‌آوری و تبادل اطلاعات لازم برای مشتریان خود عمل می‌کنند و از موتورهای محرک اقتصادی هر کشور محسوب می‌شوند و این امر سبب شده تا فضای رقابتی تنگاتنگی برقرار شود (عباس قلی پور، ۱۳۸۹).

بانک‌ها با تأمین اعتبار برای متخصصان می‌توانند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و توزیع بهتر درآمد در سطوح جامعه شوند. افزون بر این، بانک‌ها با نگهداری پول نقد و تسهیل در نقل و انتقال آن، حافظ اموال شخصی، دولتی و مبادلات داخلی و خارجی هستند، همچنین به عنوان عامل اجرای سیاست‌های پولی، نقش مهمی در ثبات اقتصادی دارند. لذا چنین به نظر می‌رسد که ارزیابی عملکرد بانک‌ها در کشور از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد. ارزیابی عملکرد بانک‌ها و شناسایی عوامل مؤثر بر سودآوری و میزان تأثیر آنها در مدیریت بانکی بسیار حائض اهمیت است. شناسایی این عوامل می‌تواند در تعیین نحوه برخورد با هر یک از عوامل سودآوری در راستای هدف‌گذاری برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای افزایش سودآوری به مدیریت کمک شایانی می‌نماید (خوش‌طینت و همکاران، ۱۳۹۵). از علل ارزیابی عملکرد بانک‌ها در سیستم اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. افزایش سود ناشی از عملیات بانکی
۲. بهبود شرایط محیط کار برای کارمندان
۳. بهبود کیفیت ارائه خدمات به مشتریان و افزایش رضایت آنها
۴. متعادل نمودن نیروی کار مطابق با وظایف محوله بانک‌ها
۵. مقایسه و تطبیق شاخص‌های مرتبط با استانداردهای جهانی
۶. ارتقا و بهبود سیاست‌های بانکداری نوین در شبکه بانکی کشور (ریاضت، ۱۳۸۱)

بنابراین می‌توان گفت دو مفهوم عمده نهفته در ساختار ارزیابی عملکرد عبارتند از:
۱. اثربخشی ۲. کارایی، هر سازمان برای آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود به ویژه در محیط‌های پویا نیازمند ارزیابی عملکرد که نتیجه یک عمل و مقایسه نتایج با چند الگو یا مرجع انتخاب شده یا تحمیل شده داخلی یا خارجی است، می‌باشد و مدیریت سازمان از آن برای حفظ یا تغییر الگوهای رفتاری و فعالیت‌های سازمان استفاده می‌کند (نورانی و عبادی، ۱۳۹۸).

با توجه به این که سودآوری یکی از کارکردهای مهم بانک‌ها به عنوان واسطه مالی می‌باشد و از آن جایی که یک بانک سودآور توان بیشتری را برای مقابله با شوک‌های منفی بازار دارد، لذا توجه به شاخص سودآوری به عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد در بانک‌ها و اهمیت نقش آن در تصمیم‌های مرتبط با نحوه تجهیز منابع، تأمین مالی و همچنین چگونگی تخصیص منابع، ضروری است (شریعت‌زاده و شعبان‌زاده، ۱۳۹۵).

بر اساس تحقیقات انجام شده توسط آنتونیو تروگیلو پونز عوامل مؤثر بر سودآوری بانک به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه اول معیارهای سودآوری مختص به هر بانک (عوامل درونی) می‌باشد و نتیجه مستقیم تصمیم‌های مدیریت این بانک‌هاست، این معیارها شامل ساختار دارایی‌ها، کیفیت دارایی‌ها، سرمایه، ساختار سرمایه، کارایی، اندازه و تنوع درآمدی می‌باشد. گروه دوم (عوامل بیرونی) شامل فاکتورهای سودآوری مربوط به ساختار صنعت و محیط کلان اقتصادی می‌باشد که شامل تمرکز صنعت، رشد اقتصادی، تورم و نرخ بهره است.

بهترین راه برای اندازه‌گیری سودآوری یا ارزیابی عملکرد بانک، محاسبه نرخ بازده دارایی‌ها (رابطه بین حجم دارایی‌های شرکت و سودآوری را تعیین می‌کند) و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام است (بازگیر، ۱۳۸۴). در سطح جهانی نیز شاخص‌های تعریف شده و معینی برای مقایسه به کار گرفته می‌شود و استانداردهایی نیز برای آنها تدوین شده است که در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲- ارزیابی عملکرد بانک‌ها

بازده دارایی	
بازده سرمایه	
نسبت سودحاشیه‌ای خالص	نسبت‌های سودآوری
نسبت هزینه	
نسبت هزینه‌های غیربهره‌ای	
نسبت حقوق صاحبان سهام بر کل دارایی‌ها	
نسبت کفایت سرمایه	نسبت‌های سرمایه
نسبت Tier1	
نسبت خالص وام بر کل دارایی‌ها	
نسبت دارایی‌های جاری بر کل سپرده‌ها و استقراض‌ها	نسبت‌های نقدینگی
نسبت سپرده بر کل دارایی‌ها	

هر چند انواع زیادی از نسبت‌های مالی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها وجود دارد، ولی نتایج ارزیابی‌ها می‌تواند با توجه به تفاوت نسبت‌ها متفاوت باشد. ارزیابی عملکرد سازمان‌ها یکی از مهم‌ترین مسائلی است که فکر مدیران را به خود درگیر کرده است و یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری در سازمان‌هاست. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مالی از نسبت‌های مالی که بر پایه اطلاعات ترازنامه، صورت حساب سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد تهیه شده است، استفاده می‌شود. در میان تمام نسبت‌های مالی که توانایی سودآوری و کارایی شرکت را به خوبی نشان می‌دهد (مجتهد، ۱۳۸۷).

۱. نسبت بازده دارایی‌ها (ROA) (میزان سودی است که شرکت از هر واحد از دارایی‌هایش بوجود می‌آورد) است که از تقسیم سود خالص شرکت (درآمد) به کل دارایی‌ها به دست می‌آید و بیان می‌کند، مدیریت شرکت و در کل آن مجموعه تا چه حد توانسته‌اند با پولی که سرمایه‌گذاران بابت خرید سهام شرکت پرداختند، در جهت ایجاد سود استفاده کنند (خوش‌طینت و همکاران، ۱۳۹۵).

۲. بازده حقوق صاحبان سهم (ROE) (از متوسط سهم سهامداران تقسیم بر درآمد خالص بدست می آید)، به عنوان معیار ارزیابی کارایی مدیریت بانک در رابطه با استفاده از دارایی های بانک برای بدست آوردن سود محسوب می شود و بصورت درصد مشخص می گردد و در صورتی که درآمد خالص و دارایی هر دو اعدادی مثبت باشند، می تواند برای هر بانکی محاسبه گردد (سید نژاد فهیم، ۱۳۸۳).

برای بیان تفاوت این دو نرخ می توان گفت که نرخ بازده دارایی ها برای مقایسه کارایی سازمان های مشابه در یک نوع صنعت مناسب می باشد. هرچه این شاخص بالاتر باشد وضع بانک بهتر است. در صورتی که بازده حقوق صاحبان سهم معرف این است که تا چه حد یک بانک توانسته از دریافتی های مجددا سرمایه گذاری شده خود، برای ایجاد درآمد اضافه، استفاده درست بکند به عبارتی دیگر این شاخص کارایی یک بانک و توانایی آن را در کسب سود از محل منابع سهام داران نشان می دهد.

اطمینان از ثبات نسبی تورم و تولید ناخالص ملی، رافع نگرانی بانک ها در معنای عام است. نااطمینانی تورم و تولید ناخالص داخلی به عنوان بارزترین شوک ها باعث نوسانات فعالیت های اقتصادی شده، نابسامانی ایجاد می نماید و در نتیجه سرمایه گذاری، پس انداز، نرخ بهره و ... تحت تأثیر قرار گرفته و از این طریق بر دارایی ها و بدهی های مؤسسات پولی و مالی تأثیر می گذارند و بدین ترتیب آنها را از اهداف سودآوری خود دور می نمایند. لذا شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر روند منابع و مصارف و به تبع آن سود بانک هاست. بانک ها نیز به عنوان مؤسسات مالی، نقش حساسی در اقتصاد کشور ایفا می نمایند.

ارتباط بین نوسانات سیکل های تجاری و سودآوری بانک ها برای ارزیابی و ثبات بخش مالی و بانکی از اهمیت خاصی برخوردار است، شرایط اقتصاد کلان می تواند بر فعالیت بانک ها تأثیرگذار باشد و این امر نیز به نوبه خود می تواند سایر بخش های اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد. شرایط اقتصاد کلان و دخالت های دولت و بانک مرکزی در اقتصاد به همراه

تحلیل اثر بی ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک های پذیرفته شده... / عادل و دیگران ۱۰۳

ادوار تجاری که در بستر اقتصاد جهانی شکل می گیرد، می تواند باعث تحریک سودآوری بانک ها و گیرندگان انفرادی وام ها شده و سودآوری بانکی را تحت تأثیر قرار دهد. در در این شرایط، تخمین یک مدل اقتصادی مناسب که از مطالعات گذشته استفاده کند، به درک بهتر از روابط بین شرایط اقتصاد کلان بر روی سوددهی بانکی کمک می نماید.

۳- پیشینه پژوهش

جدول ۳- پیشینه داخلی پژوهش

نام محقق و سال	عنوان	نتایج
امیری (۱۳۹۷)	بررسی ارزیابی کارایی بانک های منتخب در ایران و ارتباط آن با متغیرهای درون بانکی و کلان اقتصادی	به طور میانگین، کارایی بانک های دولتی ۸۷٪، کارایی بانک های خصوصی ۹۴٪، کارایی بانک های دولتی خصوصی شده ۹۸٪ است. نااطمینانی نوسانات نرخ ارز و تورم تأثیر منفی بر کارایی بانک های ایران دارد. همچنین نرخ تورم و تغییرهای نرخ ارز نیز بر کارایی بانک های ایران رابطه منفی و معناداری دارد.
اینالو و اشعری (۱۳۹۶)	عوامل مؤثر بر عملکرد بانک ها طی سال های ۱۳۸۴-۱۳۹۳	ساختار دارایی ها و تنوع درآمدی، رشد اقتصادی و تورم با سودآوری بانک ها رابطه مثبت و سرمایه، ساختار مالی، اندازه، رقابت بانکی و نرخ بهره با سودآوری رابطه منفی وجود دارد. در نهایت هیچ ارتباطی بین کیفیت دارایی ها و کارایی ها و عوامل سودآوری بانک ها مشاهده نشد.
نادری بنی و عنایتی (۱۳۹۴)	تأثیر متغیرهای کلان بر سودآوری در بانک های ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ با استفاده از روش داده های تابلویی	اثر متغیرهای کلان اقتصادی نرخ تورم، شاخص قیمت مسکن و نرخ ارز بر متغیر وابسته حاشیه سود منفی و معنادار است.
صحتی (۱۳۹۰)	تأثیر نااطمینانی شاخص های اقتصاد کلان بر عملکرد اعتباری بانک ها (مطالعه موردی: ایران) طی سال های ۱۳۸۳-۱۳۸۸	نااطمینانی مبتنی بر شاخص های بهای مصرف کننده و شاخص بهای تولیدکننده تأثیر معناداری بر عملکرد اعتباری بانک ها دارند.

جدول ۴- پیشینه خارجی پژوهش

محقق و سال	عنوان	نتایج
(لوران ^۱ ۲۰۱۹)	تأثیر سودآوری بانک بر رشد اقتصادی در طول دوره ۱۹۹۹-۲۰۱۳ با استفاده از روش رگرسیون‌های گشتاور تعمیم یافته GMM ^۲	که رابطه مثبتی بین سودآوری بانک و رشد اقتصادی در کوتاه مدت وجود دارد، اما در بلندمدت تأثیری نخواهد داشت و این یافته‌ها نسبت مقیاس‌های جایگزین، مشخصات و زمان مقاوم هستند.
رشید و جابن ^۳ (۲۰۱۶)	عوامل مؤثر بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی و متعارف پاکستان براساس داده‌های پنل سالانه ۲۰۱۲ تا ۲۰۰۶	کارایی عملیاتی، ذخایر و هزینه سربار عامل تعیین کننده در بانک‌های متعارف هستند همچنین اثر تولید ناخالص داخلی و نرخ بهره بر عملکرد بانک‌های متعارف و اسلامی منفی است. همچنین نشان می‌دهد که پیشرفت‌ها در شیوه‌های مدیریت کلی و استانداردهای جدید در کارایی عملیاتی و مدیریت ریسک مالی برای ارتقای عملکرد بانک‌ها ضروری است.
روزلین ^۴ (۲۰۱۵)	بررسی تأثیر اصلاحات مالی بر عملکرد سازمانی بانک‌ها در نیجریه بین طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۱۹۹۵ با استفاده از روش داده‌های پنل	ویژگی‌های داخلی بانک تأثیر مثبت بر سودآوری و سطح بهره‌وری بانک‌ها را دارند. در حالی که ساختار صنعت به طور مثبت اثر معناداری بر سودآوری و کارایی بانک‌های نیجریه ندارد.
گتاچو ^۵ ۲۰۱۵	تحقیقی که بین بانک‌های نمونه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ با استفاده از روش پنل دیتا	که نرخ ارزش اثر مثبت و معنادار بر روی سودآوری بانک‌ها و رشد تسهیلات بانک‌ها داشته اما اثر معنادار منفی بر بازده سرمایه بانک‌ها دارد و همچنین اثر تولید ناخالص داخلی را روی سودآوری بانک‌ها مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که بین آنها اثر مثبت و غیر معناداری وجود دارد اما بین نرخ بهره واقعی و سودآوری بانک‌ها اثر منفی و معنادار وجود دارد.

1. Laurent
2. Generalized Method of Moments
3. Rashid & Jabeen
4. Sikiru O Ashamu
5. Getachew

تحلیل اثر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده... / عادل‌ی و دیگران ۱۰۵

<p>رشد اقتصادی رابطه معناداری با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نرخ بازده دارایی‌ها دارد اما در مورد هزینه بهره‌وری بانک صدق نمی‌کند.</p>	<p>بررسی رابطه بین عملکرد بانک و رشد اقتصادی براساس علیت گرنجر در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸</p>	<p>فریرا^۱ (۲۰۱۳)</p>
<p>سرمايه و کیفیت دارایی‌ها رابطه معکوس با سودآوری بانک دارند، درحالی‌که نقدینگی و کارایی عملیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارند. همچنین متغیرهای اقتصاد کلان نیز اثر مثبت بر سودآوری بانک دارند.</p>	<p>تأثیر ویژگی‌های خاص بانک و نیز شاخص‌های اقتصاد کلان را روی سودآوری بانک‌های اسلامی مالزی در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸</p>	<p>واسیوزامان^۲ (۲۰۱۲)</p>

۴- روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه برای محاسبه بازده دارایی‌ها از صورت حساب‌های سود و زیان و ترازنامه بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و برای متغیر رشد اقتصادی و شاخص قیمت مصرف‌کننده از آمارها و داده‌ها بخش حساب‌های ملی منتشرشده توسط بانک مرکزی استفاده شده است.

متغیر بازده دارایی بانک‌ها: داده‌های پانل (تابلویی) بازده دارایی‌های بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ که از تقسیم سود عملیاتی بر دارایی‌های کل بدست آمده است. که بانک‌ها برحسب حروف الفبا ۱۷-۱ شماره‌گذاری شده‌اند. متغیر بی‌ثباتی رشد اقتصادی: از تقسیم مقدار متغیر رشد اقتصادی برای هر سال منهای کمترین داده رشد اقتصادی بر بیشترین داده رشد اقتصادی منهای کمترین داده رشد اقتصادی محاسبه شده است.

متغیر رشد اقتصادی: میزان رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه سال ۱۳۹۰.

متغیر تورم: درصد تغییر در شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷.

1. Ferreira
2. Vasiue Zaman.

در تحقیق حاضر داده‌ها در ۲ بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در بخش آمار توصیفی، جامعه آماری و نمونه آماری با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی) از جمله میانگین، نما، می‌انه و انحراف استاندارد و نمودارها توصیف خواهد شد. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و با توجه به اهداف تحقیق از مدل زیر استفاده می‌کنیم:

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 GGDP_{it} + \beta_2 UGGDP_{it} + \beta_3 infP_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در این مدل متغیر وابسته عبارت است از ROA که نشان‌دهنده بازده دارایی‌های بانک می‌باشد و متغیرهای مستقل نیز عبارت است از GGDP^۱ هم‌نشان‌دهنده رشد تولید ناخالص داخلی و UGGDP^۲ بیانگر میزان بی‌ثباتی رشد تولید ناخالص داخلی و inf^۳ شاخص تورم می‌باشد.

بعد از بررسی پایایی متغیرها، روش‌هایی که استفاده شده‌اند، پس از تأیید نتایج فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار گرفته و نتایج در قالب یک مدل رگرسیونی تخمین زده می‌شود. البته با توجه به اینکه داده‌های این تحقیق به صورت تابلویی (پانل) هستند، آزمون‌های اف لیمر (چاو) و هاسمن برای تشخیص اینکه مدل رگرسیونی با اثرات ثابت است یا تصادفی انجام می‌گردد. قابل ذکر است که جهت آزمون فرضیات در این پژوهش از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ استفاده شده‌است.

۵- آماره‌های توصیفی

آمار توصیفی بیانگر اطلاعاتی در مورد پارامترهای مرکزی و پراکندگی داده‌های تحقیق است. در یک جمع‌بندی، با استفاده مناسب از آمار توصیفی می‌توان ویژگی‌های یک دسته از اطلاعات را بیان کرد و علاوه بر فهم بهتر نتایج یک آزمون، مقایسه نتایج آن آزمون را با آزمون‌ها و مشاهدات دیگر نیز تسهیل نمود.

-
1. Gross Gross Domestic Product
 2. Instability Gross Domestic Product
 3. Inflation

تحلیل اثر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده... / عادل‌ی و دیگران ۱۰۷

جدول ۵- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیرها	ROA	GGDP	UGGDP	INF
میانگین	1/131283	0/017275	0/555455	0/187230
میانه	0/970000	0/015355	0/590000	0/139776
بیشترین مقدار	5/350000	0/059046	1/000000	0/347316
کمترین مقدار	-5/560000	-0/030912	0/000000	0/090346
انحراف معیار	1/524553	0/026634	0/301696	0/094953
چولگی	-0/457532	-0/204572	-0/531913	0/582600
کشیدگی	6/291835	2/068143	2/369340	1/657025
تعداد مشاهدات	187	187	187	187

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۵ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود در جدول فوق بین بازده دارایی‌های بانک‌ها تفاوت چشمگیری وجود دارد. به طوری که بیشترین بازده دارایی‌ها ۵/۳۵۰۰۰۰ مربوط به بانک دی در سال ۱۳۹۰ است و کمترین مقدار آن ۵/۵۶۰۰۰۰- مربوط به بانک دی در سال ۱۳۹۶ است. متوسط بازده دارایی‌ها بانک‌ها ۱/۱۳۱۲۸۳ است. همچنین بیشترین رشد اقتصادی معادل ۰/۵۹۰۴۶ مربوط به سال ۱۳۸۹ می‌باشد و کمترین مقدار آن ۰/۰۳۰۹۱۲- برای سال ۱۳۹۴ می‌باشد و متوسط رشد تولید ناخالص داخلی معادل ۰/۱۷۲۷۵ است. و بیشترین بی‌ثباتی رشد اقتصادی مربوط به سال ۱۳۹۶ معادل ۱/۰۰۰۰ است و کمترین بی‌ثباتی رشد اقتصادی مربوط به سال ۱۳۸۷ معادل ۰/۰۰۰ است. و متوسط بی‌ثباتی رشد اقتصادی معادل ۰/۵۵۵۴۵۵ است. بیشترین نرخ تورم مربوط به سال ۱۳۹۲ معادل ۰/۳۴۷۳۱۶ است و کمترین نرخ تورم مربوط به سال ۱۳۹۵ معادل ۰/۰۹۰۳۴۶ است. و متوسط نرخ تورم معادل ۰/۱۸۷۲۳۰ است.

۶- آزمون ریشه واحد (مانایی)

با توجه به اینکه در جدول ۵ مقدار احتمال آزمون‌های ریشه واحد در تمامی حالات فوق کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نتیجه گرفته می‌شود این متغیرها مانا (پایا) می‌باشند. بدین ترتیب بدون هیچ‌گونه نگرانی بابت رخ دادن رگرسیون کاذب می‌توان مدل را برآورد نمود.

جدول ۶- نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای تحقیق

نام متغیر	مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه	آزمون
ROA	-۹/۴۱۸۴۹	۰/۰۰۰۰	مانا	Lin & Chu t*,Levin
GGDP	۹۱۰۲۳/۸-	۰/۰۰۰۰	مانا	*Lin & Chu t,Levin
UGGDP	۳۳۲۵۱/۹-	۰/۰۰۰۰	مانا	*Lin & Chu t,Levin
INF	-۵/۰۹۷۲۲	۰/۰۰۱۰	مانا	Lin & Chu t*,Levin

منبع: یافته‌های پژوهش

۷- بررسی همخطی متغیرهای توضیحی و مستقل

یکی از فروض رگرسیون نداشتن هم خطی بین متغیرهای توضیحی در مدل است، لذا قبل از برآورد مدل، این مساله با محاسبه ماتریس همبستگی در جدول ۷ کنترل می‌شود.

جدول ۷- ماتریس همبستگی بین متغیرهای توضیحی

ضریب همبستگی				مقدار احتمال معنی داری
INF	UGGDP	GGDP	ROA	
۰/۱۴۳۴۰۸	۲۱۵۲۹۲/۰-	۰۷۱۰۷۳/۰	۱	ROA
۴۱۶۶۳۴/۰-	۰۷۸۵۱۵/۰-	۱	۰/۰۷۱۰۷۳	GGDP
۱۵۲۱۰۳/۰	۱	۰۷۸۵۱۵/۰-	۲۱۵۲۹۲/۰-	UGGDP
۱	۱۵۲۱۰۳/۰	۴۱۶۶۳۴/۰-	۰/۱۴۳۴۰۸	INF

منبع: یافته‌های پژوهش

قطر اصلی همبستگی برابر ۱ است. زیرا ضریب همبستگی هر متغیر با خودش برابر ۱ خواهد بود سایر عناصر ضریب همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد. هرچه اعداد به

تحلیل اثر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده... / عادل‌ی و دیگران ۱۰۹

۱+ و ۱- نزدیک‌تر باشد گفته می‌شود که متغیرها رابطه قوی باهم دارند. بیشترین ضریب همبستگی به ترتیب بین متغیر تورم و رشد اقتصادی و متغیر بازده دارایی‌ها و بی‌ثباتی رشد اقتصادی است که دارای رابطه منفی می‌باشد. همچنین بیشترین ضریب همبستگی مثبت بین متغیرهای تورم و بی‌ثباتی رشد اقتصادی و بعد متغیر بازده دارایی‌ها و تورم می‌باشد.

۸- بررسی مدل تجمیعی یا پانل

مدل پانل را نیز می‌توان به دو طبقه تقسیم نمود: اگر عرض از مبدأهای متفاوت مدل‌های پانلی با متغیرهای توضیحی مدل رگرسیون، همبستگی معنی‌داری داشته باشند (و به صورت تصادفی تعیین نشوند) گفته می‌شود الگو از نوع اثرات ثابت است. چنانچه عرض از مبدأهای متفاوت الگوهای پانلی با متغیر توضیحی مدل رگرسیون، همبستگی معنی‌داری نداشته باشند (و به صورت تصادفی تعیین شوند)، گفته می‌شود الگو از نوع اثرات تصادفی است. بدین منظور آزمون اف لیمر یا چاو در نرم‌افزار اجرا می‌شود.

۸-۱ آزمون اف لیمر

در این آزمون، فرضیه H_0 یعنی یکسان بودن عرض از مبدأها در مقابل فرضیه H_1 یعنی ناهمسانی عرض از مبدأها قرار می‌گیرد. در صورتی که فرضیه H_0 پذیرفته شود. استفاده از مدل رگرسیون ترکیب شده (تجمیعی) مورد تأیید آماری قرار می‌گیرد و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش داده‌های پولد (یا تجمیعی) مورد آزمون قرار خواهد گرفت. اما در صورت رد فرضیه H_0 روش داده‌های پانل پذیرفته می‌شود و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش داده‌های پانل آزمون می‌شود.

جدول ۸- نتیجه آزمون تشخیص بین داده‌های پنلی و تلفیقی

نوع آزمون	مقدار آماره t	مقدار احتمال	نتیجه
.	۷۱۲۵۹۵/۵	۰/۰۰۰۰	مدل پانل (دارای اثرات ثابت یا تصادفی) است

منبع: یافته‌های پژوهش

از آنجایی که در جدول ۸ مقدار احتمال آزمون لیمر کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، الگوی مناسب برای برآورد مدل مورد بررسی، دارای اثرات ثابت یا اثرات تصادفی بوده است.

۸-۲ آزمون هاسمن

در این آزمون، تأیید فرض H_0 به معنای برتری مدل با اثرات تصادفی است (بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود ندارد) و تأیید فرض H_1 به معنای برتری مدل با اثرات ثابت (بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد) است.

جدول ۹- نتیجه آزمون هاسمن

نوع آزمون	مقدار آماره کای اسکوئر	مقدار احتمال	نتیجه
آزمون هاسمن	۰/۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰	آزمون قادر به تشخیص نمی باشد.

منبع: یافته‌های پژوهش‌گر

چون در جدول ۹ احتمال برابر یک است، آزمون هاسمن قادر به تشخیص این که مدل دارای اثرات ثابت یا تصادفی است نمی باشد، لذا باید از روش جایگزین که بررسی سهم خطاها است استفاده کرد که با توجه به این که در جدول ۱۰ احتمال آزمون جدول زیر بالای ۰/۰۰۵ می باشد. مدل دارای اثرات ثابت است.

جدول ۱۰- بررسی سهم خطاها

نوع آزمون	S. D	Rho
Cross-section random	۰/۸۵۵۸۶۹	۰/۳۲۰۳
Idiosyncratic random	۲۴۶۷۴۴/۱	۶۷۹۷/۰

تحلیل اثر بی ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک های پذیرفته شده... / عادل و دیگران ۱۱۱

۹- برآورد مدل

جدول ۱۱- مدل رگرسیونی

مدل	ROA =			
نام متغیر	$\beta_0 + \beta_1 GGD P_{it} + \beta_2 UGD P_{it} + \beta_3 INF_{it} + \varepsilon_{it}$			
	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره t	مقدار احتمال
GGDP	۳۳۰۳۶۳/۷	۲/۰۳۰۸۳۹	۳/۶۰۹۵۲۴	۰/۰۰۰۴
UGGDP	-۰/۳۰۵۳۷۵	۰/۲۰۰۱۴۰	-۶/۵۲۲۳۱۳	۰۰۰۰/۰
INF	۲/۹۰۸۳۸۹	۰/۵۹۳۹۸۶	۴/۸۹۶۳۹۵	۰۰۰۰/۰
C	۱/۲۷۶۱۲۲	۰/۱۷۷۱۳۳	۷/۲۰۴۳۳۰	۰۰۰۰/۰
ضریب تعیین	۵۸۶۴۵/۰			
ضریب تعیین تعدیل شده	۵۳۴۰۶۷/۰			
آماره دوربین - واتسون	۲۱۰۹۴۸/۱			
مقدار آماره F	۱۹۵۴۱/۱۱			
معنی داری کل مدل	۰/۰۰۰۰۰۰			

منبع: یافته های پژوهش

در جدول ۱۱ مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۵۸۶۴۵ است که نشان می دهد مدل برازش قابل قبولی ارائه داده است. ضمناً مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۱ برابر ۰/۵۳۴۰۶۷ می باشد، که براساس آن می توان گفت این مدل بیش از ۵۳ درصد تغییرها در متغیر وابسته یعنی ROA را تبیین نموده است.

1. Adjusted R-squared

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تخمین الگو نشان داد در بین نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها و بی‌ثباتی رشد اقتصادی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش یک درصدی بی‌ثباتی رشد اقتصادی کاهش نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها در حدود ۱/۳۰ نشان می‌دهد.

عوامل گوناگونی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم سود بانک را تحت تأثیر قرار دهد یکی از آن عوامل تولید ناخالص داخلی است. کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولید شده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند. ارتباط بین رشد تولید ناخالص داخلی با سودآوری بانکی به طور خلاصه بدین صورت است که با بهبود شرایط اقتصادی تقاضای تسهیلات توسط خانوارها و بنگاه‌های تولید افزایش یافته و در نتیجه شرایط مالی قرض دهندگان بانک‌ها از محل سود حاصل از بازپرداخت تسهیلات بهبود یافته و به عبارت دیگر سودآوری بانکی افزایش می‌یابد (نظریان و امینی، ۱۳۹۱) در نتیجه سودآوری بانک‌ها با رشد اقتصادی رابطه مثبت و معناداری دارد. به طوری که با افزایش یک درصدی رشد اقتصادی نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها ۷/۳۳ افزایش می‌یابد.

با توجه به شرایط حاد تورم اقتصاد ایران و بالا بودن انتظارات تورمی، مدیریت بانک‌ها در افزایش سود مورد انتظار خود پیش‌دستی نموده و نرخ سود خود را متناسب با تورم پیش‌بینی شده تعدیل می‌نمایند و این مورد منجر به تأثیر مثبت بر سودآوری بانک‌ها می‌گردد. نتایج حاصل از تخمین الگو نشان داد بین نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها و شاخص تورم رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش یک درصدی شاخص تورم نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها ۲/۹۰ افزایش می‌یابد.

فرضیه این تحقیق بین نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها و بی‌ثباتی رشد اقتصادی رابطه منفی و معناداری وجود با توجه به نتایج پژوهش بی‌ثباتی نرخ رشد اقتصادی تأثیر منفی و

تحلیل اثر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده... / عادل‌ی و دیگران ۱۱۳

معنادار بر بازده دارایی بانک‌ها در ایران دارد. همچنین رشد اقتصادی و تورم اثر مثبت معنادار بر بازده دارایی بانک‌ها در ایران دارند.

باتوجه به اهمیت بی‌ثباتی رشد اقتصادی و تأثیر آن بر عملکرد بانک‌ها براساس شاخص سوآوری بررسی رابطه و تعیین میزان تأثیر این مؤلفه‌ها ضروری به نظر می‌رسد، برنامه‌ریزان کشور ثبات اقتصادی را به عنوان هدفی مهم برای رسیدن عملکرد مثبت و روبه رشد بانک‌ها در اقتصاد در نظر بگیرند. چرا که ثبات رشد اقتصادی یک مساله بسیار مهم در اقتصاد کشورها است و زیربنای اصلی افزایش اشتغال، کاهش تورم و توسعه اقتصادی است و همچنین سودآوری بیشتر بانک‌ها به بانک‌ها اجازه ایجاد وجوه برای اعطای اعتبارات بیشتر به اقتصاد را می‌دهد. بی‌ثباتی رشد اقتصادی ناشی از شوک‌های بخش‌های مختلف اقتصاد می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر سودآوری نظام بانکی، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، مطالبات معوق و ریسک اعتباری بانک‌های تجاری و دولتی داشته باشد

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

امیری، حسین. (۱۳۹۷). ارزیابی کارایی بانک‌های منتخب در ایران و ارتباط آن با متغیرهای درون بانکی و کلان اقتصادی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، تابستان، ۷(۶۲)، ۹۸-۱۱۱.

اینالو، عفت.، و اشعری، الهام. (۱۳۹۶). عوامل بر سودآوری بانک‌ها، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۵۴)، ۱۳۴-۱۱۳.

بازگیر، محمدرضا. (۱۳۸۴). رابطه بین نرخ بازده دارایی‌ها و نرخ تورم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه ارشد حسابداری، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، مازندران، ایران.

حیدری، هادی.، و صابریان، نیلی. (۱۳۹۰). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ترازنامه بانک‌ها با رویکرد آزمون تنش، بیست و یکمین همایش سالانه پژوهشکده پولی و بانکی، ۳(۸)، ۴۳-۸۶.

خلیلی عراقی، منصور.، و رمضان‌پور، اسماعیل. (۱۳۸۰). اهمیت محیط بایانات اقتصاد کلان، مجله تحقیقات اقتصادی، بهار و تابستان، ۲۶(۱)، ۲۸-۱.

خوش طینت، محسن.، تقوی فرد، محمد تقی.، و نوبری، نوشین. (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل عملکرد مالی بانک‌های خصوصی کشور، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۲(۳)، ۱۱۳-۱۳۸.

دژپسند، فرهاد. (۱۳۸۴). عوامل موثر بر رشد اقتصادی ایران، پژوهشنامه اقتصادی، ۵(۱۸)، ۴۷-۱۳.
ریاضت، فرهاد. (۱۳۸۱). ارزیابی عملکرد بانک‌ها از طرح تا عمل، پژوهشنامه اقتصادی، ۲(۵)، ۱۶۷-۱۳۵.

زمان‌زاده، حمید. (۱۳۹۶). طرح تحول نظام بانکی از شناسایی ریشه معضلات تا ارائه راهبرد اصلاحی، پژوهشکده پولی و بانکی، ۸(۱۳۰)، ۱۲-۱.

- تحلیل اثر بی ثباتی رشد اقتصادی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده... / عادل و دیگران ۱۱۵
- سید نژاد فهیم، سید رضا. (۱۳۸۳). شاخص‌های سودآوری شرکت‌ها، مجله دانش حسابرسی، ۱۴(۴)، ۵۴-۶۰.
- شریعت زاده، ایرج.، و شعبان زاده، زمردیان. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های موثر بر سودآوری بانک‌های تجاری ایران با استفاده از الگوی پنل ARDL، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۲۹(۲۹)، ۱۵۱-۱۷۱.
- صحتی، الهام. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ناطمینانی شاخص‌های اقتصاد کلان بر عملکرد اعتباری بانک‌ها (مطالعه موردی: ایران) در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۳، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۴)، ۲۱-۱.
- صلاحی، جواد.، و خادمی، سیدرضا. (۱۳۹۵). تأثیر ناطمینانی تولید ناخالص داخلی و تورم بر منابع و مصارف بانک ملی ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۰(۳۷)، ۴۲-۱۷.
- عباس قلی پور، محسن. (۱۳۸۹). عنوان عوامل موثر بر بهبود عملکرد بانک‌ها، مجله بانک و اقتصاد، ۱۰۶(۱)، ۳۵-۲۴.
- عیسی زاده، سعید.، و شاعری، زینب. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر وضعیت ثبات کلان اقتصادی بر کارایی نظام بانکی: مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، دو فصلنامه اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق)، دوره جدید، ۱۹(۳)، ۵۳-۸۶.
- کیانی، کامبیز.، حسین زاده نیستانی، جواد.، رحمانی، تیمور.، مهرآرا، محسن. (۱۳۹۸). «تأثیر نرخ رشد اقتصادی بر نرخ واقعی بیکاری و نایرو در استان‌های کشور»، پژوهشنامه‌های اقتصاد کلان، ۱۴(۲۸)، ۸۴-۶۱.
- مجتهد، احمد. (۱۳۸۷). خصوصی سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر عملکرد نظام بانکی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی.
- موسوی جهرمی، یگانه.، غفاری، هادی و جلومی، مهدی. (۱۳۹۷). بی ثباتی اقتصادی و رشد اقتصادی بخش‌های عمده اقتصاد کلان: رهیافت تحلیل مؤلفه‌های اصلی، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۸(۳۱)، ۲۸-۱۳.

مشهدی یان ملکی، محمدرضا، میرزایی، حسین، فلیحی، نعمت. (۱۳۹۱). تأثیر نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ ارز و تورم) بر روی ریسک اعتباری مشتریان حقوقی بانک تجارت، فصلنامه اقتصاد مالی، بهار، ۶(۱۸)، ۱۱۳-۱۳۷.

نادری بنی، محمود، عنایتی. (۱۳۹۴). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر سودآوری بانک‌های ایران: دوره پنج ساله مالی ۱۳۸۸-۱۳۹۹، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع، ۱-۱۲.

نظریان، رافیک، محرابیان، آزاده، و مرادی، برژانگ. (۱۳۹۶). بررسی اثر چرخه‌های اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها در ایران مطالعه موردی بانک ملی ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۱(۴۰)، ۱۱۷-۱۳۸.

نورانی، سید محمدرضا، و عبادی، مرتضی. (۱۳۹۸). ارزیابی عملکرد بانک‌های تجاری ایران: روش الگوریتم بوت استرپ، پژوهشنامه‌های اقتصاد کلان، ۱۴(۲۹)، ۱۶۹-۱۹۸.

الف-۲: انگلیسی

Ferreira, C. (2013). Bank performance and economic growth: evidence from Granger panel causality estimations.

Getachew, T. (2015). The Impact of Exchange Rate On the Profitability of Commercial Banks in Ethiopia, Addis Ababa University.

Laurent, W., & Paul-Olivier, K. (2019). Bank Profitability and Economic Growth, All content following this page was uploaded by Paul-Olivier Klein on 27 February.

Roseline O. Oluitan (2015). The effect of recapitalization on bank performance in Nigeria. International finance and banking, (Corresponding author), Department of Banking & Finance, Lagos State University International Finance and Banking , No 2(1), PP 79-90.

Rashid, A., & Jabeen, S. (2016). Analyzing performance determinants: Conventional versus Islamic banks in Pakistan. Borsa Istanbul Review, No16(2), PP92-107.

Wasiuzzaman, S. (2012). Profitability of Islamic banks in Malaysia. Journal of Islamic economics, banking and finance

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم دولت جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر رفاه

رضا دادگر *

فاطمه شیرمحمدی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹

چکیده

امروزه دیپلماسی از نظر ماهوی و موضوعی گسترده شده و به انواع و گونه‌های مختلفی از جمله دیپلماسی اقتصادی دسته‌بندی می‌شود، در واقع دیپلماسی اقتصادی یک موضوع تعیین‌کننده در راهبرد اقدام هر کشور در سطح بین‌المللی برای تحقق منافع ملی است و همچنین یکی از ابزارهای مهم در پیشبرد اهداف بلند مدت رشد و توسعه اقتصادی کشورها به حساب می‌آید و بعنوان نقطه تلاقی دیپلماسی و فعالیت‌های اقتصاد ملی و بین‌المللی و فصل مشترک بین منافع اقتصاد ملی و سایر منافع سیاسی امنیتی و فرهنگی یک کشور در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهان تعبیر می‌گردد و

* استادیار معارف اسلامی، پردیس بحرالعلوم شهرکرد (برادران)، دانشگاه فرهنگیان، شهرستان شهرکرد، استان چهارمحال و بختیاری، ایران.

Email: dadgar.hs@cfu.ac.ir

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه قم، ایران.

Email: f.shirmohammadi@stu.qom.ac.ir

اثرات آن را می‌توان در وضعیت معیشتی، درآمدی و رفاه کشور مشاهده کرد به همین دلیل آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی در دوره سیزدهم دولت جمهوری اسلامی ایران ضرورت می‌یابد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخان‌های با استفاده از منابع، مآخذ، گزارش‌های رسمی و سایت‌های معتبر سامان یافته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این جریان دیپلماسی در دوره‌های قبلی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده که تأثیر مستقیمی روی رفاه در جمهوری اسلامی ایران داشته است. از نتایج این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که معادلات سیاسی در جهان امروز از محوریت غرب به سمت شرق در حال تغییر است و از جمله عناصر مهم در مدیریت کلان کشور با تأکید بر مسئله معیشت و رفاه توجه به زیرساخت و فرهنگ مورد نیاز جهت بهینه‌سازی دیپلماسی اقتصادی در دولت سیزدهم می‌تواند به شمار آید.

واژگان کلیدی: جریان‌شناسی؛ دیپلماسی اقتصادی؛ دوره سیزدهم دولت جمهوری اسلامی ایران؛ رفاه.

مقدمه

با توجه به پیشرفت، گسترش تکنولوژی و استفاده از علوم و فنون جدید و کم‌رنگ شدن مرزها و افزایش وابستگی کشورها به یکدیگر زمینه‌ساز اهمیت دیپلماسی و روابط بین‌کشورها می‌باشد که این امر موجب ضرورت کاهش تنش‌ها بین کشورهاست بدین ترتیب روابط سیاسی برای تمام کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در قبال دیگر کشورها اهمیت فراوانی می‌یابد که برای تحقق این امر مسیرهای متفاوتی وجود دارد که یکی از این‌ها دیپلماسی اقتصادی است. امروزه دیپلماسی از نظر ماهوی و موضوعی گسترده شده و به انواع و گونه‌های مختلفی از جمله دیپلماسی اقتصادی دسته‌بندی می‌شود (Sharp, et, al, 207 و Zirovcic, 2015)، در واقع دیپلماسی اقتصادی یک موضوع تعیین‌کننده در راهبرد اقدام هر کشور در سطح بین‌المللی برای تحقق منافع ملی است و همچنین یکی از ابزارهای مهم در پیشبرد اهداف بلند مدت رشد و توسعه اقتصادی کشورها به حساب می‌آید و بعنوان نقطه تلاقی دیپلماسی و فعالیت‌های اقتصاد ملی و بین‌المللی و فصل مشترک بین منافع اقتصاد ملی و سایر منافع سیاسی امنیتی و فرهنگی یک کشور در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهان تعبیر می‌گردد (پورا احمدی، ۱۳۸۸) و اثرات آن را می‌توان در وضعیت معیشتی، درآمدی و رفاه کشور مشاهده کرد که موضوع مورد تأکید اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست ساله و همچنین رهبر انقلاب است که در نامگذاری‌های سال‌های اخیر با عناوین مختلف اقتصادی آن را نشان داده‌اند به همین دلیل آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی در دوره سیزدهم دولت جمهوری اسلامی ایران ضرورت می‌یابد.

متعارف بودن به عنوان یک اصل تکمیلی و محدودکننده با پُرکردن خلأهای قرارداد، ابطال شروط غیرمنصفانه و محدود کردن قواعد قراردادی، ابزاری برای زدودن ابهام از قرارداد و اتخاذ تصمیم‌های منصفانه و برقراری عدالت قراردادی به‌شمار می‌رود. با لحاظ چنین اهمیتی، امروزه کمتر سند بین‌المللی را در زمینه حقوق قراردادها می‌توان یافت که به

این اصل حقوقی اشاره نکرده باشد.

ذوالفقاری و زینی‌وند در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خترجی ایران: (دولت‌های احمدی نژاد و روحانی)» با روش توصیفی-تحلیلی جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران در دولت‌های گذشته بخصوص دولت روحانی و احمدی نژاد بررسی کرده و چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو را بیان کرده است. ارغوانی پیرسلامی و غلامی در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر قوانین برنامه‌های توسعه: آسیب‌شناسی برنامه‌های چهارم تا ششم» نقاط ضعف حوزه دیپلماسی اقتصادی را در برنامه‌های توسعه به روش توصیفی-تبیینی انجام داده است که آسیب‌های ساختاری، فقدان تعاریف عملیاتی و دقیق، نبود هماهنگی در نهادهای دولتی و غیردولتی در متن قوانین توسعه مشکل ساز بوده است.

۱- جریان‌شناسی

جریان‌شناسی به بیان ساده «شناخت فرایند شکل‌گیری یک اندیشه با توجه به مبانی فیزیکی و متافیزیکی آن و بررسی تحولات اجتماعی اش» می‌باشد. با اینکه تعریفی مختصر است اما می‌توان شبکه‌ای از مفاهیم بهم پیوسته را برای درک بهتر جریان‌شناسی ارائه کرد (قائم‌نیا و موسوی‌ثمرین، ۱۳۹۰).



شکل ۱- مفاهیم پیرامونی جریان‌شناسی

۲- مفهوم دیپلماسی اقتصادی

برای دیپلماسی اقتصادی تا کنون تعاریف گوناگونی ارائه شده است که بر اساس برخی از این تعاریف، دیپلماسی اقتصادی یعنی هدایت روابط اقتصادی خارجی؛ اعم از تصمیم‌گیری‌ها در داخل و مذاکرات در عرصه خارجی و تأثیرات متقابل آنها. برخی نیز آن را فن ارتباط سیاست خارجی و اقتصاد داخلی دانسته‌اند (ارغوانی پیرسلامی و غلامی، ۱۳۹۷)؛ از دیدگاه این گروه، دیپلماسی اقتصادی یعنی به خدمت گرفتن سیاست خارجی در نیل به اهداف اقتصاد داخلی. از دیدگاهی دیگر، دیپلماسی اقتصادی، به مدیریت روابط اقتصادی بین دولت و دیگر کنشگران گفته می‌شود که توسط دولت یا عوامل غیرحکومتی هدایت می‌شود (Heydari & Alamdarim, 2012).

از دید رئالیست‌ها، دیپلماسی اقتصادی، ابزاری است در جهت تعمیم نتایج فرعی اقتصادی که از طریق آن قدرت سیاسی افزایش می‌یابد. در این میان، از نظر اغلب اقتصاددانان، دیپلماسی اقتصادی، به اقدامات رسمی دیپلماتیک اطلاق می‌شود که بر افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارند. به طور کلی، فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که تأیید کننده منافع اقتصادی کشور در سطح بین‌المللی باشند. این نوع دیپلماسی، در کل، جزئی از سیاست خارجی و کنش‌های بین‌المللی یک کشور به شمار می‌رود و از نزدیک در ارتباط با سایر بخش‌های کنش دیپلماتیک (سیاسی و عمومی) است. تشخیص مرز میان دیپلماسی سیاسی سنتی و دیپلماسی اقتصادی گاه دشوار است. بعلاوه، امروزه در کشورهایی قدرتمند اقتصادی مانند استرالیا، کانادا و بلژیک، وزارتخانه‌های امور خارجه و تجارت باهم ادغام شده‌اند که تأکیدی بر نزدیک شدن ماموریت این دو نهاد و مبهم شدن مرز میان آن دو گونه از دیپلماسی است (ارغوانی پیرسلامی و غلامی، ۱۳۹۷).

می‌توان دیپلماسی اقتصادی را تنظیم و پیشبرد سیاست‌های مرتبط با تولید، جابه‌جایی یا مبادله کالاها، خدمات، کار و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها تعریف کرد. یک مشخصه

متمایز دیپلماسی اقتصادی این است که بخشهای خصوصی برای تأثیرگذاری بر مذاکره و با هدف باقی ماندن در بازار رقابتی جهانی یا منطقه‌ای در فرایند سیاست‌گذاری مشارکت می‌کنند. سطوح عمل دیپلماسی اقتصادی در سه سطح دو سویه، منطقه‌ای و چند سویه است (هارون الرشید، ۱۳۸۵).

دیپلماسی اقتصادی یک موضوع تعیین‌کننده در راهبرد اقدام هر کشور در سطح بین‌المللی برای تحقق منافع ملی است. دیپلماسی اقتصادی به معنای فصل مشترک دیپلماسی و منافع اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی در واقع به مفهوم کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصاد و به کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشور می‌باشد و بدون روابط سیاسی مناسب با کشورها نمی‌توان روابط اقتصادی گسترده را انتظار داشت (طباطبایی، ۱۳۳۸). دیپلماسی اقتصادی به مجموعه ابزاری گفته می‌شود که برای ایجاد محیطی مناسب جهت رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد منافع اقتصاد ملی و منافع سیاسی هر کشور در سطح بین‌المللی، همچنین فن به کارگیری منافع و ابزار اقتصادی سیاسی است تا محیط اقتصادی و سیاسی مناسبی را برای ارتقای رشد و توسعه اقتصاد ملی فراهم آورد (شیخ عطار، ۱۳۸۵).

دیپلماسی به مفهوم استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز در تعقیب اهداف و منافع، دارای تاریخی با سابقه تمدن بشری است (حسنی، ۱۳۷۸). با توجه به آنچه به آنها اشاره شد می‌توان دریافت که مفهوم دقیقی برای دیپلماسی اقتصادی تعریف نشده است نقطه مشترک بین تعاریف را می‌توان استفاده از توانایی‌های بالقوه دیپلماسی در جهت تحقق اهداف اقتصادی کشور دانست.

۳- دیپلماسی اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران

در مقطع آغازین انقلاب، درخصوص بسیاری از مفاهیم مرتبط با سیاست خارجی اختلاف نظرهای سیاسی و فکری وجود داشت که باعث ضعف بسیار در سیاست خارجی ایران شد که نتیجه آن سردرگمی و ناکارآمدی در دستگاه دیپلماسی کشور شد به گونه‌ای که باعث

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم... / دادگر و شیرمحمدی ۱۳۳

تعطیلی سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های ایران در بسیاری از کشورها جهان که برای سیاست و اقتصاد کشور تأثیرگذار بود گشت.

تا سال ۱۳۶۷ مدل اقتصادی ایران، اقتصاد برنامه ریزی شده دولتی بر پایه خودکفایی و خود اتکایی داخلی بود که برای دستیابی به استقلال اقتصادی بجای واردات بود در واقع اقتصاد بعنوان یک مفهوم و متغیر وابسته و فرعی مورد توجه بود و اساس تعاملات اقتصادی در اولویت‌های بعدی همچون دفاع و امنیت قرار داشت که موجب شده بود ماهیت اقتصاد، اقتصاد جنگی و ماهیت سیاست خارجی ماهیت دفاعی و امنیتی پیدا کند (ذوالفقاری و زینی‌وند، ۱۳۹۷).

در حالی که یکی از شاخصهای دیپلماسی اقتصادی، آزادی تجارت و بازگشایی اقتصاد در برابر ورود کالا و خدمات از کل جهان و نیز توانایی شهروندان در برقراری تعامل با دیگر شهروندان به عنوان خریداران و فروشندگان کالا و خدمات در بازار بین‌المللی است. محدودیت‌های تجاری در این چارچوب در امر تعرفه‌هایی است که بر روی صادرات و واردات کالاهای خارجی اعمال می‌گردد (دهقانی فیروز آبادی و مختار صالحی، ۱۳۹۱).

جدول ۱- دیپلماسی اقتصادی در دوران پس از جنگ تحمیلی (۱۴۰۰-۱۳۶۸)

ردیف	دوره	ریاست جمهوری	محور دوره	عناصر مهم دیپلماسی اقتصادی	رویکرد دیپلماسی اقتصادی	دستاورد دیپلماسی اقتصادی
۱	سازندگی	هاشمی رفسنجانی	گفتمان مصلحت محور	بهبود وجهه نظام در سطح جهانی، توجه به الزامات، منافع ملی و اولویت نسبی اهداف ملی بر فراملی، توسعه‌گرایی و اقتصادمحوری، تنش‌زدایی، عادی‌سازی روابط خارجی، چند جانبه‌گرایی و مشارکت فعال در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی	آزادسازی اقتصادی در داخل و تعامل گرابی	درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی سال ۱۳۷۷، پیوستن به گروه موسوم به دی هشت، فعال کردن همکاری‌ها در خزر و توسعه روابط اقتصادی با کشورهای تازه استقلال یافته، آسیای مرکزی و قفقاز

<p>گسترش روابط اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا و حوزه جنوبی خلیج فارس، فعال سازی کمیسیون‌های مشترک اقتصادی، تبادل هیأت‌های اقتصادی و انعقاد قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری بر زمینه توسعه صادرات کالاهای تجاری ایران، افزایش حجم تجارت خارجی غیرنفتی ایران طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ از حدود یک میلیارد دلار به بیش از هفت میلیارد دلار، میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به رقم ۳ / ۸ میلیارد دلار، پیگیری موافقتنامه تجارت و همکاری با اتحادیه اروپا، عملیاتی شدن کریدور شمال جنوب، پیگیری خطوط لوله استراتژیک انتقال گاز ایران به اروپا، هند، ارمنستان و ترکیه و طرح‌های سوآپ نفت و گاز از خزر</p>	<p>تنش‌زدایی فعال و اصلاحات داخلی،</p>	<p>جذب سرمایه خارجی، مسئله کاهش اتکا به نفت و افزایش صادرات غیرنفتی، اجرای سیاست جهش اقتصادی، صدور خدمات فنی و مهندسی</p>	<p>توسعه سیاسی و مردم سالاری دینی</p>	<p>محمد خاتمی</p>	<p>اصلاحات</p>	<p>۲</p>
<p>توقف مذاکرات با اتحادیه اروپا در قالب موافقتنامه تجارت و همکاری، کاهش سطح مناسبات اقتصادی با کشورهای توسعه یافته، اعمال تحریم‌های اقتصادی بی سابقه (به ویژه در امور انرژی، بانکی، بیمه‌ای و فن آوری)، ایجاد وقفه در روند مذاکرات الحاق به سازمان تجارت جهانی</p>	<p>تهاجمی و سیاسی - امنیتی</p>	<p>حضور فعال در فرآیندها، نهادها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تسهیل صدور خدمات فنی و مهندسی و گسترش حضور بخش خصوصی در خارج از کشور به ویژه آفریقا و آمریکای لاتین و کمک به دستگاه‌های اقتصادی برای مقابله با تحریم</p>	<p>اعتدال محور</p>	<p>محمود احمدی‌نژاد</p>	<p>اصول‌گرایی</p>	<p>۳</p>

۴	اصلاح طلب	حسن روحانی	تدبیر و امید	<p>حل و فصل موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌های هسته‌ای به منظور ایجاد فضای آرام و به دور از تنش برای پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی کشور، پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی و بهبود معیشت مردم در حوزه دیپلماسی اقتصادی، محوریت یافتن نقش وزارت امور خارجه در زمینه پیشبرد اهداف دیپلماسی اقتصادی، حل و فصل مشکلات منطقه‌ای و تقویت روابط با همسایگان در حوزه سیاسی، کمک به اهداف اقتصاد مقاومتی، بهبود وضعیت معیشت مردم</p>	<p>دستیابی به توافق در مذاکرات هسته‌ای، گشودن باب همکاری‌های بین‌المللی با برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران، خروج ایران از فصل هفتم منشور ملل متحد، برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی و مالی مربوط به انرژی هسته‌ای شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، آزاد کردن ده‌ها میلیارد دلار دارایی‌های مسدود شده ایران (در دوره یازدهم جمهوری اسلامی ایران)، گسترش ارتباطات اقتصادی در سطح بین‌المللی</p> <p>تعامل سازنده و مؤثر با دنیا</p>
---	-----------	------------	--------------	---	---

منبع: یافته‌های پژوهش

در دوره ابتدایی انقلاب اسلامی ایران، کشور متأثر از حوادث مختلف داخلی و بیرونی از ضعف و ناکارآمدی در دستگاه دیپلماسی و بویژه دیپلماسی اقتصادی رنج می‌برد. دوره سازندگی را می‌توان تولد دیپلماسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب عنوان کرد که در آن اولویت‌های اقتصادی در راس امور بود در این دوره مدل اقتصادی ایران از حالت دولت محور به سمت اقتصاد بازار حرکت کرد که زمینه پیدایش چهره جدیدی از سیاست خارجی ایران را فراهم کرد که موجب احیای سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بود.

با توجه به آنچه در جدول ۱، عنوان شد می‌توان نتیجه گرفت که دیپلماسی اقتصادی با رویکرد آزادسازی اقتصادی در داخل و تعامل گرایی زمینه تولد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده، رویکرد تنش‌زدایی فعال و اصلاحات داخلی موجب گسترش روابط اقتصادی - سیاسی با دیگر کشورها شده که یکی از اهداف دیپلماسی

اقتصادی نیز هست، رویکرد تهاجمی و سیاسی - امنیتی زمینه شکست دیپلماسی اقتصادی را فراهم کرد و رویکرد تعامل سازنده و مؤثر با دنیا توانست در ابتدای رویکرد اقدامات مؤثری را در زمینه عملیاتی و تجلی بخشی دیپلماسی اقتصادی برای جمهوری اسلامی فراهم آورد.

۴- دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم دولت جمهوری اسلامی ایران

با توجه به مفهوم دیپلماسی اقتصادی و جایگاهی که سال‌های اخیر در سیاست‌های خارجی و اقتصادی ایفا می‌کند نشانگر اهمیت و ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم ریاست جمهوری اسلامی ایران است. با تکیه بر مباحثی که در بخش‌های قبل درباره دیپلماسی اقتصادی در دوران بعد از انقلاب اسلامی به ویژه دوران بعد از جنگ تحمیلی بیان شد، با پایان یافتن دوره دوازدهم ریاست جمهوری اسلامی ایران و با پیروزی آقای سیدابراهیم رئیسی در دوره سیزدهم ریاست جمهوری اسلامی ایران با شعار «دولت مردمی و ایرانی قوی» در خرداد ماه ۱۴۰۰ همراه شد. در جدول زیر به برنامه‌های انتخاباتی این دوره می‌پردازیم که به شرح ذیل است:

جدول ۲- برنامه‌های انتخاباتی در دوره سیزدهم دولت جمهوری اسلامی ایران

ردیف	حوزه	وعده
۱	مدیریتی	داشتن نگاه یکسان به همه مردم، تغییر وضع موجود به نفع مردم، تضمین قانونی حق همه مردم، پایان روابط فسادانگیز و جریان رانت‌خواری و برخورد با مظاهر فساد، جهت‌گیری در راستای عدالت، استفاده از همه ظرفیت‌های کشور و نیروهای کارآمد و اجماع‌سازی، تحول در نظام اجرایی و شیوه اداره کشور، تحول در نظام اداری برای مقابله با فساد اداری و برداشتن ضابطه‌های دست‌وپاگیر، شناخت اقلیمی مسائل کشور علاوه بر مسائل کلان، ایجاد گشت ارشاد برای مدیران، اصلاح دولت و مبارزه با فساد، ناکارآمدی و تبعیض، ایجاد سامانه شفافیت و شفاف‌سازی اقدامات، به حداقل رساندن یا منتفی کردن تعارض منافع در بسیاری از سطوح مثل بخش مسکن و سلامت
۲	اقتصادی	ساخت ۴ میلیون مسکن در ۴ سال، ایجاد یک میلیون شغل در هر سال (۴ میلیون شغل در پایان ۴ سال)، رساندن تورم به نصف میزان فعلی و پس از آن، تک رقمی کردن تورم، ایجاد سامانه جامع اطلاعات اقتصادی، مدیریت بازار ارز، رفع وابستگی کالاهای اساسی و سفره مردم به نرخ ارز، اصلاح نظام بانکی کشور، تحول ساختاری در نظام

		<p>بانکی، سوق دادن نقدینگی به سمت تولید، افزایش نظارت بر بازار، کنترل گرانی و مقابله با گران‌سازی، اصلاح نظام قیمت‌گذاری و تأمین و توزیع برای حل فاصله طبقاتی، حل فاصله طبقاتی و بی‌عدالتی با تغییر سیاست‌های نادرست اقتصادی، متناسب‌سازی حقوق مردم با تورم، توزیع عدالت با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی، اصلاح نظام مالیاتی و ایجاد سامانه هوشمند برای مقابله با بروکراسی فسادزا، حمایت از خانواده‌ها و اقشار محروم، تأمین حداقل معاش مردم با ارائه کارت خرید برای سه دهک پایین، جهش در تولید و تقویت کسب و کار، استفاده از ظرفیت تولیدی کشور که ۴۰ درصد آن خالی است، فعال کردن اقتصاد دریایی</p>
۳	سلامت و بهداشت	<p>آسان کردن دسترسی به متخصصین و پزشکان در همه کشور، واکسیناسیون کرونا برای همه آحاد مردم در اسرع وقت، کمک به آسیب‌دیدگان از کرونا، کاهش ۵۰ درصد از هزینه‌های درمان، پرداخت هزینه درمان از طریق ارائه کارت سلامت برای برخی از اقشار جامعه، توسعه خدمات درمان ناباور، توجه به معیشت و حقوق پزشکان و پرستاران، وعده‌های اجتماعی و فرهنگی، حل مشکل مسکن جوانان در آستانه ازدواج، رایگان شدن اینترنت برای دهک‌های پایین جامعه، رونق اقتصاد فضای مجازی، تجدید نظر در بخشنامه‌های دست و پاگیر، حل مشکل طرح تحول سلامت، حل آسیب‌دیدگی عدالت در جامعه، شناخت حقوق همه مردم و دختران و زنان و روستاییان برای حل مشکلاتشان</p>
۴	سیاست خارجی	<p>پایبندی به برجام با اقتدار خارجی در امتداد اقتدار داخلی، سامان دادن اقتصاد، معیشت و فرهنگ و مسائل اجتماعی و حقوق مردم در عرصه سیاست خارجی، تردید نکردن برای رفع تحریم‌ها و در کنار آن خنثی‌سازی تحریم و شرطی نکردن اقتصاد، توجه ویژه به دیپلماسی اقتصادی در کنار دیپلماسی سیاسی و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی منطقه‌ای</p>

جدول ۳- اولویت‌های وزارت امور خارجه دوره سیزدهم دولت جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عنوان
۱	<p>سیاست خارجی متوازن توسعه روابط همسایگی اولویت دادن به اقتصاد در تعاملات خارجی به ویژه با همسایگان فعال کردن دیپلماسی اقتصادی</p>

جدول ۴- برنامه‌های اولویت‌دار وزیر پیشنهادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عنوان
۱	تقویت تبادلات و مراودات با همسایگان پیگیری دیپلماسی اقتصادی/انتخاب سفرا متناسب با ظرفیت هر کشور تقویت جبهه مقاومت تعیین و تکلیف پرونده برجام

با توجه به برنامه‌های انتخاباتی ریاست جمهوری و همچنین برنامه‌های اولویت دار وزارت امور خارجه و وزیر پیشنهادی نشان دهنده این موضوع است که رفاه در درجه اول اهداف دولت بوده است که از مسیرهای متفاوتی قابل رسیدن است و هر وزارتخانه‌های یک گام برای رسیدن به این امر است. اما آنچه که اهمیت دارد این است که تا چه حد این برنامه‌ها قابل اجرا و بهینه‌سازی است، اساساً زیرساخت‌های لازم برای اجرای آنها وجود دارد؟ برای پاسخ به این گونه سوالات باید چالش‌هایی که در راه دیپلماسی اقتصادی ایران است را شناسایی کرده و برای آنها راه حلی بیان شود. همانگونه که پیشتر بیان شد از اهداف کشورها از اجرای برنامه‌ها و تصمیم‌های رسیدن به رفاه است. با توجه به اینکه کشور ایران کشوری اسلامی است رفاه را تنها در جهت مادی آن مورد بررسی قرار نمی‌دهد و رفاه در هر دو بعد مادی و معنوی آن ملاک است اما در این پژوهش به دلیل رویکردی که دارد صرفاً رفاه مادی که در ادبیات متعارف از آن به رفاه اجتماعی عنوان می‌شود معیار سنجش رفاه است که برای آگاهی بیشتر در ادامه به رفاه و شاخص‌های سنجش آن و همچنین جایگاه ایران از این منظر خواهیم پرداخت و سپس به چالش‌ها و سیاست‌هایی که در دیپلماسی اقتصادی باید دنبال کرد تا به افزایش رفاه کشور ایران کمک کند خواهیم پرداخت.

۵- وضعیت رفاه جمهوری اسلامی ایران

۵-۱. مفهوم رفاه

درباره واژه رفاه و بهزیستی در منابع و مطالعات لغوی معاصر در زبان فارسی می‌توان معادل‌های زیر را به عنوان نمونه بیان کرد: لغت‌نامه دهخدا در تعریف رفاه آورده است:

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم... / دادگر و شیرمحمدی ۱۲۹

«فراخ و آسان شدن زندگانی، زندگانی فراخ و به عیش زیستن، آسودگی، رفاهیت، استراحت، ناز و نعمت، سازواری و تن آسایی (دهخدا، ۱۳۲۵). در فرهنگ معین، «به معنای آسودگی، تن آسایی ذکر شده» (معین، ۱۳۸۲)، همچنین در فرهنگ امید به معنای: «فراخ شدن و آسان شدن زندگانی، فراخ عیشی، تن آسایی، آسودگی و رفاهت بیان شده است» (امید، ۱۳۸۹). هرمز همایون پور در ترجمه کتاب نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟) از دید فیتزپتریک نویسنده کتاب می‌نویسد «تعریف رفاه پاسخ آسانی ندارد و نظریه پردازان قرن هاست که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند از همین رو بحث دامنه‌ای گسترده دارد و آنچه از دست ما بر می‌آید این است که در حال حاضر به بررسی چشم‌اندازهای اصلی رفاه بسنده کنیم: شادکامی، تأمین، ترجیحات، نیازها، استحقاق، مقایسه‌های نسبی». (فیتزپتریک، ۱۳۸۱)

فیض‌زاده و مدنی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: شاخص‌شناسی برای تبیین و سنجش، اصطلاح رفاه را بدین گونه توضیح داده‌اند: «اصطلاح رفاه در گسترده‌ترین مفهوم به معنی بهزیستی است. به مفهوم محدودتر اشاره دارد به راحتی و بهبود وضع مردم، بالاتر و بیشتر از درآمدهای پولی‌ای که کسب می‌کنند، زیرا وضع مردم از خط مشی‌های حکومت مرکزی یا محلی، بنگاه‌های خصوصی یا نهادهای داوطلبانه تأثیر می‌پذیرد. به این مفهوم است که این اصطلاح در عبارتهایی نظیر کار رفاه بخش، رفاه صنعتی، دولت رفاه بخش و از این قبیل به کار برده می‌شود.» (فیض‌زاده و مدنی، ۱۳۷۹)

بررسی این نمونه‌های مختلف نشان می‌دهد همچنان دیدگاه‌ها در مورد رفاه بسیار متنوع و مختلف می‌باشد. به عنوان مثال از یک منظر، رفاه عبارت است از مجموع شرایطی است که سبب کاهش فعالیت‌های جسمانی فرد می‌شود؛ و از منظری دیگر، رفاه عبارت از مجموعه شرایطی است که باعث می‌شود فرد برای رسیدن به اهداف عالی خویش در زندگی، نظیر ادامه تحصیل، افزایش تولید، بهبود وضع زندگی فرزندان و غیره، با مشکلات جسمی و روحی کمتری رو به رو شود و آن مقاصد را در زمان مناسب و با بهترین شرایط تحقق بخشد.

با توجه به آنچه که در باره اصطلاحاتی چون رفاه، بهزیستی، اقتصاد رفاه و تابع رفاه گفته شد می‌توان دریافت که رفاه در عین داشتن اشتراکاتی در تعاریف از گستره معنایی واحد و منسجمی نزد صاحب نظران برخوردار نبوده است، پیچیدگی مفهوم رفاه تنها در متعدد بودن قلمروهای آن نیست بلکه حتی در یک قلمرو واحد مانند اقتصاد نیز مفهوم رفاه پیچیده است و از جنبه‌های مختلفی چون رفاه اجتماعی، رفاه اقتصادی، رفاه بهزیستی و رفاه عاطفی و... مورد تأکید و بررسی قرار گرفته، لذا تعریف‌های مختلفی برای آن ذکر شده است. با توجه به رویکرد بحث که مقایسه تطبیقی روش‌های اندازه‌گیری شاخص رفاه را دنبال می‌کند و به دلیل وجود محدودیت منابع در حوزه شاخص اندازه‌گیری رفاه و همچنین بخاطر اینکه اکثریت شاخص‌های معرفی شده در حوزه رفاه اجتماعی و توسعه‌ای وجود دارند و بیشتر زمان‌ها دولت‌ها مبنای تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را رفاه اجتماعی در نظر می‌گیرند همچنین از طرفی در چند دهه اخیر صاحب‌نظران نشان داده‌اند که رفاه اجتماعی تنها به موضوع اقتصادی مرتبط نیست بلکه مفاهیمی نظیر احساس شادکامی و سرزندگی، امید به آینده، اعتماد اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، رضامندی، احساس امنیت و موارد دیگری را در بر می‌گیرد. (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱)

رفاه اجتماعی مفهومی بسیار پیچیده است که به عنوان مفهوم و واقعیتی اجتماعی، لایه‌های زیادی و تو درتویی دارد. این چند لایه بودن در واقع بسیاری از متفکرین را به این نتیجه رهنمون شده است که یافتن تعریف قطعی و بدون چون و چرا برای رفاه بسیار دشوار بوده و به عبارتی دیگر به ارائه تعریف‌های نسبی از آن تن در داده‌اند. این تعاریف نسبی گویای این واقعیت هستند که واقعیت رفاه اجتماعی - در عین اینکه هم جنبه فردی و هم جمعی، هم ذهنی و هم عینی - خصلتی پویا و متحول داشته و متناسب با تغییرها به وجود آمده در جوامع و رشد انتظاراتها و نیازها دگرگون می‌شود. در واقع، ویژگی انعطاف‌پذیری آن و هم زیستی آن با شاخص‌های توسعه اقتصادی و ملاحظات سیاسی جامعه کارکرد آن را از

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم... / دادگر و شیرمحمدی ۱۳۱

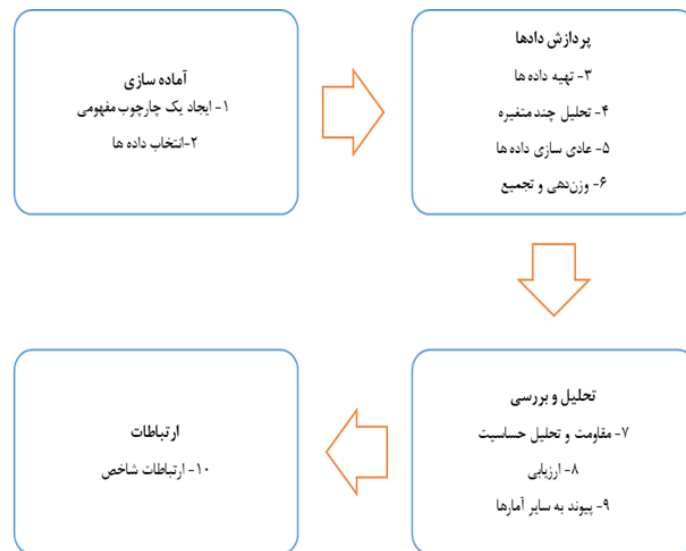
ترمیم‌های موضعی و اتخاذ تصمیم‌های مقطعی خارج می‌سازد. بنابراین، مقوله رفاه «اقتصادی» و «اجتماعی» دو روی یک سکه بوده و لازم و ملزوم یکدیگرند. (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱) از طرفی تفکیک مباحث مرتبط با دو مفهوم رفاه و تأمین اجتماعی اگر نه ناممکن، اما دشوار است، زیرا بررسی سیر تاریخی دو مفهوم مورد بحث نشان‌دهنده پیوستگی و امتداد آنهاست (فیض‌زاده و مدنی، ۱۳۷۹) بنابراین در این پژوهش رفاه اجتماعی مورد تأکید خواهد بود.

۲-۵. مفهوم شاخص

شاخص‌ها در بسیاری از زمینه‌های آماری، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به عنوان راهی مفید برای جمع‌بندی و ارائه اطلاعات ارائه می‌دهند. در بسیاری از موارد، انواع مختلفی از شاخص‌ها می‌توانند اعمال شوند، از شاخص‌های ساده، منفرد تا شاخص‌های ترکیبی پیچیده‌تر که اطلاعات را از تعدادی منابع مختلف یا مناطق مختلف در یک اندازه‌گیری مشترک جمع می‌کند. (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹)

برخی از شاخص‌ها «پیشرو» هستند و هدف آنها پیش‌بینی توسعه یک پدیده خاص مانند رشد اقتصادی است. برخی از شاخص‌ها در مقایسه با پدیده‌هایی که سعی می‌کنند تخمین بزنند، تصادفی و یا تأخیری خواهند بود. تعاریف و اصطلاحات موجود در طول زمان برای کاربردهای مختلف ایجاد شده است. قبل از بحث در مورد انواع شاخص‌ها داشتن یک درک مشترک از اصطلاح شاخص مفید است. این اصطلاح در تعدادی از دامنه‌ها استفاده می‌شود و می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد. اصطلاح شاخص به عنوان «معیار خلاصه مربوط به یک مسئله یا پدیده اصلی و ناشی از مجموعه‌ای از واقعیت‌های مشاهده شده یا برداشت‌ها، نگرش‌ها یا انتظارات گزارش شده» تعریف شده است. (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹). شاخص یک معیار کمی یا کیفی است که از مجموعه‌ای از حقایق مشاهده شده حاصل می‌شود و می‌تواند موقعیت‌های نسبی (به عنوان مثال یک کشور) را

در یک منطقه مشخص نشان دهد. هنگامی که یک شاخص در فواصل منظم ارزیابی می‌شود، می‌تواند جهت تغییر را در واحدهای مختلف زمان نشان دهد. در زمینه تجزیه و تحلیل سیاست‌ها، شاخص‌ها در شناسایی روندها و جلب توجه به موضوعات خاص مفید هستند. آنها همچنین می‌توانند در تعیین اولویت‌های سیاست و در معیارگذاری یا نظارت بر عملکرد مفید باشند (OECD, ۲۰۰۸).



تصویر ۱- فرآیند تولید شاخص‌های ترکیبی

منبع: سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹

۳-۵. شاخص ترکیبی

یک شاخص ترکیبی با ترکیب شاخص‌های منفرد ایجاد می‌شوند. از شاخص‌های ترکیبی برای اندازه‌گیری مفاهیم چند بعدی و در بسیاری از موارد انتزاعی استفاده می‌شود که نمی‌توان آنها را توسط شاخص‌های منفرد ضبط کرد (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹). مهم‌ترین شاخص‌های ترکیبی عبارتند از: شاخص رفاه اقتصادی، میزان رفاه اقتصادی، پیشرفت واقعی، سلامت اجتماعی، استاندارد زندگی، توسعه انسانی، کیفیت زندگی، پیشرفت اجتماعی و لگاتوم که از بین ۱۶۷ کشور جمهوری اسلامی ایران در رتبه ۱۲۰ قرار دارد.

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم... / دادگر و شیرمحمدی ۱۳۳

جدول ۵- وضعیت جمهوری اسلامی ایران بر اساس شاخص لگاتوم

رتبه ایران	مؤلفه‌های اصلی	ردیف
۱۳۱	امنیت ایمنی	۱
۱۶۵	آزادی شخصی	۲
۱۳۸	حکومت	۳
۸۰	سرمایه اجتماعی	۴
۱۳۰	محیط سرمایه‌گذاری	۵
۱۵۲	شرایط سازمانی	۶
۱۰۶	دسترسی به بازار و زیرساخت	۷
۱۱۷	کیفیت اقتصادی	۸
۷۵	شرایط زندگی	۹
۸۱	سلامتی	۱۰
۷۷	تحصیلات	۱۱
۱۵۵	محیط طبیعی	۱۲

مأخذ: گزارش شاخص لگاتوم، ۲۰۲۰

جدول ۶- متغیرهای شاخص لگاتوم

متغیرهای شاخص	شاخص‌های اصلی	ردیف
میانگین پنج ساله میزان رشد، اعتماد به نهادهای مالی، وضعیت اشتغال، چشم‌انداز اقتصادی، میزان پس‌انداز ناخالص ملی، دسترسی به مشاغل، سرپناه و غذای کافی، میزان تورم، رضایت از کیفیت زندگی، اندازه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وام‌های معوقه، نرخ بیکاری، صادرات فناوری پیشرفته، اندازه بازار و میانگین سرانه سرمایه فیزیکی کارگران	اقتصاد	۱
هزینه شروع کسب و کار، سرورهای اینترنتی ایمن، هزینه‌های تحقیق و توسعه، پهنای باند اینترنت، توسعه نامتوازن اقتصادی، تلفن همراه به ازای هر خانوار، صادرات فناوری، اطلاعات و ارتباطات، هزینه‌های حق امتیاز و صدور مجوز، وضعیت کارآفرینی و تلفن‌های همراه در هر ۱۰۰ نفر	کارآفرینی و فرصت	۲
ثبات حکومت، کارآمدی دولت، حاکمیت قانون، تفکیک قوا، کارایی قوانین و مقررات، حقوق سیاسی، محدودیت‌های سیاسی، نوع دولت (دموکراتیک یا	حکمرانی	۳

		استبدادی)، اقدامات در راستای فقر زدایی، اعتماد و صحت انتخابات، اعتماد به حکومت ملی، فساد دولت و بنگاه‌ها و بیان نظرات به مقامات سیاسی
۴	آموزش	میزان کل ثبت نام در دوره متوسطه، نسبت دانش آموزان به معلمان، میزان خالص ثبت نام دوره ابتدایی، ثبت نام دختران به پسران، میزان کل ثبت نام دانشگاهی، رضایت از سیستم آموزشی، میانگین تحصیلات متوسطه در نیروی کار، میانگین تحصیلات دانشگاهی در نیروی کار و فرصت تحصیل و آموزش برای کودکان
۵	بهداشت و سلامت	میزان مرگ و میر نوزادان، طول عمر، میزان مصونیت در برابر بیماری‌های واگیردار، شیوع وبا، سوء تغذیه، میزان سرانه هزینه‌های بهداشت، رضایت از وضعیت بهداشت و سلامت، سطح استرس، رضایت از شرایط فیزیکی و زیبایی محیطی، تعداد تخت‌های بیمارستان، کیفیت آب، وضعیت بهداشت و سلامت، میزان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های تنفسی، مشکلات سلامتی و بهداشتی و میزان مصونیت در برابر سرخک و طول عمر (با احتساب سلامت)
۶	امنیت	جنگ‌های داخلی، حمله و تجاوز، بی‌ثباتی جمعیتی، بیان نظرات سیاسی بدون ترس، ظلم و بی‌عدالتی‌های جمعی، پناهندگان و آوارگان، مهاجرت نخبگان و مخالفان سیاسی، خشونت سیاسی از سوی دولت، دزدی و پیاده روی امن در شب
۷	آزادی	رواداری نسبت به گروه‌های اقلیتی، آزادی‌های مدنی، رواداری نسبت به مهاجران و آزادی انتخاب
۸	سرمایه اجتماعی	میزان اعتماد کردن به دیگران، قابلیت اعتماد به دیگران، وضعیت تأهل، اهدا و بخشش، کمک به غریبه‌ها، حضور در مراسم مذهبی و فعالیت‌های داوطلبانه

۶- چالش‌های دیپلماسی ایران

دیپلماسی اقتصادی الگوی رفتاری نوینی در حوزه سیاست خارجی است که مجرای اولیه آن وزارت امور خارجه است. بدیهی است که پویای رفتاری از خصایل ساختاری و نهادی کشورها نشئت می‌گیرد. به عبارت دیگر، مؤلفه لاینفک دیپلماسی اقتصادی وجود یک ساختار اقتصاد بازار با فعالیت اثربخش و معنادار و اصیل نیروهای بازار و بخش خصوصی در آن است. بنابراین، با توجه به درهم تنیدگی عوامل ساختاری و کارگزاری اقتصادی، شناخت و ارزیابی عملکرد وزارت امور خارجه و سایر بازیگران و فعالان حوزه دیپلماسی اقتصادی بدون واکاوی ویژگی‌های ساختاری اقتصادی ایران امکان‌پذیر نمی‌باشد. بر این اساس دیپلماسی

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم... / دادگر و شیرمحمدی ۱۳۵

اقتصادی چارچوبی جدید تلقی می‌شود که فعالسازی آن در ایران با سه چالش و محدودیت مواجه است: چالش اقتصاد دولت محور در برابر بخش خصوصی، ضعف رقابت‌پذیری اقتصادی ایران و تقابل محیط داخلی - عرصه خارجی. در واقع این نوع دیپلماسی جدید پاسخی به چالش‌های نوظهور ناشی از جهانی شدن، تصمیم‌گیری داخلی و همکاری‌های فزاینده بین همه بازیگران درگیر است (دامن پاک جامی، مرتضی، ۱۳۹۷)

۱-۶. اقتصاد دولت محور در برابر بخش خصوصی

یکی از بازیگران اصلی دیپلماسی اقتصادی شرکت‌ها و بنگاه‌های غیردولتی هستند در حالی که از دوران سازندگی تا کنون با توجه به ماهیت اقتصاد ایران همچنان بخش دولتی است و اقتصاد قدرتمند دولت - محور و بخش خصوصی ضعیف و از کمترین سهم در اقتصاد داخلی برخوردار است (دامن پاک جامی، مرتضی، ۱۳۹۷) و با منطق حاکم بر اقتصاد جهانی منطبق نیست، معنای اقتصاد باز که بر خودمختاری در انجام امور اقتصادی دیگر بازیگران در کنار دولتها دلالت دارد در صورتی که در کشور ما متغیر مربوط به آزادسازی اقتصاد مانند آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی مالیاتی، مخارج دولت، آزادسازی پولی، آزادسازی سرمایه‌گذاری، آزادی تأمین مالی، آزادی نیروی کار، مخارج دولت، آزادی از فساد و حقوق مالکیت ایران در وضعیت مساعدی به سر نمی‌برد (دهقانی فیروزآبادی، صالحی، ۱۳۹۱).

۲-۶. ضعف رقابت‌پذیری اقتصاد ایران

گسترش بازارهای جهانی و ارتباط روز افزون بین کشورهای مختلف باعث شده است که محیط‌های تجاری بسیاری از فعالیتهای اقتصادی با تغییر و تحولات زیادی روبه‌رو شود و این همان مفهومی است که با فرایند جهانی شدن اقتصاد ارتباط تنگاتنگی دارد به همین دلیل است که مفهوم رقابت‌پذیری کلیدی‌ترین مفهوم در عرصه بین‌الملل و دیپلماسی اقتصادی کشور هاست. سطح رقابت‌پذیری نشان دهنده توان کشورها در تأمین و افزایش رفاه مردمشان است. رقابت‌پذیری مجموعه‌ای از نهادها و سیاست‌ها و عواملی است که سطح

بهره وری یک کشور را تعیین می‌کند که سطح بهره وری به نوبه خود موجب افزایش سطح رفاه اقتصادی مردم در اقتصاد کشور را تعیین می‌کند در نتیجه اقتصادهایی که رقابت‌پذیر هستند سطح بالاتری از درآمد را برای شهروندان خود ایفا می‌کنند. فاکتورهایی که بر رقابت‌پذیری اثرگذار هستند شامل ۱۲ رکن است: عملکرد نهادهای دولتی و خصوصی، زیرساخت‌های توسعه یافته، ثبات در حساب‌های دولتی، نیروی کار سالم تحصیل کرده، آموزش عالی و حرفه‌ای، بازارهای کارآمد کالا، بازارهای آمد نیروی کار، بازارهای مالی پیشرفته، بازار داخلی و یا بازار خارج بزرگ، توانایی استفاده از مزایای فناوری موجود، پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری و نوآوری این موارد اهمیت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی را از بیش از پیش نمایان می‌کند که مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که نیروهای اقتصادی غیردولتی از شکاف سطح ارزی معادل دولت رنج می‌برند و از مشارکت در نظام سیاسی و تصمیم‌های آن که به نفع بخش خصوصی باشد، محرومند. از چالش‌هایی که مانع رقابت‌پذیری اقتصاد ایران می‌شود: وجود موانع تجارت، رواج مالکیت خارجی (مالکیت شرکت‌های خارجی)، سطح تعرفه‌ها، اثر قوانین بر سرمایه‌گذاری خارجی، نسبت واردات به تولید ناخالص ملی و میزان مشتری‌مداری شرکت‌ها. که در نتیجه این چالش‌ها رقابت داخلی و خارجی در سطح پایینی قرار دارد و فضای مساعدی برای مانور دیپلماسی اقتصادی و کارگزاران فعال در این حوزه باقی نمی‌ماند (دهقانی فیروزآبادی، صالحی، ۱۳۹۱).

۳-۶. تقابل محیط داخلی-عرصه خارجی

در میان ظرفی‌های مختلف و متعددی که برای دیپلماسی اقتصادی متصور است، می‌توان به ظرفیت‌های دیپلماتیک آن در افزایش مبادلات و همکاری‌های اقتصادی دو جانبه در دو محیط داخلی و خارجی اشاره کرد. چنانچه که فضای تعامل این دو محیط فراهم باشد روند ورود جریان‌های مالی و فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌ای بین‌المللی به عرصه داخلی ایران امکان‌پذیر می‌شود. ضعف‌هایی مانند نبود تولیدات داخلی و ساختار اقتصادی تک

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم... / دادگر و شیرومحمدی ۱۳۷

محصولی، نبود تنوع مقاصد صادراتی، روند نازل جذب سرمایه‌های خارجی و در نهایت حضور محدود در بازارهای جهانی و منطقه‌ای بازتاب دهنده تقابل محیط داخلی - عرضه خارجی کشور است (سلیمانی، ۱۳۹۴).

۴-۶. محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی

از دیگر شاخص‌های دیپلماسی اقتصادی، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات است. جمهوری اسلامی ایران دسترسی محدودی به این موضوع دارد و از توانایی ساختاری برخوردار نیست. برای درپیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی و تعاملات اقتصادی در عرصه جهانی، شناخت اطلاعات کامل و کافی در استفاده از جدیدترین تکنولوژی‌ها برای دسترسی به اطلاعات برای دیپلمات‌های اقتصادی امری لازم و ضروری است.

۵-۶. نبود ساز و کار مناسب

روند دستگاه دیپلماسی کشور نماینگر این است که تغییرهای چندانی در ساختار دستگاه سیاست خارجی و در بخش اقتصادی آن به‌طور خاص شکل نگرفته است و همچنان بسترهای قوی و ساز و کارهای اجرایی و نظارتی مناسبی جهت پیشبرد اهداف و برنامه‌های دیپلماسی اقتصادی ایجاد نشده است. نبود هماهنگی بین بخش‌های مختلف سیاسی و فرهنگی بر کیفیت فعالیت‌های دیپلماتیک تأثیر گذاشته است. جذب نشدن در سازمان‌های تجارت جهانی و نبود تلاش جدی برای عضویت در این گونه سازمان‌های اقتصادی و ناتوانی در رقابت با بازارهای جهانی از پالش‌های حیطة دیپلماسی اقتصادی است که کشور ایران با آن رو به رو است (ذوالفقاری و زینی‌وند، ۱۳۹۷).

۶-۶. تحریم‌های اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که طی دهه‌های گذشته مورد تحریم‌های گسترده غرب، سازمان ملل قرار گرفت است. دیپلماسی اقتصادی قدرمند از طریق کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیا می‌تواند اثرات تحریم آمریکا و اروپا را کاهش دهد همچنین توافقاتی همچون برجام می‌تواند در راستای کاهش اثرات تحریم انجام گیرد (محبی و بذار، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری بین‌المللی با ویژگی‌های منحصر به فرد و جایگاهی متمایز در تحولات استراتژیک، علاوه بر اینکه از تغییر و تحولات نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد، بر آن نیز متقابلاً تأثیر می‌گذارد. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر قدرت منطقه‌ای، کشوری بین‌المللی و حتی در برخی ویژگی‌ها جهانی است؛ یعنی حرکات، رفتار و فعالیت‌های آنها نه تنها در منطقه و پیرامون آن خلاصه نمی‌شود بلکه برخی از آنها در کل جهان نیز بازتاب پیدا می‌کنند، همچنان که تحولات جهانی نیز بر آنها تأثیرگذار است.

جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی اقتصادی ناآشنا نیست و در دوره‌های مختلف دارای فرازها و فرودهایی بوده اما آنچه که اکنون اهمیت دارد راهبرها و تصمیم‌های دولت سیزدهم در راستای دیپلماسی اقتصادی کشور است. از جمله شعارهای دولت سیزدهم مسئله معیشت و رفاه مردم بوده که دیپلماسی اقتصادی بعنوان یک راهبرد و نقشه راه می‌تواند در راستای تحقق شعارهای انتخاباتی دولت سیزدهم کمک‌کننده، باشد. در دولت‌های گذشته نیز کارهایی از جمله درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، پیوستن به گروه موسوم به دی هشت، فعال‌سازی کمیسیون‌های مشترک اقتصادی، دستیابی به توافق در مذاکرات هسته‌ای، گشودن باب همکاری‌های بین‌المللی با برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران، خروج ایران از فصل هفتم منشور ملل متحد، برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی و مالی مربوط به انرژی هسته‌ای شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، آزاد کردن ده‌ها میلیارد دلار دارایی‌های مسدود شده ایران (در دوره یازدهم دولت جمهوری اسلامی ایران)، گسترش ارتباطات اقتصادی در سطح بین‌المللی در راستای تحقق دیپلماسی اقتصادی انجام شده است بخصوص بعد از توافق هسته‌ای موسوم به برجام وضعیت رفاهی و بانکی کشور دستخوش تغییرهایی شد اما بعد از روی کار آمدن دولت ترامپ و بدعهدی آنان اوضاع کمی اشفته شد، به همین دلیل به دولت بعدی توصیه شد

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم... / دادگر و شیرمحمدی ۱۳۹

بجای رویکرد غرب، با توجه به تحولات منطقه تغییر جهت به سمت شرق دهد و درصدد توافقات بین‌المللی با آنها باشد که دولت سیزدهم نیز در ابتدای کار با به عضویت در آمدن در پیمان شانگهای درستی این ادعا را تأیید کرد. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با توجه به موقعیت منطقه‌ای، سیاسی و مذهبی که دارد و همچنین جایگاه جغرافیایی‌اش از دیپلماسی قوی برخوردار باشد که در این راستا لازم است فرصت‌ها و چالش‌های واقعی موجود را شناسای و برای بهینه‌سازی و پویایی دیپلماسی تلاش ورزد که برای دستیابی به آن می‌تواند علاوه بر ایجاد یک فرهنگ عمومی و تخصصی از دیپلماسی اقتصادی، افرادی با دانش اقتصادی و سیاسی را برای تصدی دیپلمات اقتصادی تربیت نماید تا بتواند از آنها در دیدارهای رسمی و دیپلماتیک بهره‌بردار، همچنین ایجاد یک رشته با عنوان دیپلماسی اقتصادی ر دانشکده‌های اقتصاد و علوم سیاسی از جمله راهکارهایی است که در بلند مدت می‌تواند وضعیت دیپلماسی را دستخوش تغییرهای شگرفی نماید.

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

الرشید، هارون؛ مترجم: مهدی عباسی (۱۳۸۵). دیپلماسی اقتصادی، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال ۱۹(۵).

پورااحمدی، حسین (۱۳۸۸). «مبانی نظری دیپلماسی نوین: هدایت دیپلماسی در عصر جهانی شدن»، جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷). تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بررسی دستاوردهای چهارده گذشته و چالش‌های پیش رو، فصلنامه سیاست خارجی، سال (۴)، ۹۱-۱۵۸.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵). لغت‌نامه دهخدا، تهران: چاپ مجلس، چاپ اول.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ صالحی، مختار (۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی ایران، زمینه‌ها و چالش‌ها، فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد ایران، سال ۱۷(۵۲).

ذوالفقاری، مهدی؛ زینی‌وند، حسین (۱۳۹۷). جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران: دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی. فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل، ۸(پیاپی ۱)، ۶۷-۹۴.

سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۴). الزام تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط پسا تحریم. دفتر مطالعات سیاسی معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی.

شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۵). همراهی دیپلماسی و اقتصاد: جایگاه دیپلماسی اقتصادی در همکاری‌های منطقه‌ای ایران. همشهری دیپلماتیک، ۱(۳).

عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات راه رشد، چاپ اول.

فیتزپتریک، تونی، مترجم: همایون پور، هرمز (۱۳۸۱). نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، تهران، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

ضرورت آگاهی از جریان‌شناسی دیپلماسی اقتصادی در دوره سیزدهم... / دادگر و شیرمحمدی ۱۴۱
فیض‌زاده، و علی و مدنی، سعید (۱۳۷۹). تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: (شاخص‌شناسی
برای تبیین و سنجش). فصلنامه تأمین اجتماعی، ۴(۲)، ۲۳۲-۲۰۶.
قائم‌نیا، علی اصغر، و موسوی ثمرین، سید سعید (۱۳۹۰). شناخت جریان‌های اقتصادی فعال
اقتصادی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی، چاپ اول.
محبی، محسن، و بذار، وحید (۱۳۹۶). ساز و کارهای حل و فصل اختلافات ناشی از برجام و
تعیین تحریم‌های هسته‌ای ایران در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجله
مطالعات حقوقی، ۹(۴)، ۲۷۹-۳۰۶.
معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر ندا، چاپ دوم.
هزارجریبی، جعفر، و صفری شالی، رضا (۱۳۹۱). آناثومی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات
جامعه و فرهنگ.

الف-۲: انگلیسی

Bayne, Nicholas and Stephen Woolcock The New Economic Diplomacy, Decision- making and Negotiation in International Economic Relations, London: Ashgate, 2010.

Heydari, mohammad and Alamdari, Sohrab (2012): The Riddle of Economic Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, International Journal of Political Science, vol. 2, No.3, pp: 29-45.

OECD (2008): Handbook on Constructing Composite Indicators Methodology and user guide.

United Nations.(2019): Guidelines on producing leading, composite and sentiment indicators.

The need to be aware of the flow of economic diplomacy in the thirteenth term of the Islamic Republic of Iran with emphasis on welfare

Reza Dadgar*

Fateme Shirmohammadi**

Accepted Date: 20/07/2022

Received Date: 29/11/2021

Abstract

Today, diplomacy has expanded in terms of substance and subject and is classified into different and types, including economic diplomacy, in fact, economic diplomacy is a decisive issue in the action strategy of every country at the international level to realize national interests, and it is also one of the important tools in advancing The long-term goals of economic growth and development of countries are considered and are interpreted as the meeting point of diplomacy and national and international economic activities and the interface between the interests of the national economy and other political, security and cultural interests of a country at the level of the world political economy system and its effects. It can be seen in the state of livelihood, income and welfare of the country, that's why it is necessary to know the flow of diplomacy in the 13th period of the government of the Islamic Republic of Iran. This research is organized in a descriptive-analytical method and in a library form using sources, official reports and reliable sites. The findings of this research show that this flow of diplomacy in previous periods was accompanied by ups and downs that had a direct impact on the welfare of the Islamic Republic of Iran. From the results of this research, it can be pointed out that the political equations in the world today are changing from the west to the east, and one of the important elements in the macro management of the country, emphasizing the issue of livelihood and welfare, is paying attention to the required infrastructure and culture. It can be considered to optimize economic diplomacy in the 13th government.

Keywords: Flow Science; Economic Diplomacy; The Thirteenth Period of the Government of the Islamic Republic of Iran; Prosperity.

* Assistant Professor of Islamic Education, Department of Islamic Education, Farhangian University, Bahr al-Ulum Shahrekord Campus, Shahrekord, Iran.
Email: dadgar.hs@cfu.ac.ir

** Master of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. Email: f.shirmohammadi@stu.qom.ac.ir

Analysis of the effect of economic growth instability on the performance of listed banks in Tehran stock

Omid Ali Adeli*

Yazdan Guderzi Farahani**

Mona Abolhosni***

Received Date: 07/02/2022

Accepted Date: 10/07/2022

Abstract

The banking industry is considered one of the most important sectors of any economy, and any economic changes in the society will directly and indirectly affect the business of banks. The most important of which are macroeconomic variables. The amount of GDP and its growth rate is one of the most important indicators of economic performance. Therefore, it is very important to examine the economic growth and its instability on the performance of banks. The most important criterion for evaluating the performance of banks is the return on assets index. In this research, an attempt has been made to test the effect of the variables of economic growth instability, economic growth and inflation on the performance of banks in 1387 to 1397 period in 17 banks admitted to the Tehran Stock Exchange. In the present study, the instability index of economic growth has been modeled using GDP growth and calculating its instability. Then, the index created in the form of panel data method has been analyzed on the bank's asset yield indicators. The results of the research show that the effect of economic growth variable instability on banks' asset returns is negative and significant, and the effect of inflation and economic growth on banks' asset returns is positive and significant.

Keywords: Instability of Economic Growth; Performance of Banks; Profitability Ratio; Return on Assets.

* Associate Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran

Email: oa.sdeli@qom.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran

Email: y.gudarzi@qom.ac.ir

*** Master of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran

Email: Abolhosni.mona@gmail.com

Multidimensional energy poverty and human capital development: Empirical evidence from India

Muhammed Rafi*
Mohemmad Naseef**
Salu Prasad***
Reyhaneh Asgari****

Received Date: 02/12/2022

Accepted Date: 22/07/2022

Abstract

Energy poverty is believed to have crucial socio-economic impacts on people's lives, making it a major concern for the policy agenda in many countries, especially in the Global South. Evidence-based inferences on the antecedents and outcomes of energy poverty would aid policymakers in the formulation of better-informed policy decisions. However, measuring energy poverty at the micro-level has always been a challenge, especially in developing countries. This study uses household-level survey data from India to construct a multidimensional measure of energy poverty, which focuses on quantifying energy deprivation, covering both accessibility to and affordability of a broad range of energy forms, and examines its impact on human capital development indicators. Our instrumental variable-based estimations reveal that energy poverty has significant negative effects on children's health and educational achievements. Our results are robust to alternative ways of measuring energy poverty, a suite of estimation approaches, and other sensitivity checks.

Keywords: Energy Poverty; Human Capital Development; Health; Education, India.

* Email: mdrafi@uohyd.ac.in

** Email: naseefp@uohyd.ac.in

*** Email: saluvprasad@uohyd.ac.in

**** Master of Theoretical Economics, Faculty of Economics, Management and Accounting, University of Yazd, Yazd, Iran

Email: Asgari.Reyhaneh@gmail.com

Central Bank monetary policy rules in Islamic banking system

Mahsa Sadat Mojtabavi*

Received Date: 29/12/2021

Accepted Date: 30/06/2022

Abstract

A policy rule states how policy instruments should react to changes in the economy, and the use of the optimal monetary policy rule regardless of the fiscal rule is of more interest among policymakers. Monetary policy in the economy is said to be a set of policies and decisions related to the amount of money and its quality, which aims to create stability and a suitable and fair platform for real activities in the economy. The most important tasks of Central Islamic Bank are the right to money and management of money supply and directing money and credit towards productive and productive activities with the aim of economic maximization, increasing employment and helping to improve economic justice. Considering the relationship between monetary authorities, especially the influence of monetary policy makers on financial authorities in Iran, it is very important to examine macroeconomic policies in the context of monetary and financial policy rules together. In this article, the monetary policy rules of the central bank in the Islamic banking system were studied in a descriptive-analytical way using library sources. The results of the research show that the Islamic Central Bank's rules are different from conventional banking in comparison to conventional central banking due to the different attitude towards the nature of money and the bank and the design of the Islamic Central Bank with the structure of tasks related to itself.

Keywords: Central Bank, Monetary Policy, Islamic Banking, Policy Maker Rules.

* Master of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. Email: Mojtabavi.Mehsa@gmail.com

The effect of cognitive biases on economic decisions

Fahima Hemayati*

Received Date: 09/12/2021

Accepted Date: 22/06/2022

Abstract

Cognitive biases are among the important obstacles to rational and optimal decision-making that lead to reduced economic efficiency. The present study examined the impact of 5 cognitive biases including the status quo bias, preference for present over future, loss aversion, confirmation bias and accessibility on economic decision-making. The results showed that these biases influence the decisions of individuals and policymakers in various ways. Awareness and management of these biases can help improve decision-making and increase economic efficiency.

Keywords: Behavioral Economics; Neuro-based Economics; Behavioral Biases.

* Master's Degree Student in Development Economics and Planning at Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Email: hemayati.fahimeh@gmail.com